



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

آداب سخن و شنیدن

جعفر اسلامی فر



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آداب سخن و سخنوری

نویسنده:

جعفر اسلامی فر

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۳	آداب سخن و سخنوری
۱۳	مشخصات کتاب
۱۳	اشاره
۲۳	تقدیم به:
۲۵	پیش‌گفتار
۲۵	اهمیت تبلیغ دین
۲۹	بخش اول: بایسته‌های مبلغ دین
۲۹	تذکر
۳۳	فصل اول: فردی
۳۳	۱. اخلاص
۳۳	اشاره
۳۶	روایات
۳۸	۲. توکل
۳۸	اشاره
۳۹	روایات
۴۱	۳. ایمان راسخ به رازقیت پروردگار (مناعت طبع)
۴۱	اشاره
۴۳	روایات
۴۴	۴. توسل به اهل بیت (علیهم السلام) به ویژه به امام زمان (عج)
۴۴	اشاره
۴۶	روایات
۴۷	۵. علم برای عمل و تزکیه نفس

۴۷ اشاره
۴۹ روایات
۵۱ ۶. تواضع و فروتنی در برابر مردم
۵۳ ۷. دوری از شهرت طلبی
۵۳ اشاره
۵۴ روایات
۵۶ ۸. پرهیز از گفتار به غیر علم و شجاعت در گفتن «نمی‌دانم»
۵۶ اشاره
۵۷ روایات
۵۹ فصل دوم: اجتماعی
۵۹ ۱. بهره‌گیری از اساتید بزرگ
۵۹ اشاره
۶۲ فواید انس با علما
۶۳ مشورت با دیگران (عرضه مطالب بر اساتید)
۶۴ روایات
۶۷ ۲. برنامه‌ریزی و تدوین بحث قبل از جلسه
۶۷ اشاره
۶۸ آرامش روحی
۶۹ ایجاد شبهه
۶۹ تمرین قبل از اجرا
۷۰ روایات
۷۱ ۳. نوگرایی و نوآوری در شیوه تبلیغ
۷۱ اشاره
۷۳ ذکر لطایف شادی‌بخش در منبر

۷۴	روایات
۷۶	۴. ارتباط دوستانه با مخاطبین
۷۶	اشاره
۷۷	راه درست ایجاد انس با مخاطب
۷۹	روایات
۸۰	۵. احترام به آداب و رسوم فرهنگی مردم
۸۰	اشاره
۸۱	عدم ورود به منازعات فردی و محلی
۸۲	روایات
۸۳	۶. آراستگی ظاهری
۸۳	اشاره
۸۴	مبّغ و تجمل گرایی!
۸۴	رعایت زی طلبگی
۸۵	سخنرانی و بیان معارف دین توسط غیر ملتسین
۸۶	روایات
۸۹	فصل سوم: سخنرانی
۸۹	۱. محوریت قرآن و عترت
۸۹	اشاره
۹۱	مبّغ باید:
۹۳	طلیعه سخن با نور قرآن
۹۳	دین شناسی نه دین سرایی
۹۳	روایات
۹۶	۲. خوف و رجاء
۹۶	اشاره

- روایات: ۹۸
۳. بهره‌گیری از ضرب المثل و ۱۰۰
- اشاره ۱۰۰
- یک خاطره، یک عبرت ۱۰۱
- روایات ۱۰۲
۴. ذکر تاریخ و عبرت‌های آن ۱۰۳
- اشاره ۱۰۳
- روایات ۱۰۵
۵. سخن در حد نیاز (دوری از افراط و تفریط) ۱۰۶
- اشاره ۱۰۶
- روایات ۱۰۷
۶. پرهیز از اطاله کلام ۱۰۹
- اشاره ۱۰۹
- اطاله کلام بدون علت ۱۱۰
- روایات ۱۱۰
۷. علمی و عمیق ولی قابل درک و فهم ۱۱۲
- اشاره ۱۱۲
- روایات ۱۱۳
۸. محکم و متقن سخن گفتن ۱۱۵
- اشاره ۱۱۵
- روایات ۱۱۷
۹. اولویت سنجی با توجه به نیازهای واقعی مخاطبان ۱۱۸
- اشاره ۱۱۸
- چگونگی عکس‌العمل مخاطب ۱۲۰

- ۱۲۱ روایات
- ۱۲۳ ۱۰. رعایت مناسبت‌های ویژه
- ۱۲۳ اشاره
- ۱۲۴ توجه به مناسبت‌های ویژه متناسب با مستمعین
- ۱۲۵ روایات
- ۱۲۶ ۱۱. توجه به نظم و انضباط در زمان جلسات
- ۱۲۶ اشاره
- ۱۲۷ رعایت تقوا در گرو رعایت نظم
- ۱۲۸ روایات
- ۱۳۰ ۱۲. هدف، تربیت و اصلاح
- ۱۳۰ اشاره
- ۱۳۱ وظیفه مبلغ در مجالس تحریم
- ۱۳۲ روایات
- ۱۳۳ ۱۳. حفظ آرامش و وقار
- ۱۳۳ اشاره
- ۱۳۳ علل تزلزل روحی
- ۱۳۴ روایات
- ۱۳۵ ۱۴. پرهیز از گفتار، رفتار و حرکات اضافه و غیر ضروری
- ۱۳۵ اشاره
- ۱۳۵ ذکر چند مورد:
- ۱۳۷ روایات
- ۱۳۸ ۱۵. نوشتن سخنان بعد از سخنرانی
- ۱۳۸ اشاره
- ۱۳۹ فواید نوشتن و یادداشت کردن سخنان:

۱۳۹	روایات
۱۴۱	۱۶. پرهیز از ورود به مباحث حزبی
۱۴۱	اشاره
۱۴۲	مبّغ حق باشیم نه حزب خاص
۱۴۳	۱۷. استقلال در انتخاب موضوع
۱۴۳	اشاره
۱۴۴	مبّغ، ابزار دیگران
۱۴۴	سخن طبق وظیفه نه میل دیگران
۱۴۵	روایات:
۱۴۷	بخش دوم: روش سخنرانی
۱۴۷	یادآوری
۱۵۱	فصل اول: بیان احکام و فروع فقہیه
۱۵۱	۱. اهمیت بیان احکام
۱۵۴	۲. نکات مهم در بیان مسأله شرعی
۱۵۹	۳. روش‌های بیان مسائل فقہی
۱۶۷	فصل دوم: بیان معارف دینی و اخلاقیات
۱۶۷	اشاره
۱۷۰	۱. شیوه بیان معارف دینی (در چهار مورد یاد شده)
۱۷۱	۲. اعتقادات
۱۷۱	اشاره
۱۷۱	بیان اعتقادات از دو منظر مورد توجه است
۱۷۱	اول: تکیه بر استدلال
۱۷۲	دوم: توجه دادن به تهذیب نفس
۱۷۶	۳. اخلاقیات

۴. تفسیر ۱۷۹
۵. تاریخ ۱۸۲
- بخش سوم: مرثیه خوانی ۱۸۵
- اشاره ۱۸۵
- فصل اول: نکات لازم و ضروری ۱۸۹
۱. مراجعه به کتاب‌های معتبر ۱۸۹
۲. نقل صحیح واقعه تاریخی ۱۹۲
- اشاره ۱۹۲
- یک خاطره، یک عبرت: ۱۹۲
۳. تأثیر پذیری از ذکر مصیبت ۱۹۴
۴. حفظ شأن و جایگاه اهل بیت (علیهم السلام) ۱۹۶
- اشاره ۱۹۶
- انتخاب کلمات در شأن اهل بیت ۱۹۶
- پرهیز از ذکر مصائب سنگین ۱۹۷
- نقل صحیح کلمات ائمه (علیهم السلام) ۱۹۸
۵. استفاده از اشعار ۲۰۰
- فصل دوم: سخنی با مداحان عزیز ۲۰۳
۱. مدّاحی با مرثیه خوانی تفاوت دارد! ۲۰۳
۲. مدح در قالب اشعار ۲۰۷
۳. پندیات ۲۰۹
۴. سخن در حد معلومات ۲۱۰
۵. دنیا پاداش خادمان اهل بیت (علیهم السلام) نیست ۲۱۱
- اشاره ۲۱۱
- داستانی از حضرت موسی (ع) ۲۱۱

۶. لزوم اقدام شاعران و ذاکران فرهیخته و پیش‌کسوت ۲۱۳
۷. قابل توجه صاحبان هیئات و جلسات مذهبی ۲۱۴
- درباره مرکز ۲۱۷

آداب سخن و سخنوری

مشخصات کتاب

- سرشناسه: اسلامی‌فر، جعفر، ۱۳۴۸ -
 عنوان و نام پدیدآور: آداب سخن و سخنوری/جعفر اسلامی‌فر.
 مشخصات نشر: تهران: نشر مشعر، ۱۳۸۸.
 مشخصات ظاهری: ۲۰۴ص.
 شابک: ۱۵۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۱۷۵-۵؛ ۱۸۰۰۰ ریال (چاپ دوم)
 وضعیت فهرست نویسی: فاپا
 یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۰۳] - ۲۰۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.
 موضوع: خطبه‌ها
 موضوع: سخنرانی
 موضوع: سخنوری
 موضوع: اسلام -- تبلیغات
 رده بندی کنگره: BP۲۶۱/۴/الف ۴۵ ۱۳۸۸
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۵۴
 شماره کتابشناسی ملی: ۱۶۱۸۰۷۵
 ص: ۱

اشاره

ص: ۵

ص: ۱۱

تقدیم به:

مبلغ راستی و صداقت حضرت خاتم الأنبياء محمد (ص)
و منادی حق و عدالت امیر المؤمنین علی (ع)
و مدافع حریم ولایت امّ الأئمة النجباء حضرت فاطمه زهرا (س)
و فرزندان پاک و طاهرین آن حضرت، تبیین کنندگان حقیقی هدایت.
و تقدیم به محضر مولا و مقتدای صالحان،
حضرت حجة بن الحسن المهدی (عج) نجات بخش بشریت از گمراهی و ضلالت.
و ثواب آن بر روح پدر بزرگوارم مرحوم حاج ذبیح الله اسلامی فر و همه شهدای اسلام، خصوصاً برادر شهیدم، محمد جواد اسلامی
فر.

ص: ۱۳

پیش‌گفتار**اهمیت تبلیغ دین**

(الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا) (۱)

؛ همان کسانی که پیام‌های خدا را ابلاغ می‌کنند و از او می‌ترسند و از هیچ کس جز خدا بیم ندارند. و خدا برای حسابرسی کفایت می‌کند.

تبلیغ و بیان احکام و معارف دینی برای مردم و آشنا کردن آنان با پیام آسمانی از وظایف مهم انبیای الهی بوده است. آنان زندگی خود را در راه تبلیغ پیام الهی و آشنا کردن مردم با خداوند و احکام پاک او گذرانده‌اند، چرا که نجات و سعادت انسان‌ها در گرو انجام تکالیف و دوری از همه آفات و انحرافات می‌باشد. این مهم یعنی تبلیغ معارف دینی در قرآن کریم نیز به‌عنوان یکی از بهترین اعمال، شناخته شده است و مبلغان از مقام و جایگاه رفیعی برخوردار گشته‌اند.

۱- احزاب، ۳ (ص)

ص: ۱۴

از میان همه روش‌هایی که برای تبلیغ دین، امروزه در دسترس می‌باشد، روش مشافهه‌ای و مستقیم اولی یا (دارای اولویت است). به نظر می‌رسد، اگرچه رسانه‌ها و وسایل نرم افزاری جدید به شکل‌های مختلف می‌تواند مورد بهره‌برداری قرار گیرد ولی تذکر مستقیم و تبلیغ معارف دینی به صورت دوستانه و در یک محفل انس دینی تأثیرات ویژه‌ای داشته که همیشه مورد توجه بزرگان دین بوده است. استفاده صحیح از منابع و محافل دینی از تأثیر گذارترین ابزار تبلیغ دین است.

از آنجا که روحانیون و طلاب محترم در مواطن مختلف و زمان‌های گوناگون به این مهم می‌پردازند، آگاهی از اسباب تأثیر گذاری و یا علل عدم موفقیت به‌عنوان پیش نیاز هر طلبه و مبلغ لازم و ضروری است.

بسیاری از روحانیون به جهت وجود مشاغل خاص و گرفتاری در امور اجرایی و یا تحصیل و تدریس گوشه انزوا را برگزیده و از اهمیت تبلیغ دین و وظیفه اولیه خود غافل گشته‌اند.

در زمانی که افرادی هدفشان بی اعتقاد کردن جوانان، سست کردن پایه‌های اعتقادی مردم و وارونه جلوه دادن حقایق دین است، باید فرصت استثنایی جوانی و تبلیغ را غنیمت شمرد. حوزه‌های علمیه اگرچه تلاش‌های بی وقفه‌ای را در راستای تربیت جوانان مستعد و طلاب خوش فکر انجام داده‌اند لیکن در ایجاد فضای مطلوب برای تعلیم علم بیان و زمینه‌سازی برای پیاده شدن دانستی‌های فراوان در این باب باید قدم‌های

ص: ۱۵

بیشتری را برداشته و طلاب جوان را با شیوه‌های بهتر استفاده کردن از ابزار مهمی مثل منبر و تبلیغ رو در رو و همچنین در مرحله بعدی استفاده از قلم و نوشتن مقالات علمی- پژوهشی بیش از پیش آشنا سازند تا همگان در بیان احکام و معارف دین، ممتاز و در نوشتن مقالات علمی و ثبت معلومات و تراوشات پاک ذهنی موفق باشند.

لذا بر آن شدیم تا با در نظر گرفتن همه جوانب، سبک‌ها و روش‌های پیاده کردن یک منبر موفق را در قالب این نوشتار به طلاب عزیز منتقل نموده و از اجر و ثواب مبلغین بهره‌ای برده باشیم.

در زمینه سخن و شیوه بیان و وظایف مبلغان کتاب‌های متعددی نگاشته شده است و هر کدام نیز در نوع خود قابل استفاده می‌باشد و از آن جمله می‌توان کتاب «سخن و سخنوری»، نوشته خطیب توانا و دانشمند شهیر مرحوم حجة الاسلام و المسلمین آقای فلسفی و کتاب «تبلیغ بر پایه قرآن و حدیث» نوشته حجة الاسلام و المسلمین محمدی ری شهری را نام برد.

قبل از مطالعه کتاب، توجه به چند نکته ضروری است:

۱- در بخش اول، از آنجا که محور مباحث، همیشه قرآن و عترت است، در ابتدای هر قسمت و بحث، آیه‌ای از قرآن و در انتهای آن، احادیث معصومین (علیهم السلام) آورده شده است.

۲- شرح و توضیح آیات به طلاب عزیز واگذار گردیده است تا با مطالعه تفاسیر به معلومات و معارف بیشتری دست یابند.

ص: ۱۶

۳- در بخش دوم، هدف، بیان روش و شیوه بوده است و می‌تواند تا عزیزان طلبه در جلسات تمرین، ضمن پیاده کردن شیوه‌ها، به غنای آن بیفزایند.

۴- در بخش سوم کتاب، تذکراتی در رابطه با مرثیه و مصیبت‌خوانی ارائه گردیده که امید است مورد توجه طلاب و مداحان محترم قرار گیرد.

ادب اقتضا دارد از دوستان عزیز حجة الاسلام سالم و حجة الاسلام محمد قادری و برادر عزیز سید ناصر ماهانی که در جهت غنای بیشتر مباحث و تنظیم آن اینجانب را یاری رساندند، تشکر و قدردانی نمایم.

جعفر اسلامی فر

ص: ۱۷

بخش اول: بایسته‌های مبلغ دین

تذکر

ص: ۱۹

کسی که هدفی دارد و در راه آن کوشش می‌کند، برای رسیدن به هدف، باید ابزار مورد نیاز و راه‌های منتهی به هدف را بشناسد و تمامی آنچه در این راه ضروری است تهیه نماید، ظرفیت‌های موجود را به‌خوبی شناخته و بر مبنای آن برنامه‌ریزی کند و به قول بزرگان مقتضی را ایجاد و موانع را برطرف نماید.

بعضی، در راه تبلیغ، این عدم موفقیت خود را، به موانع خارج از خود نسبت می‌دهند ولی باید پرسید آیا حقیقتاً طلاب عزیز و مبلغین معارف دینی تمامی مقتضیات را درخود ایجاد نموده‌اند و آیا تمامی عیب‌های نهفته در نوع نگرش و نوع بیان و سخن و غیره را برطرف کرده‌اند؟ تا زمانی که ما و مبلغین معارف دینی نتوانسته‌ایم تمامی ظرفیت‌های خود را به کار ببندیم و جمیع موانع موجود در رفتار و روش‌های خود را اصلاح کنیم هرگونه نسبت عدم موفقیت به خارج از خود، نوعی فرار از مسئولیت است. پس بر طلاب و مبلغین عزیز است تا، بایدها و نبایدهای تبلیغی را

ص: ۲۰

دانسته و در راه اصلاح خود و یا رشد بیش از پیش برآیند و در روش‌ها و شیوه‌های خود تجدید نظر کنند. ما در این کتاب، بخش اول را به این موضوع اختصاص داده و بایدهای فردی و اجتماعی و موارد لازم و ضروری در حین سخنرانی را یادآور شده‌ایم.

ص: ۲۱

فصل اول: فردی

۱. اخلاص

اشاره

ص: ۲۳

فصل اول: فردی

(قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ

* وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ

(۱)

بگو: «من مأمورم که خدا را- در حالی که آیینم را برای او خالص گردانیده‌ام- بپرستم.* و مأمورم که نخستین مسلمانان باشم.» همه افراد جامعه نیاز به زاد و توشه برای آخرت دارند و روحانیون نیز از این امر مستثنی نیستند، اگر چه شکل ظاهری فعالیت‌های آنان در مسیر دین و الهی است، ولی روشن است که بدون نیت پاک و خالص، حتی نماز که بالاترین عبادت است ارزش خود را از دست می‌دهد. پس مبلغ دین باید بیش از دیگران در این راه کوشا بوده و نیت خود را برای ذات باری تعالی خالص گرداند. جاودانگی و حیات طیبه انسان و ماندگاری سخنان او در قلب‌ها و بهره‌مندی از آثار وضعی و دنیایی اعمال، همه و همه در گرو اخلاص و پاکی نیت است. باید دانست که مخلص شدن و از تیررس شیطان در امان گشتن و در مأمون و حصن الهی قرار گرفتن زمانی میسر است که آدمی

ص: ۲۴

خود و روح خود را مخلص کرده باشد. او باید در حد توان اخلاص را رعایت کند تا امداد الهی و عنایات خاص پروردگار نیز شامل او شده و جزو مخلصین و عبادالرحمان قرار گیرد. ریا و خودنمایی و شهرت طلبی از راه‌های نفوذ شیطان در مبلغین دین می‌باشد.

روایات

۱- پیامبر اکرم (ص) فرمود:

«الْعُلَمَاءُ كُلُّهُمْ هَلَكِي إِلَّا الْعَامِلُونَ كُلُّهُمْ هَلَكِي إِلَّا الْمُخْلِصُونَ وَالْمُخْلِصُونَ عَلَى خَطَرٍ» (۱)

علما نابود شونده‌اند، مگر این که به علم خود عمل کنند و عاملین به علم نابود شونده‌اند مگر آن که اخلاص در عمل داشته باشند و مخلصین در معرض خطر قرار دارند.

۲- پیامبر اکرم (ص) فرمود:

«اعْمَلْ لِرُوحِكَ وَاحِدٍ يَكْفِيكَ الْوُجُوهَ كُلَّهَا» (۲)

برای خداوند کارها را انجام بده، خداوند تو را از دیگران کفایت خواهد نمود.

۳- پیامبر اکرم (ص) فرمود:

«مَا أَخْلَصَ عَبْدٌ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا إِلَّا جَرَتْ يَتَابِعُ الْحِكْمَةَ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ» (۳)

۱- تنبيه الخواطر، ۳۵۸

۲- كنز العمال، ۵۲۶۰- به نقل از تفسیر المعین، ۴۵۷

۳- بحار الانوار، ۲۴۲ / ۷۰

ص: ۲۵

هیچ بنده‌ای چهل روز اخلاص را رعایت نکرد، مگر این که چشمه‌های حکمت از قلب او بر زبانش جاری شد.

۴- امام علی (ع) فرمود:

«فِي الْأَخْلَاصِ يَكُونُ الْخَلَاصُ» (۱)

رهایی در قیامت، در گرو اخلاص در عمل است.

۵- امام صادق (ع) فرمود:

«الْإِنْتِظَاءُ عَلَى الْعَمَلِ حَتَّى يَخْلُصَ أَشَدُّ مِنَ الْعَمَلِ» (۲)

حفظ عمل از ریا و بقای بر اخلاص، سخت‌تر از خود عمل است.

۱- تنبیه الخواطر، ۳ (ص) ۰

۲- بحار الانوار، ۲۳۰ / ۷۰

ص: ۲۶

۲. توکل

اشاره

(وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ
* اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

(۱)

و خدا را فرمان برید و پیامبر[او] را اطاعت نمایید، و اگر روی بگردانید، بر پیامبر ما فقط پیام‌رسانی آشکار است. خدا[ست که] جز او معبودی نیست، و مؤمنان باید تنها بر خدا اعتماد کنند.

(وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ

(۲)

و از جایی که حسابش را نمی‌کند، به او روزی می‌رساند، و هر کس بر خدا اعتماد کند او برای وی بس است. خدا فرمانش را به انجام‌رساننده است. به راستی خدا برای هر چیزی اندازه‌ای مقرر کرده است. همگان برای انجام امور سخت به دنبال تکیه‌گاهی می‌گردند تا در زمان مواجهه با مشکل از او استمداد طلبیده و با کمک او مشکل را حل نمایند. هر چه کار سخت‌تر باشد، نیاز به تکیه‌گاهی قوی‌تر و مطمئن‌تر بیشتر احساس می‌شود.

۱- تغابن، ۱۲-۱۳

۲- طلاق، ۳

ص: ۲۷

تبلیغ دین، یاری دین خداست و خداوند به کسی که دین او را یاری کند وعده یاری داده است. پس اگر هدف مبلغ، یاری دین خدا و رساندن پیام الهی به مردم است باید مطمئن باشد پروردگار او را یاری می‌کند، زیرا او خلف وعده نمی‌کند، این ما هستیم که باید در نیت خود اصلاحاتی را ایجاد کنیم و تکیه گاهی جز او را برای خود انتخاب نکنیم. تکیه گاه مبلغ باید خدا باشد و بس. فکر، هوش و ذکاوت، جوانی، قدرت بیان و داشتن مطالب ناب و جالب توجه، هیچکدام نمی‌تواند قابل اعتماد باشد، چرا که توجه به این‌ها آفات فراوانی به بار می‌آورد که هر کدام در سقوط آدمی کافی است. کبر یا حسادت نسبت به دیگران و غفلت از ذات احدیت، هر کدام گناهی شکننده است و در مقابل، توجه به خداوند و توکل بر او، اعتماد به نفس و آرامش روحی را برای مبلغ به ارمغان می‌آورد.

روایات

۱- «سَأَلَ النَّبِيُّ

(ص)

عَنْ جِبْرِئِيلَ مَا التَّوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؟ فَقَالَ الْعِلْمُ بِأَنَّ الْمَخْلُوقَ لَا يَضُرُّ وَلَا يَنْفَعُ وَلَا يُعْطَى وَلَا يَمْنَعُ وَاسْتِعْمَالُ الْيَأْسِ مِنَ الْخَلْقِ»
(۱)

پیامبر اکرم (ص) از جبرئیل پرسید: توکل چیست؟ گفت: علم به این که مخلوق ضرر و نفعی نمی‌رساند و بخشش و منع از جانب آنها نیست و حقیقتاً از خلق مأیوس و دل بریده باشد.

ص: ۲۸

۲- امام علی (ع) فرمود:

«أَصْلُ قُوَّةِ الْقَلْبِ، التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ» (۱)

ریشه قوت قلب، توکل بر خداست.

۳- امام علی (ع) فرمود:

«كَيْفَ يَتَخَلَّصُ مِنْ عَنَاءِ الْحِرْصِ مَنْ لَمْ يَصْدُقْ تَوَكُّلَهُ» (۲)

چگونه از رنج و اسارت حرص خلاص می‌شود کسی که صادقانه توکل بر خدا نکرده است؟

۴- و باز امام علی (ع) فرمود:

«مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ اضَاءَتْ لَهُ الشُّبُهَاتِ.»

کسی که توکل بر خدا کند، شبهات برای او روشن خواهد شد.

۵- امام صادق (ع) فرمود:

«إِنَّ الْغِنَى وَالْعِزَّ يَجُولَانِ فَإِذَا ظَفِرَا بِمَوْضِعِ التَّوَكُّلِ أُوطِنَا.» (۳)

بی‌نیازی و عزت در تکاپو هستند، وقتی موضع توکل را یافتند همان‌جا آرام می‌گیرند و می‌مانند.

۱- غررالحکم، ۱/ ۱۸۸

۲- همان، ۲/ ۵۵۵

۳- اصول کافی، ۲/ ۶۵

ص: ۲۹

۳. ایمان راسخ به رازقیت پروردگار (مناعت طبع)**اشاره**

(قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ) (۱)

و تو امیدوار نبودی که بر تو کتاب القا شود، بلکه این رحمتی از پروردگار تو بود. پس تو هرگز پشتیبان کافران مباش.

(وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ) (۲)

و بر این [رسالت] اجری از شما طلب نمی‌کنم. اجر من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست.

خداوند بندگانش را آفرید و رزق آنان را ضمانت نمود. هر مخلوقی نزد پروردگار رزقی دارد که قطعاً به آن خواهد رسید (چه کم و چه زیاد). اگر چه خداوند مسیر طبیعی و اسباب و علل مادی را وسیله ارتزاق قرار داده، ولی بر مبلغ دینی که هدفش عالی و ابزاریش قرآن و دین است وظیفه است که این امور را ابزاری برای رسیدن به دنیا و یا

۱- ص، ۸۶

۲- شعراء، ۱۰ (ص)

ص: ۳۰

دنایای بیشتر قرار ندهد.

البته امکان دارد که خداوند رزق او را در همین مسیر یعنی بیان معارف دینی قرار داده باشد ولی باز اعتماد به رازقیت او و توکل بر خالق هستی بیش از پیش برای او لازم است تا از هر گونه چشم داشتی به مال مردم و یا نظر به دست دیگران و گاهی کوچک شدن و اظهار ذلت در برابر دیگران برای رسیدن به مقداری از مال دنیا پرهیز داشته باشد. مبلغ دین با خدا معامله می‌کند و اجیر اوست و نباید اجر عظیم خود را با ثمن بخش دنیایی عوض کند.

مبلغ باید وظیفه‌اش را انجام دهد، رزق او و فرزندانش برعهده خداوند است و خداوند با حفظ عزت وی، رزق او را از جایی که گمان نمی‌برد تأمین خواهد کرد، اما مع الأسف مشاهده می‌شود عزیزانی از روحانیون، خود را تحقیر کرده و برای مقدار کمی از مال دنیا، عزت به دست آمده از سلف صالح را فدا می‌کنند. باید این جمله را باور داشت که:

(وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا* وَيَزُوقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ) (۱)

و هر کس از خدا پروا کند، [خدا] برای او راه بیرون‌شدنی قرار می‌دهد. و از جایی که حسابش را نمی‌کند، به او روزی می‌رساند،

ص: ۳۱

روایات

۱- امام علی (ع) فرمود:

«مَنْ عَمِلَ لِدِينِهِ كَفَأَهُ اللَّهُ دُنْيَاهُ» (۱)

کسی که برای دین عمل کند خدا دنیای او را کفایت می‌کند.

۲- امام باقر (ع) فرمود:

«لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ

(ص)

... وَرَجُلًا اِخْتِاجَ النَّاسِ اِلَيْهِ لِفِقْهِهِ فَسَأَلَهُمُ الرِّشْوَةَ» (۲)

پیامبر خدا چند گروه را لعنت کردند که از آن جمله مردی است که مردم به علم و فقاهاست او نیاز دارند و او از مردم طلب رشوه (پول) کند.

۱- نهج البلاغه، حکمت ۴۲۳

۲- بحار الانوار، ۱۰۳/۵۵، مکاسب شیخ انصاری، ۸ (ص)

ص: ۳۲

۴. توسل به اهل بیت (علیهم السلام) به ویژه به امام زمان (عج)

اشاره

(فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعٍ مُّزْجَاهٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصِدِّقِينَ)

(۱)

پس چون [چون] برادران [بر او وارد شدند، گفتند: «ای عزیز، به ما و خانواده ما آسیب رسیده است و سرمایه‌ای ناچیز آورده‌ایم. بنابراین پیمانہ ما را تمام بده و بر ما تصدق کن که خدا صدقه‌دهندگان را پاداش می‌دهد.»

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) (۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید؛ و به او [توسل و] تقرب جوید؛ و در راهش جهاد کنید، باشد که رستگار شوید.

۱- یوسف، ۷۶

۲- مائده، ۳۵

ص: ۳۳

مبلّغ دین قبل از این که مبلّغ و رساننده پیام باشد، باید مدافع خوبی از حریم اهل بیت (علیهم السلام) باشد زیرا او می‌خواهد مظلومیت امامان معصوم را به مردم برساند و حقانیت ایشان را ثابت کند.

او در واقع یکی از شاگردان این مکتب است؛ پس باید از اهل بیت (علیهم السلام) طلب یاری کند و از ایشان بخواهد تا در دعاهای خود او را یاد کنند و برای موفقیت او در مسیر ارشاد و هدایت دیگران دعا نمایند، مخصوصاً از حضرت حجه بن الحسن العسکری (ع) که او واسطه فیض از جانب خداست.

آنها امانت داران امینی هستند که اگر کسی قبل از تبلیغ و یا قبل از شروع بحث، خود را و فکر و نفس خود را به آنها بسپارد و از آنها بخواهد تا در هر زمان از منبر و سخن گفتن آنچه را خیر او و مردم است به ذهن و فکر او حواله کنند تا بر زبانش جاری شود قطعاً امامان معصوم (علیهم السلام) این حاجت اخروی و دینی او را برآورده خواهند کرد.

آنان برای هدایت انسان‌ها آمده‌اند و وظیفه خود را هدایت به صراط مستقیم می‌دانند و اگر کسی از آنها طلب هدایت کند قطعاً زودتر از هر حاجت دیگر به او لیبیک خواهند گفت؛ لذا توسل به اهل بیت (علیهم السلام) همیشه باید مد نظر مبلّغ دین باشد. توسل به اهل بیت (علیهم السلام) عامل مؤثری در موفقیت مبلّغ است.

ص: ۳۴

روایات

در صلوات مرویه از امام سجاد (ع) در ماه شعبان آمده است:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْكَهْفِ الْحَصِينِ وَغِيَاثِ الْمُضْطَرِّينَ وَمَلْجَأِ الْهَارِبِينَ وَمُنْجِي الْخَائِفِينَ وَعِصْمَةِ الْمُعْتَصِمِينَ...»

و در زیارت جامعه کبیره، امام هادی (ع) فرموده:

«يَا مَوْلَىٰ إِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ فَبِحَقِّ مَنْ ائْتَمَنَكُمْ عَلَىٰ سِرِّهِ وَاسْتَرْعَاكُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ وَقَرْنَ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ...»

و در جای دیگر می‌فرماید:

«بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَبِكُمْ يَخْتِمُ»

ص: ۳۵

۵. علم برای عمل و تزکیه نفس

اشاره

(یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ * كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ) (۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی می‌گویید که انجام نمی‌دهید؟ نزد خدا سخت ناپسند است که چیزی را بگویید و انجام ندهید.

(وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلُ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرُكُهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ) (۲)

و اگر می‌خواستیم، قدر او را به وسیله آن [آیات] بالا می‌بردیم، اما او به زمین [دنیا] گرایید و از هوای نفس خود پیروی کرد. از این رو داستانش چون داستان سگ است [که] اگر بر آن حمله‌ور شوی زبان از کام برآورد، و اگر آن را رها کنی [باز هم] زبان از کام برآورد. این، مثل آن گروهی است که آیات ما را تکذیب کردند. پس این داستان را [برای آنان] حکایت کن، شاید که آنان بیندیشند.

۱- صف، ۲-۳

۲- اعراف، ۱۷۶

ص: ۳۶

علم هیچگاه پایان نمی‌پذیرد و تعطیل نمی‌شود- دانسته‌های ما محدود و دایره علم بسیار وسیع است لذا یک مبلّغ کامل و موفق کسی است که پیوسته در افزودن علم خود کوشش کند و فریفته معلومات خود نشود و به آن اکتفا نکند. هم در کسب علوم جدید کوشا باشد و هم در ایجاد روش‌ها و سبک‌های جدید فکر کند. مبلّغ خوب در واقع یک معلم است که در جایگاهی مقدس قرار گرفته است؛ پس در طلب علم بیشتر بکوشد و سعی نماید مطابق معلومات و گفته‌ها عمل کند. درک صحیح مطالب و نورانیت علم در گرو عمل کردن به آن است تا امداد الهی نصیب انسان شود و خداوند درهای جدیدی از معرفت و علم را بر روی وی بگشاید.

نکته: تلاش برای یادگیری و مطالعه بیشتر احادیث اهل بیت (علیهم السلام) باید در جهت خودسازی و تزکیه نفس باشد، نه این که فقط برای تذکرات دینی، تا دیگران به سعادت برسند ولی شخص خطیب و منبری به خاطر دور بودن از عمل و نادیده گرفتن آن همچنان اسیر دنیا و هوس‌ها باشد. منبری و واعظ موفق آن کسی است که مردم را با خود به سوی خدا ببرد نه این که فقط مردم را به سوی خدا بفرستد.

مطالبی را انتخاب کند که یا عمل کرده و یا در صدد عمل کردن باشد تا تأثیر گذاری آن بیشتر باشد. خداوند در قرآن کریم درباره علمای یهود و نصارا تصریح می‌فرماید که به خاطر گناهان و هواپرستی، بهره عظیمی از آیات الهی را فراموش کرده و از دست دادند. (فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا دُكِّرُوا بِهِ) (۱)

ص: ۳۷

روایات

۱- امام علی (ع) می‌فرماید:

اعْقِلُوا الْخَبْرَ إِذَا سَمِعْتُمُوهُ عَقْلَ رِعَايَةٍ لَا عَقْلَ رِوَايَةٍ فَإِنَّ رِوَاةَ الْعِلْمِ كَثِيرٌ وَرِعَايَتُهُ قَلِيلٌ. (۱)

وقتی خبری را می‌شنوید آن را برای عمل حفظ کرده و بر روی آن تعقل کنید نه برای نقل به دیگران، به درستی که راویان علم بسیارند و عمل کنندگان به آن کم.

۲- امام علی (ع) می‌فرماید:

أَنْمَا زُهِدَ النَّاسِ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ كَثْرَةُ مَا يَرَوْنَ مِنْ قَلَّةٍ مَنْ عَمِلَ بِمَا عَلِمَ (۲)

این که مردم علاقه‌ای به طلب علم (معارف دینی) ندارند به خاطر این است که بسیار می‌بینند، عالمان کمتر به علمشان عمل می‌کنند.

۳- امام صادق (ع) می‌فرماید:

إِنَّ الْحَسْرَةَ وَالنَّدَامَةَ وَالْوَيْلَ كُلَّهُ لِمَنْ لَمْ يَنْتَفِعْ بِمَا أَبْصَرَهُ وَ لَمْ يَدْرِ مَا الْأَمْرُ الَّذِي هُوَ عَلَيْهِ مُقِيمٌ أَوْ نَفَعَهُ لَهُ أَمْ ضَرَّهُ. (۳)

حسرت و ندامت و ویل بر کسی است که از آنچه می‌داند نفع نبرد (و عمل نکند) و کسی که نداند، آنچه را دارد، به نفع اوست یا به ضرر او؟

۴- امام صادق (ع) فرمود:

إِنَّ الْعَالِمَ إِذَا لَمْ يَعْمَلْ بِعِلْمِهِ زَلَّتْ مَوْعِظَتُهُ عَنِ الْقُلُوبِ كَمَا

۱- نهج البلاغه، حکمت (ص) ۴

۲- غررالحکم، ۱/ ۳۰۰

۳- بحار الانوار، ۶ (ص) / ۲۱۸

ص: ۳۸

يَزِلُّ الْمَطَرُ عَنِ الصَّفَا. (۱)

چون عالم به علمش عمل نکند اندرز و موعظه‌اش از دل‌های شنوندگان بلغزد چنان‌که باران از سنگ صاف بلغزد.

۵- امام علی (ع) فرمود:

إِنَّ أَوْضَعَ الْعِلْمِ مَا وَقَفَ عَلَى اللِّسَانِ وَأَرْفَعَهُ مَا ظَهَرَ فِي الْجَوَارِحِ وَالْأَرْكَانِ. (۲)

بی‌ارزش‌ترین علم و دانش دانشی است که بر سر زبان است و برترین علم علمی است که در اعضا و جوارح آشکار است.

۶- امام صادق (ع) فرمود:

الْعِلْمُ مَقْرُونٌ إِلَى الْعَمَلِ فَمَنْ عِلِمَ عَمِلَ وَمَنْ عَمِلَ عِلِمَ وَالْعِلْمُ يَهْتَفُ بِالْعَمَلِ فَإِنْ أَجَابَهُ وَإِلَّا ارْتَحَلَ عَنْهُ. (۳)

علم همدوش عمل است، هر که بداند باید عمل کند و هر که عمل کند باید بداند، علم عمل را صدا زند اگر پاسخش گوید بماند و الا کوچ کند.

۷- امام باقر (ع): در تفسیر آیه (فَكَبِّبُوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ) (۴)؛ «گمراه شدگان و گمراه کنندگان در دوزخ سرنگون گردند»

فرمود:

قَالَ هُمْ قَوْمٌ وَصَفُوا عَدْلًا بِالْإِسْنَتِهِمْ ثُمَّ خَالَفُوهُ إِلَى غَيْرِهِ. (۵)

اینان کسانی هستند که عدالت را بستایند ولی در عمل به ستم گرایند.

۱- اصول کافی، ۱/ ۵۶

۲- نهج البلاغه، حکمت (ص) ۲

۳- اصول کافی، ۱/ ۵۵، مجموعه الاخبار، ۲/ ۱۳

۴- شعرا، (ص) ۴

۵- اصول کافی، ۱/ ۶۰

۶. تواضع و فروتنی در برابر مردم

وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ * وَاخْفِضْ جَنَاحَيْكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ * فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنَّي بِرِيءٍ مِمَّا تَعْمَلُونَ * وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ (۱)

و خویشانِ نزدیکت را هشدار ده. و برای آن مؤمنانی که تو را پیروی کرده‌اند، بال خود را فرو گستر. و اگر تو را نافرمانی کردند، بگو: «من از آنچه می‌کنید بیزارم. و بر [خدای] عزیزِ مهربان توکل کن.

گسترش دین در طول زمان علاوه بر علما و دانشمندان دینی، مدیون مؤمنینی است که خالصانه دین را پذیرفتند و در برابر آن تسلیم بودند. انسان‌های پاک و بی‌پیرایه که به عشق الهی و اسلام و مخصوصاً اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام)، برای کسب ثواب‌ها در مجالس و محافل وعظ شرکت کردند، این مجالس را برپا نمودند و خدمتگزاری کردند، تا یک عالم دینی بتواند در آن به وعظ و خطابه پردازد که اگر این پاکان از مؤمنین و عشق آنان به آل پیامبر نبود قطعاً برای واعظ دین و یک مبلغ مکانی برای تبلیغ فراهم نمی‌شد.

ص: ۴۰

در مناطق دور افتاده، کشاورز زحمت کش، روستایی با اخلاص و عاشق، منزلش را در خدمت روحانی گذاشته، فرزندانش را خدمتگزار او قرار می‌دهد تا از پرتو این عمل، برای خود زاد و توشه‌ای بردارد، روحانی و مبلغ دین مدیون آنان است و در برابر ایشان باید تواضع و فروتنی را پیشه کند.

کبر در برابر مردم و خود را برتر دیدن نه تنها تبلیغ نیست بلکه آنان را از دین دور می‌کند. اگر تکبر و غرور آفت است، برای مبلغ بیشتر مضر است و اگر تواضع ارزش است برای مبلغ دینی سزاوارتر است. مبلغین عزیز، حال را نبینند و به علم و دانش خود غره نشوند که اصل، عمل و عاقبت به خیری است و کسی از آن خبر ندارد. چه بسا کسانی که پای منبر ما می‌نشینند، در نزد پروردگار معتبرترند و روز قیامت، بر آنها و مقام آنها غبطه خواهیم خورد.

پیش قدم شدن در سلام کردن و عدم توقع احترام از جانب آنان و بلکه احترام گذاشتن به آنها از دستورات دین و وظایف یک مبلغ دین است.

۷. دوری از شهرت طلبی

اشاره

(اعْلَمُوا أَنَّهَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيحُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُرُورِ) (۱)

بدانید که زندگی دنیا، در حقیقت، بازی و سرگرمی و آرایش و فخرفروشی شما به یکدیگر و فزون‌جویی در اموال و فرزندان است. [مثل آنها] چون مثل بارانی است که کشاورزان را رُستنی آن [باران] [به شگفتی اندازد، سپس] آن کشت [خشک شود و آن را زرد بینی، آنگاه خاشاک شود. و در آخرت] دنیا پرستان را [عذابی سخت است و] مؤمنان را [از جانب خدا آمرزش و خشنودی است، و زندگانی دنیا جز کالای فریبنده نیست.

همگان می‌دانند که دنیا و آنچه در اوست فی نفسه مذموم نیست. اگر دنیا به عنوان وسیله و ابزاری برای آخرت باشد بهترین است. اساساً رسیدن به نعمت‌های آخرت و مقام قرب پروردگار بدون گذر از دنیا امکان‌پذیر نیست. آنچه که مذموم است طلب دنیا

ص: ۴۲

و ترجیح آن بر آخرت است.

کسی که وظیفه تبلیغی را به عهده گرفته است در معرض دید مردم قرار دارد و برای رساندن پیام حق به مردم باید در بین مردم باشد و چه بسا پس از مدتی نام او و چهره او برای مردم آشنا باشد، این نوع از شهرت در بین مردم تا حدی طبیعی است و نمی‌توان از آن فرار کرد مگر اینکه عزلت پیشه کند و جدای از مردم زندگی کند و اهل عبادت باشد که آنگاه جز یک عابد کوچک چیز دیگری نیست. عالم از عابد بهتر است؛ چرا که عابد خودش را نجات می‌دهد و عالم خود و مردم را، و چنین چیزی بین مردم بودن را می‌طلبد، شهرت می‌آورد تا مردم او را به پاکی بشناسند و سخنانش را به‌جان بپذیرند.

پس آنچه مذموم است طلب شهرت است. یک مبلغ باید در خودسازی و تقوی چنان باشد که حقیقتاً شهرت و عدم شهرت برایش فرقی نکند، نامش را به بزرگی ببرند و یا این که از کنار او بی‌توجه بگذرند، هیچکدام در نزد او مهم تلقی نشود. او باید به دنبال انجام وظیفه یعنی تبلیغ دین خدا باشد و بس و محبت دنیا را که رأس همه خطاهاست از دل بیرون کرده باشد.

روایات

۱- امام صادق (ع) می‌فرماید:

إِذَا رَأَيْتُمُ الْعَالِمَ مُجَبًّا لِدُنْيَاهُ فَاتَّهَمُوهُ عَلَى دِينِكُمْ فَإِنَّ كُلَّ مُجَبِّ لِشَيْءٍ يَحُوطُ مَا أَحَبَّ وَقَالَ

(ص)

أَوْحَى اللَّهُ إِلَى دَاوُدَ

(ع)

لَا تَجْعَلْ بَيْنِي وَبَيْنَكَ عَالِمًا مَفْتُونًا بِالدُّنْيَا فَيُضِدَّكَ

ص: ۴۳

عَنْ طَرِيقِ مَحَبَّتِي فَإِنَّ أَوْلَيْكَ قُطَّاعَ طَرِيقِ عِبَادِي الْمُتَرِيدِينَ إِنَّ أَدْنَى مَا أَنَا صَانِعٌ بِهِمْ أَنْ أَنْزِعَ حَلَاوَةَ مُنَاجَاتِي عَنْ قُلُوبِهِمْ. (۱)

چون عالم را دنیا دوست دیدید او را نسبت به دینتان متهم دانید زیرا دوست هر چیزی گرد محبوبش می‌گردد و خدا به داوود (ع) وحی فرمود که: میان من و خودت عالم فریفته دنیا را واسطه قرار مده که تو را از راه دوستیم خارج کند، زیرا که ایشان راهزنان بندگان جویای منند همانا کمتر کاری که با ایشان کنم این است که شیرینی مناجاتم را از دلشان برکنم.

۲- امام باقر (ع) فرمود:

مَنْ طَلَبَ الْعِلْمَ لِيَبَاهِيَ بِهِ الْعُلَمَاءَ أَوْ يُمَارِيَ بِهِ السُّفَهَاءَ أَوْ يَصْرِفَ بِهِ وُجُوهَ النَّاسِ إِلَيْهِ فَلْيَتَّبِعْهُ مَقْعِدَهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ الرَّئِيسَةَ لَا تَصِلُحُ إِلَّا لِأَهْلِهَا. (۲)

هر که علم جوید برای این که بر علما ببالد یا بر سفها ستیزد یا مردم را متوجه خود کند باید آتش دوزخ را جایگاه خود گیرد همانا ریاست جز برای اهلش شایسته نیست.

۳- پیامبر اکرم (ص) فرمود:

إِنَّ الصِّفَاةَ الزَّلَالَ الذِّي لَا تَثْبُتُ عَلَيْهِ أَقْدَامُ الْعُلَمَاءِ الطَّمَعُ. (۳)

آن مسیر صاف و لغزنده که قدم‌های علما هم بر آن ثابت نمی‌ماند طمع ورزی است.

۱- اصول کافی، ۴۶/۱

۲- همان، ۵/۱ (ص)

۳- میزان الحکمه، ۵۱۷/۶

۸. پرهیز از گفتار به غیر علم و شجاعت در گفتن «نمی‌دانم»

اشاره

(... أَلَمْ يُوْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ وَالدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ) (۱)

آیا از آنان پیمان کتاب [گرفته نشده که جز به حق نسبت به خدا سخن نگویند، با اینکه آنچه را که در آن کتاب است آموخته‌اند؟ و سرای آخرت برای کسانی که پروا پیشه می‌کنند بهتر است. آیا باز تعقل نمی‌کنید؟

علم دین بسیار گسترده و عمیق است. شاخه‌ها و رشته‌های گوناگونی در علوم دینی نهفته است و هر کدام اقیانوس بیکران است که قطعاً انسان با عمر کوتاه خود در همه این زمینه‌ها نمی‌تواند تخصص یافته و صاحب نظر شود.

یک انسان نمی‌تواند در تمام رشته‌ها از اصول و فقه و کلام و فلسفه و رجال و حدیث و علوم قرآنی و معانی و بیان و غیره تخصص

ص: ۴۵

ی

ابد؛ پس گفتن کلمه "نمی‌دانم" در جواب سؤالاتی که برای مبلغ مجهول است نباید سخت باشد و نباید آنرا دال بر عدم علم و آگاهی و موجب شکست شخصیتی خود تلقی نماید، مضافاً بر اینکه سخن گفتن درباره چیزی که اطلاعی از آن نداریم گناهی بزرگ است و این مسأله نه تنها در مسائل دینی مضر است که در علوم دیگر نیز سپردن مسئولیت به کسانی که تخصصی در آن ندارند، ظلم به مردم می‌شود. ای کاش به حدی از تقوی برسیم که به آسانی بتوانیم از کلمه "نمی‌دانم" استفاده کنیم.

روایات

- ۱- عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ (ع) مَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ قَالَ أَنْ يَقُولُوا مَا يَعْلَمُونَ وَيَقْفُوا عِنْدَ مَا لَا يَعْلَمُونَ. (۱)
- زراره گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم: حجت خدا بر بندگان چیست؟ فرمود: اینکه هر آنچه را می‌دانند بگویند و آنچه را نمی‌دانند سکوت کرده و وارد آن نشوند.
- ۲- امام علی (ع) فرمود:
- مَنْ تَرَكَ قَوْلَ لَا أَدْرِي أُصِيبَتْ مَقَاتِلُهُ (۲)
- کسی که از گفتن نمی‌دانم روی گردان است به هلاکت و نابودی می‌رسد.

۱- مجموعه الاخبار، ۱۵ / ۲

۲- نهج البلاغه، حکمت ۸۵

ص: ۴۶

۳- سَأَلْتُهُ عَنْ مَجْدُورٍ أَصَابَتْهُ جَنَابَةٌ فَعَسَلُوهُ فَمَاتَ قَالَ قَتَلُوهُ أَلَّا سَأَلُوا فَإِنَّ دَوَاءَ الْعِيِّ السُّؤَالُ. (۱)

از امام صادق (ع) پرسیدم که مردی آبله‌دار جنب شد، او را غسل دادند و مُرد. فرمود: او را کشتند، چرا نپرسیدند همانا دواى نادانى پرسش است.

۴- امام صادق (ع) فرمود:

إِنَّ هَذَا الْعِلْمَ عَلَيْهِ قُفْلٌ وَ مِفْتَاحُهُ الْمَسْأَلَةُ. (۲)

بر در این علم قفلى است که کلید آن پرسش است.

۵- در حدیثی امام صادق (ع) فرمود: «الله اعلم» برای علما شایسته است ولی غیر علما باید با صراحت بگویند «نمی‌دانم» زیرا با گفتن

«الله اعلم» سؤال کننده را در شک و تردید می‌اندازند. (ولی وقتی بگویند نمی‌دانم مورد این تهمت‌ها قرار نمی‌گیرد.) (۳)

۱- مجموعه الاخبار، ۱۲/۲

۲- اصول کافی، ۴/۱ (ص)

۳- همان، ۵۳/۱

ص: ۴۷

فصل دوم: اجتماعی

۱. بهره‌گیری از اساتید بزرگ

اشاره

ص: ۴۹

(.... يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ) (۱)

و کسانی را که دانشمندند] بر حسب [درجات بلند گرداند، و خدا به آنچه می کنید آگاه است.

(قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَني مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا) (۲)

موسی به او گفت: «آیا تو را- به شرط اینکه از بینشی که آموخته شده‌ای به من یاد دهی- پیروی کنم؟»

(... نَزَّوَعُ دَرَجَاتٍ مَنْ نَشَاءُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ) (۳)

درجات کسانی را که بخواهیم بالا می‌بریم و فوق هر صاحب دانشی دانشوری است.

(قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّىٰ تَشْهَدُونِ) (۴)

۱- مجادله، ۱۱

۲- کهف، ۶۶

۳- یوسف، ۷۶

۴- نمل، ۳۲

ص: ۵۰

گفت: «ای سران [کشور] در کارم به من نظر دهید که بی حضور شما [تا به حال] کاری را فیصله نداده‌ام.»
اعتماد به نفس یکی از امتیازات بشری است ولی باید مراقب بود که اعتماد به نفس به خود اتکایی و دوری از عالمان و فرهیختگان منجر نشود. انسان‌های بزرگ همیشه در کنار علمای بزرگ پرورش یافته‌اند، لذا بر یک مبلغ دین لازم است علاوه بر مطالعات فراوان و تحقیقات گسترده، از خرمن پر فیض علمای دین نیز بهره مند شود؛ چرا که هیچ محفل انس و یا مجلس وعظی نیست مگر اینکه مطلبی بر معلومات انسان افزوده می‌شود و یا تجربه‌ای کسب می‌گردد. مبلغ هیچگاه از حضور در نزد علما و کسب فیض از محضر آنها بی‌نیاز نیست و هر چه از علوم داشته باشد باز (فَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ) (۱)؛ «و برتر از هر صاحب علمی، عالمی است».

فواید انس با علما

انس با علمای دین دارای فواید بسیاری است، از جمله:

الف: انتقال معلومات گوناگون به انسان، از طریق مراودات علمی با استادان.

ب: انتقال تجربیات ارزنده.

ج: گشوده شدن درهای حکمت و معرفت بر روی طالب علم دین. چه بسا مواردی که با یک سخن عالمی بزرگ و استادی گرانقدر

ص: ۵۱

دریچه‌ای از اقیانوس حکمت و علم و معرفت بر روی آدمی باز می‌شود که قبل از آن هرگز در فکر او خطور نکرده است. د: شناخت حق از باطل و معرفت نسبت به عالمان دروغین و عالم نماها که به جای هدایت کننده، گمراه کننده‌اند. مرحوم علامه طبرسی در تفسیر خود در شرح آیه شریفه (وَ الشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ) (۱)؛ و شاعران را گمراهان پیروی می‌کنند. می‌فرماید: اینان کسانی هستند که علم و آگاهی خود را از منبع علم حقیقی و محکم نگرفته‌اند پس هم گمراهند و هم گمراه کننده «هُم قَوْمٌ تَعَلَّمُوا وَ تَفَهَّمُوا بَغَيْرِ عِلْمٍ فَضَلُّوا فَاضَلُّوا» (۲)

مشورت با دیگران (عرضه مطالب بر اساتید)

کارهای بزرگ معمولاً با همفکری و یاری افراد مستعد و گروهی انجام می‌شود. تحقیقات ماندگار و کامل از بهره‌مندی افکار مختلف منشأ دارد. یک انسان هر قدر هم متفکر باشد چه بسا اموری از ذهن او دور و از مطالب مهمی غافل شود، لذا برای تشخیص جوانب مختلف هر مسأله، مناسب است با عالمان و صاحب‌نظران آن فن مشورت شود. پیشنهاد می‌شود مطالبی را که مبلغین مورد مطالعه و تحقیق قرار دادند به دیگران عرضه کنند تا از نظرات آنان نیز استفاده گردد. مثلاً اگر قرار است مسأله‌ای شرعی مطرح شود و یا مبحث اخلاقی و اعتقادی مورد بررسی

۱- شعرا، ۲۲۴

۲- مجمع البیان، ۲۰۸/۷

ص: ۵۲

قرار گیرد، استفاده از عقل‌های مختلف با سلیقه‌های گوناگون در بیان مسأله و کیفیت ورود به بحث و همچنین استفاده از منابع و یا موضوعات دیگر جهت توضیح بهتر بحث، می‌تواند در غنای بیشتر آن کمک کرده و به عمق آن بیافزاید.

روایات

۱- پیامبر اکرم (ص) فرمود:

الْحَزْمُ أَنْ تَسْتَشِيرَ ذَا الرَّأْيِ وَ تُطِيعَ أَمْرَهُ (۱)

دوراندیشی و استحکام در کار این است که با صاحب رأی مشورت کرده و سخن او را بپذیری.

۲- امام علی (ع) فرمود:

شَاوِرْ قَبْلَ أَنْ تَعَزِمَ وَ فَكِّرْ قَبْلَ أَنْ تَتَقَدَّمَ. (۲)

قبل از هر تصمیم مشورت کن و قبل از هر اقدام فکر کن.

۳- امام علی (ع) فرمود:

مَنْ اسْتَقْبَلَ وُجُوهَ الْأَرْءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَا. (۳)

آن کس که از افکار و آرای گوناگون استقبال کند، صحیح را از خطا به خوبی می‌شناسد.

۴- پیامبر اکرم (ص) فرمود:

الْعُلَمَاءُ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ يُجِبُّهُمْ أَهْلُ السَّمَاءِ وَيَسْتَغْفِرُ لَهُمْ

۱- بحار الانوار ۷۵ / آیه ۱۰۵

۲- غرر الحکم ۱ / ۴۴۸

۳- نهج البلاغه، حکمت ۱۷۳

ص: ۵۳

الْحَيَاتَانِ فِي الْبَحْرِ إِذَا مَاتُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. (۱)

علما ورثه انبیا هستند، اهل آسمان ایشان را دوست دارند، بعد از مرگ ایشان ماهیان دریا تا قیامت برایشان استغفار می‌کنند.

۵- امام صادق (ع) در ضمن حدیثی فرمودند: علما ورثه انبیا هستند و علوم و احادیث آنها را به ارث می‌برند. بعد حضرت فرمودند:

فَمَنْ أَخَذَ شَيْئًا مِنْهَا فَقَدْ أَخَذَ حَظًّا وَافِرًا فَانظُرُوا عِلْمَكُمْ هَذَا عَمَّنْ تَأْخُذُونَهُ (۲)

هر کس چیزی از احادیث انبیا را دارد حظّ وافری برده است پس بنگرید که علم خود را از چه کسی می‌گیرید.

۶- امام باقر (ع) فرمود:

عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ أَلْفَ عَابِدٍ (۳)

عالمی که خود و دیگران از علم او بهره ببرند بهتر است از هفتاد هزار عابد.

۷- امام علی (ع) فرمود:

رَأَى الشَّيْخَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ جَلْدِ الْغُلَامِ (۴)

اندیشه پیر در نزد من از تلاش جوان خوشایند تر است.

۸- در حدیث قدسی خداوند بعد از بیان صفات اهل دنیا فرمود:

۱- کنز العمال، ۲۸۶۷ (ص)

۲- بحار الانوار، ۲/۲ (ص)

۳- همان، ۲/۱۰۷

۴- نهج البلاغه، حکمت ۸۶

ص: ۵۴

يَا أَحْمَدُ إِنَّ عَيْبَ أَهْلِ الدُّنْيَا كَثِيرٌ فِيهِمُ الْجَهْلُ وَالْحُمْقُ لَا يَتَوَاضَعُونَ لِمَنْ يَتَعَلَّمُونَ مِنْهُ وَهُمْ عِنْدَ أَنْفُسِهِمْ عُقَلَاءُ وَعِنْدَ الْعَارِفِينَ حَمَقَاءُ.

(۱)

ای احمد عیب اهل دنیا زیاد است. نادانی و احمقی دارند. در نزد معلم خود فروتنی نکنند و در پیش خود دانشمند و عاقل اند ولی نزد عارفین احمقند.

ص: ۵۵

۲. برنامه‌ریزی و تدوین بحث قبل از جلسه

اشاره

(اَذْهَبْ أَنْتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي * اذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ * فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ * قَالَ رَبَّنَا إِنَّنَا نَخَافُ أَنْ يَفْرُطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْغَىٰ * قَالَ لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأَرَىٰ) (۱)

تو و برادرت معجزه‌های مرا] برای مردم [ببرید و در یاد کردن من سستی نکنید. به سوی فرعون بروید که او به سرکشی برخاسته، و با او سخنی نرم گویند، شاید که پند پذیرد یا بترسد. آن دو گفتند: «پروردگارا، ما می‌ترسیم که» [آسیبی به ما برساند یا آنکه سرکشی کند. فرمود: «مترسید، من همراه شمایم، می‌شنوم و می‌بینم،

در هر کاری، داشتن طرح و برنامه امری معقول است و انسان‌های موفق همیشه دارای طرح و برنامه و تدبیر برای زندگی هستند. روشن است که داشتن برنامه و تدبیر با توکل و اعتقاد به تأثیر گذار بودن قدرت لایزال الهی منافات ندارد.

یکی از مسائل مهم برای هر سخنران و یا معلم این است که، در هر

ص: ۵۶

- جلسه‌ای که به عنوان سخنران در معرض دید و نظر مردم قرار می‌گیرد طرح و برنامه دقیقی داشته باشد و این طرح باید در برگیرنده همه جوانب و پاسخگوی این سؤالات باشد:
- ۱- فضای حاکم بر این جلسه چگونه است؟
 - ۲- سطح تحصیلات مستمعین در چه حد و اندازه است؟
 - ۳- مخاطبین از چه گروهی هستند؟ (جوانان- زنان- ...)
 - ۴- آیا موضوع انتخابی از مباحث مورد نیاز برای جمع حاضر است یا ...؟
 - ۵- از شاخه‌های گوناگون مرتبط با این مبحث، کدامیک از ضرورت بیشتری برخوردار است؟

آرامش‌رومی

کسانی که با فکر و اندیشه و یک برنامه منسجم و صحیح بر روی منبر قرار می‌گیرند، آرامش‌رومی و اطمینان خاطر داشته و با تسلط ویژه‌ای سخنان خود را ادامه می‌دهند؛ ولی آنان که بدون برنامه وارد میدان سخنوری شوند، اضطراب و تشویش خاطر آنان را فرا گرفته و معمولاً این اضطراب در گفتار ایشان و پراکندگی سخنانشان محسوس است. پس تا آمادگی کامل برای سخن‌نداریم، این مسئولیت سنگین را قبول نکنیم، زیرا هم روح خودمان را آزار می‌دهیم و هم استفاده زیادی به دیگران نمی‌رسانیم.

ص: ۵۷

ایجاد شبهه

کسانی که بدون تدبیر و تفکر سخن می‌گویند، معمولاً مطالب سؤال برانگیز را، بدون پرداختن بجا و صحیح به جواب آن، در مناظر مطرح می‌کنند که در موارد خاصی این شبهات سال‌ها در ذهن مخاطب باقی مانده و به پاسخ قانع کننده‌ای هم نمی‌رسد و یا از اهل فن و عالمان دین نمی‌پرسد. پس با توجه به آثار سوء سخنرانی‌های بدون تدبیر و برنامه، باید از آن جداً پرهیز نمود.

تمرین قبل از اجرا

مبلغ باید قبل از اجرا و پیاده کردن مبحث مورد نظر، تمرین کرده و مطالب را در ذهن خود مرور و در نزد خود بازگو نماید. خداوند نیز هنگامی که موسی (ع) را به پیامبری برگزید و معجزه‌ای را در اختیار او قرار داد، به موسی (ع) امر کرد تا در بیابان یکبار اجرا کند تا بعد از ورود بر فرعون با آمادگی کامل معجزه را در بین کفار پیاده نماید.

(وَأَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَى لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ الْمُرْسَلُونَ) (۱)

و عصایت را بیفکن. پس چون آن را همچون ماری دید که می‌جنبد، پشت گردانید و به عقب بازنگشت. «ای موسی، مترس که فرستادگان پیش من نمی‌ترسند.

ص: ۵۸

روایات

۱- امام علی (ع) می‌فرماید:

اِذَا قَدَّمْتَ الْفِكْرَ فِي جَمِيعِ اَفْعَالِكَ حَسُنْتَ عَوَاقِبِكَ (۱)

اگر قبل از شروع در هر کاری تفکر و تعقل نمایی، عاقبت آن خوب خواهد بود.

۲- امام علی (ع) فرمود:

الظَّفَرُ بِالْحَزْمِ وَالْحَزْمُ بِإِجَالَةِ الرَّأْيِ وَالرَّأْيُ بِتَحْصِينِ الْأَسْرَارِ. (۲)

پیروزی در دور اندیشی و دور اندیشی در به کارگیری صحیح اندیشه و اندیشه صحیح به راز داری است.

۳- امام حسن عسکری (ع) فرمود:

وَ أَنْ ... وَ لِلْحَزْمِ مِقْدَارًا فَإِنْ زَادَ عَلَيْهِ فَهُوَ جُبْنٌ. (۳)

برای دور اندیشی و حزم هم اندازه‌ای است، اگر از حد خود گذشت دور اندیشی نیست بلکه ترس و جبن است.

۴- امام علی (ع) فرمود:

اِذَا كَتَبْتَ كِتَابًا فَعُدِ النَّظْرَ قَبْلَ خْتِمِهِ فَإِنَّمَا تَخْتِمُهُ عَلَى عَقْلِكَ. (۴)

هر چه نوشتی قبل از مهر زدن و تمام کردنش بر گرد بازنگری کن که نوشتار را بر پایه عقل و خرد خود مهر می‌زنی. (یا اینکه نوشتارت حاکی از عقل و خرد توست.)

۱- غرر الحکم، ۱ / ۳۱ (ص)

۲- نهج البلاغه، حکمت ۴۸

۳- بحار الانوار، ۲ / ۷۷ (ص) ۱

۴- غرر الحکم، ۱ / ۳۲۷

ص: ۵۹

۳. نوگرایی و نوآوری در شیوه تبلیغ

اشاره

(فَجَعَلَهُمْ جُودًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ * قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَذَا بِآلِهَتِنَا إِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ * قَالُوا سَمِعْنَا فَتَى يَدُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ * قَالُوا فَاتُوا بِهِ عَلَى أَعْيُنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ * قَالُوا أَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ * قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَاسْأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ * فَرَجَعُوا إِلَى أَنْفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ * ثُمَّ نَكِسُوا عَلَى رُؤُسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا هَؤُلَاءِ يَنْطِقُونَ * قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ * أَفْ لَكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ) (۱)

پس آنها را- جز بزرگترشان را- ریز ریز کرد، باشد که ایشان به سراغ آن بروند. گفتند: «چه کسی با خدایان ما چنین [معامله‌ای کرده، که او واقعاً از ستمکاران است؟] گفتند: «شنیدیم جوانی، از آنها] به بدی [یاد می‌کرد که به او ابراهیم گفته می‌شود.» گفتند: «پس او را در برابر دیدگان مردم بیاورید، باشد که آنان شهادت دهند.» گفتند: «ای ابراهیم، آیا

ص: ۶۰

تو با خدایان ما چنین کردی؟» گفت: «[نه بلکه آن را این بزرگترشان کرده است، اگر سخن می‌گویند از آنها پرسید.» پس به خود آمده و] به یکدیگر [گفتند: «در حقیقت، شما ستمکارید.» سپس سرفکنده شدند] و گفتند: [قطعاً دانسته‌ای که اینها سخن نمی‌گویند.] گفت: «آیا جز خدا چیزی را می‌پرستید که هیچ سود و زیانی به شما نمی‌رساند؟ اف بر شما و بر آنچه غیر از خدا می‌پرستید. مگر نمی‌اندیشید؟»

یکی از بهترین شیوه‌های تبلیغ دین، تبلیغ مشافهه‌ای و چهره به چهره است. قطعاً منبر رفتن و ارتباط مستقیم با مخاطب، از تأثیرگذارترین شیوه‌هاست و هیچ روش و شیوه تبلیغی دیگر، جای آن را نمی‌گیرد. ولی آنچه مسلم است این که، سخن گفتن روبروی مخاطبین می‌تواند در ابعاد مختلفش مورد تجدید نظر قرار گیرد و سخنور گرامی با نوآوری در سبک بیان، انتخاب موضوعات و نوع بیان و چینش کلمات جذابیت بهتر و بیشتری را در آن ایجاد کند. استفاده از احادیث صحیح، بهره‌مندی از علوم و تحقیقات روز در شناساندن بهتر خداوند به انسان، تمثیلات زیبا و جالب در بحث‌های مختلف، استفاده از اشعار و پندهای گوناگون در بین سخنرانی، بیان تاریخ، مخصوصاً تاریخ اسلام و بیان زندگی علما و اندیشمندان دینی، هر کدام به نوعی ضمن ایجاد جذابیت، بر غنای بحث افزوده و منبر را از یک بحث علمی صرف خارج می‌نماید.

اندکی مرور ذهنی قبل از منبر، می‌توان مطالبی که به ظاهر تکراری و ملال‌آور است را به شکلی نو و بیانی جدید و با نگاهی تازه و

ص: ۶۱

از زاویه‌ای دیگر مورد توجه قرار داد تا ضمن تذکر و تکرار آن حقیقت، از ملال آوری آن نیز جلوگیری شود. شروع با یک پرسش و پرداختن همراه با استدلال قوی و محکم به جواب و ارجاع مخاطب به نفس خود و تفکر، راهی است که حضرت ابراهیم (ع) در برابر بت پرستان انجام داد.

ذکر لطایف شادی‌بخش در منبر

بعضی بر این تصورند که برای علاقه مندی مردم به محافل دینی و جذب آنان و یا بیشتر شدن جمعیت، باید مجالس و منبرها همراه با مزاح و شوخی و نکات طنزآمیز باشد. این گونه افراد یا در بین مباحث خود از این موارد بهره می‌برند و یا در خارج مجلس، از سخنان طنز گونه استفاده می‌کنند که باعث خوش آیند دوستان و یا جوانان شود.

باید توجه داشت که استفاده از لطایف تاریخی و سخنان شاد و با طراوت در مجلس که لبخند بر لبان بنشانند از نقاط قوت یک منبر است به شرطی که از حد و اندازه خارج نشده و کلمات خارج از نزاکت نداشته باشد و روحانی محترم را در نظر مردم به عنوان یک طنز پرداز و یا کسی که آنان می‌توانند در کنار او فقط ایام خوشی را سپری کنند جلوه ندهد و معنویت و قداست لباس و جذاییت علم و تقوی تحت الشعاع لطیفه‌گویی و یا مزاح‌های خارج از حد قرار نگیرد.

ص: ۶۲

روایات

- ۱- پیامبر اکرم (ص) در نصایحی به شمعون فرمود:
 فَطُوبَى لِمَنْ تَوَقَّرَ وَلِمَنْ لَمْ تَكُنْ لَهُ خِيفَةٌ وَلَا جَاهِلِيَّةٌ ... (۱)
- خوشا به حال کسی که وقار و متانت داشته باشد و در (رفتار و گفتار) او سبکی و جهالت و سفاهت نباشد.
- ۲- امام علی (ع) فرمود:
 أَيَاكَ وَالْمُسْتَهْجَنَ مِنَ الْكَلَامِ فَإِنَّهُ يَحْسِبُ عَلَيْكَ اللَّئَامَ وَيَنْفُرُ عَنْكَ الْكِرَامَ. (۲)
- از سخنان زشت بپرهیز که انسان‌های پست را دور تو جمع کرده و انسان‌های با کرامت را از تو دور می‌کند.
- ۳- امام علی (ع) فرمود:
 مَنْ جَعَلَ دَيْدَنَهُ الْهَزْلَ لَمْ يُعْرِفْ جِدَّهُ. (۳)
- هر کس روش خود را بر هزل و شوخی گذارد، سخنان جدی او شناخته نمی‌شود.
- ۴- امام باقر (ع) فرمود:
 إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ الْمُدَاعِبَ فِي الْجَمَاعَةِ بِلَا رَفَثٍ. (۴)
- خداوند آن کس که میان جمعی شوخی کند دوستش دارد در صورتی که سخن زشت و فحش نباشد.

۱- تحف العقول، ۲۰

۲- میزان الحکمه، ۴۳۶ / ۸

۳- غرر الحکم به نقل از تفسیر المعین، ۱۵۶

۴- اصول کافی، ۴ / ۴۸۶

ص: ۶۳

۵- امام صادق (ع) فرمود:

إِيَّاكُمْ وَالْمِزَاحَ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِمَاءِ الْوَجْهِ (۱)

مبادا مزاح کنید که آبرو را می برد.

۶- امام کاظم (ع) فرمود:

كَانَ يَحْيَى بْنُ زَكَرِيَّا يَبْكِي وَلَا يَضْحَكُ وَكَانَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ (ع) يَضْحَكُ وَيَبْكِي وَكَانَ الَّذِي يَصْنَعُ عِيسَى (ع) أَفْضَلَ مِنَ الَّذِي
كَانَ يَصْنَعُ يَحْيَى (ع). (۲)

حضرت یحیی گریه می کرد و نمی خندید و حضرت عیسی هم می خندید و هم گریه می کرد و کار عیسی (ع) بهتر از کار یحیی (ع) می باشد.

روایات در مذمت سخنان رکیک و شوخی های زشت بسیار است که از آن صرف نظر می شود.

۱- اصول کافی، ۴/ ۴۸۷

۲- همان، ۴/ ۴۸ (ص)

ص: ۶۴

۴. ارتباط دوستانه با مخاطبین

اشاره

(فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ) (۱)

پس به [برکت [رحمت الهی، با آنان نرمخو] و پُر مهر [شدی، و اگر تندخو و سخت دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می شدند. پس، از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه، و در کار] ها [با آنان مشورت کن، و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن، زیرا خداوند توکل کنندگان را دوست می دارد.

(لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ) (۲)

قطعاً، برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید، به [هدایت [شما حریص، و نسبت به مؤمنان، دلسوز و مهربان است.

۱- آل عمران: ۱۵ (ص)

۲- توبه: ۱۲۸

ص: ۶۵

طبع انسان در پذیرش سخن دوست است و آنگاه که با فردی طرح دوستی بریزد و او را دوست داشته باشد در برابرش خاضع و نرم می‌شود و چه بسا به خاطر او تغییر روش داده و دست از خواسته‌های شخصی خود برمی‌دارد. مبلغ موفق آن است که منبر خود را از سخنرانی خشک به یک محفل انس تبدیل کند.

گاهی سخنرانان چنان روی منبر بر سر مردم فریاد می‌زنند که گویا کاملترین فرد عالم می‌خواهد بدترین انسان‌ها را توبیخ و برکارهای بد، آنان را مؤاخذه کند و حال آنکه می‌توان خود را هم یکی از آنان دانست و محفل را به بیان درد دلی تبدیل کرد که او و دیگران برای پیدا کردن راه حلی ساده جهت رفع مشکلات معنوی خود تشکیل داده‌اند.

البته سخنرانی‌هایی که صرفاً جنبه علمی و پژوهشی دارد و به صورت نتیجه تحقیقات علمی انجام می‌شود و یا جنبه سیاسی داشته و تحلیلگر سیاسی بیان می‌کند و یا آنان که صورت حماسی داشته و نیاز به شدت و خشم و غضب در سخن است باید از منبرهای موعظه و تذکرات دینی استثنا شود و این بر مبلغین عزیز پوشیده نیست.

راه درست ایجاد انس با مخاطب

ارتباط برقرار کردن با مردم توسط روحانیون عزیز از چند راه ممکن است:

۱- لحن سخنرانی‌ها را دوستانه قرار دهد.

ص: ۶۶

- ۲- از کلمات مهربانانه و لطیف استفاده کند و از توبیخ و سرزنش پرهیز نماید.
- ۳- هنگام داشتن لحن توبیخی، خود را هم یکی از آنها بداند که گاهی اسیر نفس می‌شود.
- ۴- از ناحیه قدرت و یا خدای ناکرده خود برتر بینی با مردم سخن نگوید.
- ۵- در جلسات عمومی آنها حتی الامکان شرکت کند، در برگزاری دعای توسل، کمیل و یا ندبه آنها حضور پیدا کند و خود نیز همراه آنان به دعا و راز و نیاز پردازد و مقداری از زمان را مستمع باشد.
- ۶- اگر سخنرانی بعد از نماز است، در نماز جماعت، با مردم شرکت کند.
- ۷- بعد از سخنرانی، حتی الامکان برای فیض بردن از ذکر توسل و مرثیه خوانی بر اهل بیت (علیهم السلام) در جمع مردم حضور داشته باشد.
- ۸- در صورت امکان، بعد از منبر، سریعاً محل را ترک نکند، بلکه مقداری نشسته و ضمن اینکه استراحت می‌کند، پاسخگوی سؤالات احتمالی مؤمنین باشد که این امور در ایجاد ارتباط دوستانه و اعتماد سازی متقابل بسیار مؤثر است.

ص: ۶۷

روایات

۱- امام باقر (ع) فرمود: مردی از بنی تمیم خدمت پیامبر اکرم (ص) رسید و عرض کرد: مرا نصیحت کنید. حضرت فرمودند:

تَحَبَّبَ إِلَى النَّاسِ يُحِبُّوكَ (۱)

با مردم دوستی کن تا تو را دوست بدانند.

۲- امام صادق (ع) فرمود:

مُجَامَلَةُ النَّاسِ ثُلُثُ الْعَقْلِ (۲)

مدارا و خوش رفتاری با مردم یک سوم خردمندی است.

۳- امام علی (ع) فرمودند:

رَأْسُ الْعِلْمِ الرَّفْقُ وَ آفَتُهُ الْخُرْقُ (۳)

رأس و اساس علم، مدارا با مردم و آفت آن، ایجاد درگیری با آنهاست.

۱- اصول کافی، ۴/ ۴۵۷

۲- میزان الحکمه، ۶/ ۵۲۸

۳- بحار الانوار، ۷ (ص) / ۳۰۷

ص: ۶۸

۵. احترام به آداب و رسوم فرهنگی مردم

اشاره

(وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا) (۱)

و به بندگانم بگو: «آنچه را که بهتر است بگویند»، که شیطان میانشان را به هم می‌زند، زیرا شیطان همواره برای انسان دشمنی آشکار است.

دین اسلام دینی جامع و برای همه زمان‌ها و مکان‌هاست. بعضی از اموری را که با فطرت آدمی سازگاری ندارد حرام کرده، ولی نسبت به خیلی از امور، دیدی وسیع داشته و انسان را در وسعت و گشایش قرار داده است. لذا علما و فقها نیز حکم به اباحه و عدم حرمت می‌کنند. بسیاری از فرهنگ‌های مردم در شهرهای مختلف و یا روستاها از این قبیل است؛ لذا مبلغینی که در بین این مردم قرار می‌گیرند باید کلام خدا و پیام دین را به مردم برسانند و خود الگوی کامل اسلام باشند و قطعاً احترام به آداب و رسوم فرهنگی مردم در هر منطقه‌ای تا آنجا که مرتکب حرام و یا ترک واجب نشده‌اند مورد

ص: ۶۹

پذیرش اسلام می‌باشد. مبلغین در این موارد چند چیز را باید مورد توجه قرار دهند:

- ۱- احترام به آداب و رسوم محلی مردم- اگر مخالف شرع مقدس نباشد- لازم است.
- ۲- تحمیل سلیقه شخصی بر یک گروه و مخالفت با آن‌ها در چیزی که به آن عادت دارند و حرام هم نیست، صحیح نیست.
- ۳- تغییر فرهنگ‌ها نیازمند فرهنگ سازی در گذر زمان است و این مستلزم صبر و حوصله و بردباری و مدارا با مردم می‌باشد.

عدم ورود به منازعات فردی و محلی

باید توجه داشت که مبلغ در هر کجا که وارد می‌شود وظیفه‌اش تبلیغ دین و هدایت جامعه است و یکی از مضرترین مسائل به این وظیفه، ورود به مسائل شخصی و یا نزاع‌های افراد است چرا که مردم، روحانی را محرم راز خود و یا مشاور امین خود می‌دانند و مسائل و مشکلات خود را با او در میان می‌گذارند، پس باید مراقب بود که در این جا به یک گوش دهنده غیبت و یا مؤید تهمت تبدیل نشود و خود را قاضی قرار نداده و حکم صادر نکند. اگر مبلغ، خود را وارد مباحث خصوصی افراد کرد، در واقع یکی از آن‌ها گشته و مسئولیت خویش را فراموش کرده است.

ص: ۷۰

روایات

۱- امام علی (ع) فرمود:

مُقَارَبَةُ النَّاسِ فِي أَخْلَاقِهِمْ أَمْنٌ مِنْ غَوَائِلِهِمْ. (۱)

هماهنگی با اخلاق و رسوم مردم، ایمن ماندن از دشمنی و کینه آنان است. (در نسخه دیگر «مفارقة الناس»)

است که در این صورت دور شدن و عدم ورود به رسوم خاص مردم مد نظر خواهد بود.

۲- امام علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر فرمود:

... وَلَا تَنْفُضْ سُنَّةَ صَالِحَةٍ عَمِلَ بِهَا صُدُورُ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَاجْتَمَعَتْ بِهَا الْأُلْفَةُ وَصَلَحَتْ عَلَيْهَا الرَّعِيَّةُ (۲)

... و آداب پسندیده‌ای را که بزرگان این امت به آن عمل کردند و ملت اسلام با آن پیوند خورده و رعیت با آن اصلاح شدند، بر هم مزن.

۳- امام علی (ع) فرمود:

خَالِطُوا النَّاسَ بِالْأَسْنَتِكُمْ وَابْدَأِنِكُمْ وَزَايِلُوهُمْ بِقُلُوبِكُمْ وَأَعْمَالِكُمْ. (۳)

با مردم به زبان و جسد همراهی کنید و به قلب‌ها و عمل دور باشید. و این از دستورات دینی است که برای حفظ دین و تقوی «در بین مردم باش ولی از مردم مباش» با مردم مدارا کنید ولی اسیر فرهنگ‌های غلط و آداب و رسومی که دارند نشوید.

۱- نهج البلاغه، حکمت ۴۰۱

۲- همان، نامه ۳۵

۳- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۱۵

ص: ۷۱

۶. آراستگی ظاهری

اشاره

(یا أَيُّهَا الْمَدَنِيُّ قُمْ فَأَنْذِرْ وَرَبِّكَ فَكَبِّرْ وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ) (۱)

ای کشیده ردای شب بر سر، برخیز و بترسان. و پروردگار خود را بزرگ دار. و لباس خویشتن را پاک کن. و از پلیدی دور شو. رعایت پاکی و طهارت ظاهری یکی از دستورات دین مبین اسلام است. اولیای الهی در برخورد با دیگران رعایت نظافت و تمیزی ظاهر را می‌کردند. یکی از اولین دستورات به پیامبر اکرم (ص) پاکی لباس و نظافت ظاهری است. پیامبر اکرم (ص) در وقت خروج از خانه موهای خود را شانه می‌زد و در آینه خود را نگاه می‌کرد. مبلغ که می‌خواهد در معرض دید عموم قرار گیرد، باید به نگاه مردم و فکر و روح آنان احترام گذاشته و نظافت ظاهری خود را حفظ کند. انسان‌ها دوستدار زیبایی و نظافت هستند و از زشتی و پلیدی و کثیفی متنفرند. کسی که ظاهرش آلوده و یا لباسش کثیف و جورابش پاره و بدبو است در اولین برخورد با دیگران، آنان را از خود دور کرده است و دیگر به سخنان او گوش

ص: ۷۲

نمی‌دهند و ظاهر ناپسند او سخنان زیبا و کلمات ارزشمند دینی را هم زشت جلوه داده است.

مبلّغ و تجمل گرایی!

نظافت و پاکیزگی ظاهر غیر از تجمل گرایی است. روحانیون باید مراقب باشند به بهانه آراستگی ظاهر، اسیر لباس خاص و رنگ خاص نشده و این باعث کبر و خودنمایی و مشی با تکبر نشود. بعضی به جای نظافت و تمیزی، اسیر زیباگرایی شده‌اند و خطوط عمامه و رنگ عبا و قبا و مدل و رنگ نعلین و کیفیت راه رفتن برای آنها مهم‌تر جلوه کرده است.

رعایت زی طلبگی

زی طلبگی و روحانیت نیز از اموری است که مبلّغ باید رعایت کند. بعضی با پوشیدن لباس نازک در تابستان به صورت دشداشه و نمایان شدن شکل زیرپوش آنها مخصوصاً وقتی باد و طوفان در شهر باشد چهره بسیار ناپسندی را به خود می‌گیرند که به نظر می‌رسد با زی و وقار طلبگی و مبلّغ دینی سازگار نیست و یا کمر بند شلوار او که بزرگ و رنگی است از زیر دشداشه‌اش معلوم است و موی سرش از محاسنش بلندتر و دارای محاسنی ماشین کرده و خط گرفته می‌باشد که نشان از استفاده ابزاری از لباس روحانیت است، یعنی هرگاه لازم است لباس می‌پوشد و نوع آرایش خود را به گونه‌ای قرار داده که بدون لباس هم

ص: ۷۳

راحت و ناشناس در جامعه زندگی کند، گویا لباس برای آنان گاهی مفید و گاهی مضر است که در هر مکانی متناسب با آن، لباس می‌پوشند.

سخنرانی و بیان معارف دین توسط غیر ملتبسین

لازم است سخنی با عزیزانی داشته باشیم که سرمایه علمی خود را از حوزه علمیه و از علما و روحانیون بزرگ دارند ولی از پوشیدن لباس طفره می‌روند. البته اینان برای خود توجیهاتی دارند و بعضاً مع الاسف همچون گروه قبل (در نکته ۲) لباس را مفید نمی‌دانند، ولی باید گفت، اولاً: اگر آن سرمایه علمی در معارف دینی از حوزه‌های علمیه و علما نبود شما و دیگر عزیزان چنین جایی نداشتید؛ پس لازم است همیشه و به همه کسانی که از سخنان شما بهره می‌برند توجه دهید که آنچه شما دارید و هستید مدیون چه ذخایر عظیم علمی هستید.

ثانیاً: سخنرانی‌ها و بیان معارف دینی با لباس شخصی، این ذهنیت را به جوانان القا می‌کند که می‌توان دین و معارف دینی را از غیر حوزه و روحانیت گرفت و ایجاد این فکر در جوانان، خطرناک و آثار شومی به بار خواهد آورد.

ثالثاً: سخنرانی بدون لباس روحانیت از طرف عزیزانی که سرمایه علمی خود را از حوزه و روحانیت دارند، باعث ایجاد حرکت خطرناکی در جامعه شده که سخنرانان دیگری با لباس‌های شخصی در هیئات و مساجد و غیره پیدا شده‌اند که سرمایه علمی - دینی نداشته و در نزد

ص: ۷۴

علما تلمذ نکرده‌اند و در نتیجه افکار مختلف به نام دین به مردم القا می‌شود.

رابعاً: اگر توجیه این گروه (روحانیونی که لباس روحانیت را نمی‌پوشند و در مناظر قرار می‌گیرند) که بدون لباس بهتر می‌توان با جوانان ارتباط برقرار کرد و با افکار التقاطی مبارزه کرد صحیح باشد، باید به شهید مطهری (رحمه الله) آن استاد بزرگ اشکال گرفت که چرا در زمان طاغوت و در جمع دانشمندان و فلاسفه در دانشگاه‌ها با لباس روحانیت ظاهر می‌شد و هیچگاه دست از اصالت و هویت خود برنداشت و چون یک سرباز همیشه لباس بر تن، آماده خدمت بود، که موفقیت او در این راه بر کسی پوشیده نیست.

روایات

۱- پیامبر اکرم (ص) فرمود:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَنْ عَبَدَهُ إِذَا خَرَجَ إِلَى إِخْوَانِهِ أَنْ يَتَهَيَّأَ لَهُمْ وَيَتَجَمَّلَ (۱)

خداوند دوست دارد که بنده‌اش وقتی به سوی برادرانش می‌رود، برای دیدن ایشان خود را مهیا و زیبا سازد.

۲- فردی از امام صادق (ع) پرسید: آیا همه این خلق را از مردم می‌بینی؟ حضرت فرمود: ۸ گروه را جدا کن:

الف: کسی که مسواک را ترک کند.

ب: کسی که در مکان تنگ چهار زانو بنشیند.

۱- بحار الانوار، ۷ (ص) / ۳۰۷

ص: ۷۵

ج: کسی که در آن چه مفید نیست داخل شود.

د: کسی که در آنچه علم ندارد مرء و جدال کند.

ه: کسی که بی جهت خود را به مریضی بزند.

و: کسی که مصیبت زده نیست ولی به ظاهر خود نمی‌رسد.

ز: کسی که در حق، با اصحابش مخالفت کند.

ح: کسی که به رفتار پدرانیش افتخار کند ولی از کردار نیک آنها دور است. (۱)

۳- امام علی (ع) فرمود:

التَّجْمُلُ مِنَ اخْتِلاَقِ الْمُؤْمِنِينَ (۲)

تجمل و آراستگی از اخلاق مؤمنین است.

۴- امام علی (ع) فرمود:

النَّظِيفُ مِنَ الثِّيَابِ يُذْهِبُ الْهَمَّ وَالْحَزْنَ وَهُوَ طَهْوَرٌ لِلصَّلَاةِ (۳)

پاکیزگی در لباس، غم و غصه را از بین می‌برد و همان، طهارت و پاکی برای نماز است.

۱- خصال، شیخ صدوق، ۴۰ (ص)

۲- غرر الحکم، ۴۰ / ۱

۳- فروع کافی، ۴۴۴ / ۶

ص: ۷۷

فصل سوم: سخنرانی

۱. محوریت قرآن و عترت

اشاره

ص: ۷۹

فصل سوم: سخنرانی

(إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّذِينَ هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا* وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ
أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا) (۱)

قطعاً این قرآن به [آیینی] که خود پایدارتر است راه می‌نماید، و به آن مؤمنانی که کارهای شایسته می‌کنند، مژده می‌دهد که پاداشی بزرگ برایشان خواهد بود. و اینکه برای کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند عذابی پر درد آماده کرده‌ایم.

(وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ) (۲)

و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می‌کردند، و به ایشان انجام دادن کارهای نیک و برپاداشتن نماز و دادن زکات را وحی کردیم و آنان پرستنده ما بودند.

مبلغ باید:

اولاً، محور سخنان خودش را حق قرار دهد، حق جو و حق شناس و

۱- اسراء، (ص)- ۱۰

۲- انبیاء، ۷۳

ص: ۸۰

حق مدار باشد.

ثانیاً، سخنانش را محکم و متقن و به دور از حدس و گمان بیان کند.

ثالثاً، کلمات و مباحث او منطبق با عقل و فطرت آدمی باشد.

برای رسیدن به این سه عنصر مهم و اساسی، ناچار باید از منابع علمی و سرچشمه‌های زلالی استفاده کرد که خداوند در اختیار بشر قرار داده است و آن هم جز قرآن و عترت نیست.

چرا که ایشان هم حق‌اند و هم محکم و منطبق با عقل و فطرت. سخنرانی مذهبی باید نورانی و پاک باشد، حق مدار و باطل ستیز باشد و محکم و استوار. سخن مانند گار آن است که از کلام ماندگار یعنی قرآن و عترت گرفته شده باشد؛ چرا که حق باقی و باطل نابود شدنی است. آنان که جایگاه عظیم و عظمت و خطابه را تصاحب می‌کنند و به جای ابلاغ کلام خدا و رسول و عترت پاکش به مردم، سخنان گزاف و بیهوده و یا کم‌ثمر می‌گویند، نسبت به این مقام عظیم و جایگاه عالی ناسپاسی می‌کنند و متأسفانه گاهی مشاهده می‌شود، به‌جای تبلیغ معارف مکتب اهل بیت پیامبر و بیان معارف زلال قرآنی، به سخنان سخیف و سبک و یا به تجلیل از دانشمندان دیگر ادیان و بیان سخنان آنان می‌پردازند و تراوشات ذهنی خود را به مردم القا می‌کنند، دریغ از یک آیه قرآن یا کلام پیامبر و اهل بیت (علیهم‌السلام)! که اینگونه مجالس اگر هیچ اشکالی هم در آن نباشد، از نورانیت و معنویت تهی است.

ص: ۸۲

کتاب خدا که با آن می‌توانید راه حق را بنگرید و با آن سخن بگویید و به وسیله آن بشنوید، بعضی از قرآن از بعضی دیگر سخن می‌گوید و برخی بر برخی دیگر گواهی می‌دهد آیاتش در شناساندن خدا اختلافی نداشته و کسی را که همراهش شد از خدا جدا نمی‌سازد.

۲- امام هادی (ع) می‌فرماید:

كَلَامُكُمْ نُورٌ وَ أَمْرُكُمْ رُشْدٌ وَ وَصِيَّتُكُمْ التَّقْوَى وَ فِعْلُكُمْ الْخَيْرُ ... (۱)

کلام شما (اهل بیت (علیهم السلام)) نور و دستوراتتان مایه رشد و سفارش شما تقوی و کردارتان همه نیک است.

۳- در فضایل قرآن و عترت پیامبر اکرم (ص) سخن بسیار است که مبلغین محترم می‌توانند به نهج البلاغه و روایات بسیار در کتاب‌های مختلف مراجعه نمایند. ولی باید کلام ایشان را خوب شناخت و صحیح برای دیگران نقل کرد؛ لذا امام صادق (ع) چنین فرمود:

وَ اللَّهُ لَوَدِدْتُ أَنْ يَكُونَ بِالْكَوْفَةِ خَمْسَةٌ وَ عَشْرُونَ رَجُلًا يَعْرِفُونَ أَمْرَنَا الَّذِي نَحْنُ عَلَيْهِ وَ لَا يَقُولُونَ عَلَيْنَا إِلَّا الْحَقَّ. (۲)

دوست داشتم در کوفه ۲۵ نفر شیعه داشتم که ایشان امر ما اهل بیت را خوب می‌شناختند و می‌فهمیدند و آنچه از قول ما می‌گویند حق باشد و جز حق را به ما نسبت ندهند. (افکار و خواسته‌های خود را به ما نسبت ندهند).

۴- امام علی (ع) می‌فرماید:

انظروا أهل بيت نبيكم فالزموا سمعهم و اتبعوا أثرهم فلن

۱- زیارت جامعه کبیره

۲- فضائل الشیعه، ۵۶ حدیث ۲۶.

ص: ۸۳

يُخْرِجُوكُمْ مِنْ هُدًى وَ لَنْ يُعِيدُوكُمْ فِي رَدًى فَإِنْ لَبَدُوا فَأَلْبُدُوا وَإِنْ نَهَضُوا فَأَنْهَضُوا وَ لَأَ تَشْبِقُوهُمْ فَتَضِلُّوا وَ لَأَ تَتَّخِرُوا عَنْهُمْ فَتَهْلِكُوا.

(۱)

به اهل بیت پیامبران بنگرید- روش ایشان را ملزم باشید و از سنت و آثار ایشان تبعیت کنید که ایشان شما را از هدایت خارج نمی‌کنند و به گناه و پستی بر نمی‌گردانند ... و هیچگاه از ایشان سبقت نگیرید که گمراه می‌شوید و هیچگاه از ایشان عقب نیافتید که هلاک خواهید شد.

۵- سخن شیطان در روز عاشورا:

... وَ أَوْرَثْنَاهُمُ النَّارَ إِلَّا مَنِ اعْتَصَمَ بِهَيْدَةِ الْعَصَابِيَةِ فَمَا جَعَلُوا شِعْرُكُمْ بِتَشْكِيكِ النَّاسِ فِيهِمْ وَ حَمَلِهِمْ عَلَى عِدَاوَتِهِمْ وَ إِعْرَائِهِمْ بِهِمْ وَ

أَوْلِيَائِهِمْ. (۲)

ای گروه شیاطین ما از فرزندان آدم به خواست خود رسیدیم و در هلاکت ایشان تمام سعی خود را کردیم و آنان را به سوی آتش کشاندیم مگر کسانی که به این ریسمان (ریسمان اهل بیت) محکم چنگ زده‌اند، پس تمام همت خود را بر آن دارید تا درون مردم نسبت به ایشان (اهل بیت) شک ایجاد کرده و آنان را به عداوت و دشمنی آنان و دوستانشان وادار کنید.

۱- نهج البلاغه، خطبه (ص) ۷

۲- بحار الانوار، ۴۵/۱۸۳ و مصائب آل محمد: ۵۵

ص: ۸۴

۲. خوف و رجاء

اشاره

(یا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا* وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا) (۱)

ای پیامبر، ما تو را [به سَمَتِ] گواه و بشارتگر و هشداردهنده فرستادیم، و دعوت کننده به سوی خدا به فرمان او، و چراغی تابناک.

(إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا) (۲)

[ای پیامبر، [ما تو را] به سَمَتِ] گواه و بشارتگر و هشداردهنده‌ای فرستادیم.

وظیفه انبیای الهی هدایت جامعه به سوی خداست. تعلیم دین و حکمت و تزکیه خلق از ناپاکی‌ها، از اهداف انبیا و مخصوصاً پیامبر

اکرم (ص) است و برای رسیدن به این هدف بزرگ که در دعوت به سوی خدا و احیای قلوب مردم به نور ایمان تجلی یافته است،

دو عنصر مهم و اساسی تأثیر مهمی دارند و آن بشارت به بهشت و نعمت‌های آن و انذار و ترساندن از عذاب الهی است.

از جمله صفات پیامبر اکرم (ص) «بشیر و نذیر» است، پس بر مبلغ

۱- احزاب، ۴۵-۴۶

۲- فتح، ۸

ص: ۸۵

دین است که همیشه محافل و سخنرانی‌های خود را در هر موضوعی که انتخاب کرده، بین خوف و رجا قرار دهد و در واقع اعتدال در سخنان را بیش از پیش رعایت کند. امید زیاد بخشیدن به مردم، گنهکاران را جری کرده و قبح گناهان را از بین می‌برد. ناامید کردن و یا ترساندن زیاد از عذاب الهی، امید به بازگشت را در دل گنهکاران نابود ساخته و از عبادت و توبه و انابه باز می‌دارد. هر دو اگر از حد اعتدال بگذرد، برای فرد و جامعه مضر است. لذا وظیفه مبلغ که همان وظیفه انبیا است قرار دادن مردم بین خوف و رجا است، قرآن در بسیاری از آیات (۱)، نیکان و بدان را در کنار هم معرفی کرده و پاداش و یا عذاب آنها را گوشزد می‌کند.

خداوند در قرآن می‌فرماید: (نَبِّئْ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ* وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ)؛ به بندگان من خبر ده که منم آمرزنده مهربان. و اینکه عذاب من، عذابی است دردناک.

و یا در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: (

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ

)؛ و آنگاه که پروردگارتان اعلام کرد که اگر واقعاً سپاسگزاری کنید، [نعمت [شما را افزون خواهم کرد، و اگر ناسپاسی نمایید، قطعاً عذاب من سخت خواهد بود.]]

باید دانست که این روش صحیح برای تربیت نفس آدمی است که می‌تواند مورد استفاده مربیان و معلمان و همچنین والدین گرامی قرار گیرد.

ص: ۸۶

روایات:

۱- امام صادق (ع) فرمود:

لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ خَائِفًا رَاجِيًا وَلَا يَكُونُ خَائِفًا رَاجِيًا حَتَّى يَكُونَ عَامِلًا لِمَا يَخَافُ وَيُجُودُ. (۱)

مؤمن، مؤمن نباشد تا آنکه ترسان و امیدوار باشد و ترسان و امیدوار نباشد تا برای آنچه می‌ترسد و امیدوار است عمل کند.

۲- امام صادق (ع) فرمود:

كَانَ أَبِي عَلِيهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عِبِيدِ مُؤْمِنٍ إِلَّا [وَأَفَى قَلْبِهِ نُورَانِ نُورٌ خَيْفَهُ وَ نُورٌ رَجَاءٍ لَوْ وَزِنَ هَذَا لَمْ يَزِدْ عَلَى هَذَا وَ لَوْ وَزِنَ هَذَا لَمْ يَزِدْ عَلَى هَذَا. (۲)

پدرم فرمود: هیچ بنده مؤمنی نیست جز آن که در دلش دو نور است: نور ترس و نور امید، اگر این، وزن شود، از آن افزون نباشد و اگر آن، وزن شود، از این افزون نباشد.

۳- امام صادق (ع) فرمود:

يَتَّبِعِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَخَافَ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَوْفًا كَأَنَّهُ مُشْرِفٌ عَلَى النَّارِ وَ يَرْجُوهُ رَجَاءً كَأَنَّهُ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ. (۳)

سزاوار است برای مؤمن که بترسد از خدا، گویا که او مشرف بر آتش است و آن چنان به او امید داشته باشد گویا از اهل بهشت است.

۴- امام علی (ع) فرمود:

۱- اصول کافی، ۳/ ۱۱۴

۲- همان، ۳/ ۱۱۴

۳- وسائل الشیعه، ۱۱/ ۱۸۱

ص: ۸۷

يَا بَنِي خَفِ اللَّهَ خَوْفًا أَنْتَكَ لَوْ أَتَيْتَهُ بِحَسَنَاتِ أَهْلِ الْأَرْضِ لَمْ يَقْبَلْهَا مِنْكَ وَارْجُ اللَّهَ رَجَاءً أَنْتَكَ لَوْ أَتَيْتَهُ بِسَيِّئَاتِ أَهْلِ الْأَرْضِ عَفَرَهَا لَكَ. (۱)

ای پسر من: از خدا بترس آن چنان که اگر حسنات اهل زمین را آوردی شاید از تو قبول نکند. و به او امید داشته باشد، آن چنان که اگر گناهان همه اهل زمین را بر دوش داشتی او تو را می‌بخشد.

۵- امام علی (ع) فرمود:

أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَلْفَيْهِ حَقُّ الْفَقِيهِ مَنْ لَمْ يَقْنَطِ النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ لَمْ يُؤْمِنْهُمْ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ وَ لَمْ يُرْحَضْ لَهُمْ فِي مَعْاصِي اللَّهِ وَ لَمْ يَتْرُكِ الْقُرْآنَ رَغْبَةً عَنْهُ. (۲)

آیا از آن که به حقیقت فقیه است به شما خبر ندهم؟ او کسی است که مردم را از رحمت خدا ناامید نکند و از عذاب خدا ایمن نسازد و به آنها رخصت گناه ندهد و قرآن را ترک نکند از روی اعراض و به چیز دیگر متوجه شود.

۱- الحکم الزاهره، ۲۴۶

۲- اصول کافی، ۴۴/۱

۳. بهره گیری از ضرب المثل و ...

اشاره

(أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَضْيُلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ * تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ) (۱)

آیا ندیدی خدا چگونه مثل زده: سخنی پاک که مانند درختی پاک است که ریشه‌اش استوار و شاخه‌اش در آسمان است؟ میوه‌اش را هر دم به اذن پروردگارش می‌دهد. و خدا مَثَلها را برای مردم می‌زند، شاید که آنان پند گیرند. تنوع‌طلبی از ویژگی‌های انسان است که انسان‌ها به آن علاقه‌مند هستند. در یک جلسه که حدود یک ساعت یا کمتر برگزار می‌شود، مبلغ باید علاوه بر آیات قرآن و روایات از به کارگیری ابزار تبلیغی دیگر نیز غافل نباشد. استفاده از ضرب‌المثل‌های معروف و یا بهتر از آن ضرب‌المثل‌های قرآنی که در کتاب‌هایی مثل امثال القرآن جمع آوری شده است و همچنین بهره‌مندی از اشعار و پندیات ارزشمند شعرای بزرگ مثل صائب تبریزی و غیره ... که متناسب با بحث باشد، بر

ص: ۸۹

جذابیت سخنان مبلغ افزوده و خستگی را از روح و جان مستمعین خارج خواهد کرد. سخنرانی باید معجونی گوارا از کلام خداوند و معصومین (علیهم السلام) باشد که عجین با تاریخ و داستان‌ها و ضرب‌المثل‌ها و اشعار زیبای پر محتوا شده است.

یک خاطره، یک عبرت

در شب‌های شنبه در منزل پدری خود، هر هفته سخنرانی می‌کردم و مستمع من مرحوم پدر و مادر و برادرانم بودند و این یک جلسه وعظ، همراه با تمرین و مشخص کردن عیوب سخنرانی‌ام بود، در طی یک سال که ادامه داشت، تجربیات مفیدی از ایشان کسب کردم. (۱)

در یک جلسه به من فرمودند: آیه قرآن و روایت معصومین (علیهم السلام) همچون مقداری عسل است که اگر چندین مرتبه از آن به کسی خورانده شود قدرت هضم کردن آن را ندارد، لذا برای این که هم گوارا شود و هم قابل هضم و مشمئز کننده نباشد باید با شیر یا چیز دیگر مخلوط شود، شما نیز باید آیات قرآن را پیوسته و زیاد، آن‌هم در یک جلسه بکار ببرید، روایات زیاد در یک جلسه برای مردم قابل هضم نیست و اکثر آن روایات ضایع می‌شود. یک روایت یا آیه قرآن را با داستان‌ها و ضرب‌المثل‌ها و اشعار ضمیمه کنید تا گواراتر و مفیدتر باشد.

۱- این جلسه متأسفانه با فوت پدرم ادامه نیافت.

ص: ۹۰

روایات

۱- امام صادق (ع) می‌فرماید:

أَمْثَالُ الْقُرْآنِ لَهَا فَوَائِدٌ فَاْمَعْنُوا النَّظَرَ فَتَفَكَّرُوا فِي مَعَانِيهَا وَلَا تَمَرُّوا بِهَا. (۱)

مثل‌های قرآن فواید زیادی دارد، در آن نظر افکنده و در معانی آن تفکر کنید و از آنها بی‌توجه نگذرید.

۲- امام صادق (ع) می‌فرماید:

نَزَلَ الْقُرْآنُ عَلَى أَرْبَعَةِ أَرْبَاعٍ رُبْعٍ فِينَا وَرُبْعٍ فِي عَدُوِّنَا وَرُبْعٍ فِي فَرَائِضٍ وَأَحْكَامٍ وَرُبْعٍ سُنَنِ وَأَمْثَالٍ. (۲)

قرآن بر ۴ جزء نازل شده یک قسمت درباره ماست و قسمتی درباره دشمنان ما و قسمت سوم در واجبات و احکام دینی و قسمت چهارم در مستحبات و مثل‌های زیبا.

۳- امام سجاد (ع) فرمود: خدایا قرآن را برای ما در تاریکی‌های شب‌ها مونس قرار بده ... تا فهم عجایب و نکته‌های دقیق مثل‌هایش

در قلوب ما قرار گیرد. (۳)

۱- ریاض السالکین، ج ۵، ص ۴۶۱

۲- بحار الانوار، ج ۸ (ص)، ص ۷۴ و ۱۱۴

۳- صحیفه سجادیه، دعای ۴۲

ص: ۹۱

۴. ذکر تاریخ و عبرت‌های آن

اشاره

(... أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ) (۱)

آیا در زمین نگردیده‌اند تا فرجام کسانی را که پیش از آنان بوده‌اند بنگرند؟ و قطعاً سرای آخرت برای کسانی که پرهیزگاری کرده‌اند بهتر است. آیا نمی‌اندیشید؟

یکی از ابزار مبلّغ برای ایجاد جذابیت در مباحث خود استفاده از تاریخ صحیح اسلام می‌باشد. الگو پذیری از ویژگی‌های انسان و معرفی الگوهای کامل، وظیفه مبلّغ دینی است. برای توضیح موضوع مورد بحث و تعیین مصادیق خارجی آن باید از زندگی پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (علیهم السلام) بهره برد و همچنین بیان تاریخ گذشتگان و خطاهای آنان، از مؤثرترین ابزار تبلیغی برای ایجاد تقوی و دوری از گناه در جامعه است.

قرآن کریم هم از این وسیله برای یادآوری آثار سوء گناهان و یا پاداش نیکوی اعمال حسنه استفاده کرده و آیات زیادی از آن به ذکر

۱- یوسف، ۱۰ (ص)

ص: ۹۲

وقایع و تاریخ گذشتگان از انبیا و غیر ایشان اختصاص یافته است. در این زمینه به کتاب‌های زیادی که در تاریخ اسلام و بیان وقایع آن پرداخته است مثل کتاب پند تاریخ و یا منتهی‌الآمال و تتمه‌المنتهی - تاریخ خلفا و غیره، می‌توان مراجعه کرد.

بیان احوال علما، به دور از شخصیت سازی

استفاده از تاریخ علمای بزرگ و اهل معرفت و ذکر کرامات ایشان نیز بسیار پسندیده است و حاکی از جامعیت اسلام و مکتب اهل بیت (علیهم السلام) است که توانسته این انسان‌های کامل و ارزشمند را تربیت نماید، بیان آن به صورت مختصر و کوتاه مناسب است.

باید توجه داشت، گاهی رفتار و اعمال خارق‌العاده‌ای از علمای دین نقل می‌شود که در عین صحت باید باظرافت خاصی بیان گردد. مبدا تجلیل از علما و ذکر عجایب از ایشان، باعث تضعیف جایگاه امامان و حجت‌های الهی شود. و در ذهن مخاطب چنین القا شود که اگر امامان چنین کردند فلان عالم هم چنین کرد، پس چه فرقی بین آنهاست؟

باید به مردم تذکر داد که این علمای بزرگ هر چه دارند به برکت خدمتگزاری به مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و ارادتشان به آن بزرگواران است و از خود هیچ نداشته و ندارند.

ص: ۹۳

روایات

۱- امام علی (ع) فرمود:

مَا أَكْثَرَ الْعَبْرَ وَ أَقَلَّ الْإِعْتِبَارَ (۱)

عبرت‌ها چه قدر بسیار است ولی عبرت گیرنده کم است.

۲- امام علی (ع) می‌فرماید:

أَيُّ بُنَىٰ إِبْنِي وَ إِن لَّمْ أَكُنْ عُمَرُ عُمَرَ مَنْ كَدَانَ قَبْلِي فَقَدْ نَظَرْتُ فِي أَعْمَالِهِمْ وَ فَكَّرْتُ فِي أَخْيَارِهِمْ وَ سَوَّرْتُ فِي آثَارِهِمْ حَتَّىٰ عُدْتُ كَأَحَدِهِمْ ... (۲)

پسرم درست است که من به اندازه پیشینیان عمر نکرده‌ام، اما در کردار آنها نظر افکندم و در اخبارشان اندیشیدم و در آثارشان سیر کردم تا آنجا که گویا یکی از آنها شده‌ام، بلکه با مطالعه تاریخ آنان گویا از اول تا پایان عمرشان با آنان بوده‌ام. پس قسمت‌های شیرین زندگی آنان را از دوران تیرگی شناختم ... سپس از هر چیزی مهم و ارزشمند آن را و از هر حادثه‌ای، زیبا و شیرین آن را برای تو برگزیدم.

۱- بحار الانوار، ۳۲۷/۷۱

۲- همان.

۵. سخن در حد نیاز (دوری از افراط و تفریط)**اشاره**

(وَ كَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَ صَيَّرْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحَدِّثُ لَهُمْ ذِكْرًا* فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَ لَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَ قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا) (۱)

و این گونه آن را [به صورت] قرآنی عربی نازل کردیم، و در آن از انواع هشدارها سخن آوردیم، شاید آنان راه تقوا در پیش گیرند، یا [این کتاب] پندی تازه برای آنان بیاورد. پس بلندمرتبه است خدا، فرمانروای بر حق، و در [خواندن] قرآن، پیش از آنکه وحی آن بر تو پایان یابد، شتاب مکن، و بگو: «پروردگارا، بر دانشم بیفزای.»

مبلغ باید هر موضوعی را که برای توضیح و تبیین آن تحقیق کرده و آمادگی کامل جهت بیان آن دارد، قبل از تنظیم و تهیه مطالب، بیان نکند و از سخن گفتن در اموری که تخصص ندارد پرهیزد.

آنچه را که میداند و آمادگی دارد، ولی مصلحت بر ذکر آن نیست

ص: ۹۵

را کنار گذاشته و مورد بحث قرار ندهد. همیشه توجه داشته باشد که، همه آنچه را می‌داند، یا قابل گفتن نیست و یا صلاح بر ذکر آن نمی‌باشد.

پس به این ترتیب:

۱- چیزی را که میداند و مطالعه داشته است مورد بحث قرار دهد.

۲- بعد از ورود به بحث، از افراط و تفریط در بحث پرهیز کند. از گفتن مسائلی که برای فهم مطلب لازم است دریغ نکند و از حاشیه پردازی فراوان و طولانی کردن سخنرانی، بدون جهت نیز جداً دوری کند.

روایات

۱- امام علی (ع) فرمود:

لَا تَرَى الْجَاهِلَ إِلَّا مُفْرَطًا أَوْ مُفْرَطًا. (۱)

نادان را یا تندرو و یا کندرو می‌بینی.

۲- امام علی (ع) فرمود:

الْكَلَامُ بَيْنَ خُلَّتَيْ سُوءٍ هُمَا: الْاِكْتَاؤُ وَالْاَقْلَالُ فَالْاِكْتَاؤُ هَذَرٌ وَالْاَقْلَالُ عَيٌّْ وَحَضْرٌ. (۲)

کلام بین دو دوست بد قرار دارد زیاده‌گویی و کوتاهی در بیان و حجت. زیاده‌گویی خطا و خروج از اصل مطلب است و کم‌گویی ناتوانی و عجز (در رساندن و تفهیم مطلب) است.

۱- نهج البلاغه، حکمت ۷۰

۲- میزان الحکمه، ۸/ ۴۴۴

ص: ۹۶

۳- امام علی (ع) می‌فرماید:

الْعَاقِلُ لَا يَتَكَلَّمُ إِلَّا بِحَاجَتِهِ أَوْ حُجَّتِهِ. (۱)

عقل سخن نمی‌گوید مگر در جایی که نیاز است یا وظیفه‌اش سخن گفتن است.

۴- امام علی (ع) فرمود:

خَيْرُ الْكَلَامِ مَا لَا يَمِلُّ وَلَا يَقِلُّ. (۲)

بهترین کلام آن است که نه زیاد و ملال آور باشد و نه کم و مضر به مطلب.

۱- میزان الحکمه، ۸/ ۴۴۴

۲- همان.

ص: ۹۷

۶. پرهیز از اطاله کلام

اشاره

الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَبَابِ

به سخن گوش فرا می‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند؛ اینانند که خدایشان راه نموده و اینانند همان خردمندان. بهترین سخنان زمانی در دل‌ها و قلب‌ها قرار می‌گیرد که همه مقتضیات برای یادگیری فراهم باشد و گوینده و شنونده هر دو در حال ایده‌آل به سر ببرند. خستگی گوینده و عدم قوت او در زمان تبلیغ و همچنین خستگی شنوندگان به خاطر مشکلات کاری و یا عدم انتخاب زمان صحیح برای سخنرانی و تبلیغ، همه از اموری است که باعث افت تأثیر گذاری در تبلیغ مخاطب است و مضافاً به این امور، توضیح زیاد و اطاله کلام، بیشتر از حد ضرورت نیز باعث پراکندگی حواس مخاطبین شده و رغبت گوش دادن را از آن‌ها می‌گیرد.

به همین جهت مبلغ باید سخنش را جامع و بدون نقص در وقت تعیین شده و در زمانی که بالاترین حد تأثیر گذاری را دارد بیان کند و به موقع به سخنش پایان دهد تا لذت مطالب گفته شده در کام مخاطب به تلخی تبدیل نشود.

ص: ۹۸

اطاله کلام بدون علت

اطاله کلام از نظر زمانی، برای هدف مبالغه مضر است، مخصوصاً اگر مبالغه سخنی برای گفتن ندارد، یا مطالب تنظیم شده پایان یافته و او تصمیم دارد به جهات دیگر سخن خود را طولانی کند، که در آن صورت اشمئزاز حاصل شده برای مخاطبین و عدم توجه مبالغه به وقت آنان باعث دوری آنان از کلیه جلسات دینی و بی رغبتی نسبت به شرکت در آن می‌شود.

گاهی دیر رسیدن مداح و یا آماده نبودن غذا از مواردی است که صاحب محفل از سخنران محترم تقاضا می‌کند مقداری سخنرانی را ادامه دهد، که در این صورت، سخنران چیزی جز وسیله سرگرم کردن مردم نخواهد بود. البته روشن است که به مقدار کم، که مضر به هدف نباشد و جمع بین غرض‌ها شود، مانعی ندارد.

روایات

۱- پیامبر اکرم (ص) فرمود، از وصایای خضر به موسی (ع) است که:

فَأَنْ كَثْرَةَ النُّطْقِ تَشِينُ الْعُلَمَاءَ وَ تَبْجِدِي مُسَاوِي السُّخْفَاءِ (۱)

زیادی در نطق و سخن، مایه بی آبرویی علما و آشکار شدن بدی انسان‌های پست می‌شود.

۲- امام علی (ع) فرمود:

كثْرَةُ الْكَلَامِ تَبْسُطُ حَوَاشِيَهُ وَ تَنْقُصُ مَعَانِيَهُ فَلَا يُرَى لَهُ أَمَدٌ وَ

۱- میزان الحکمه، ۸/ ۴۳ (ص)

ص: ۹۹

لَا يَنْتَفِعُ بِهِ أَحَدٌ. (۱)

زیادی گفتار باعث می‌شود که حواشی بحث بیشتر و معنا و حقیقت کمتر شود پس نهایی برایش نیست و کسی هم نفع و بهره نمی‌برد.

۳- امام علی (ع) فرمود:

آفَةُ الْكَلَامِ الْإِطَالَةُ (۲)

آفت کلام طولانی شدن آن است.

۴- امام علی (ع) فرمود:

إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ. (۳)

وقتی عقل کامل شود، سخن کم می‌شود.

۵- امام علی (ع) فرمود:

أَقْلِلِ الْكَلَامَ تَأْمَنِ الْمَلَامَ. (۴)

کلام و سخن را کم کن، از ملامت دیگران در امان خواهی بود.

۶- امام صادق (ع) در شرح و توضیح آیه شریفه ۱۸ از سوره زمر چنین فرمود:

هُوَ رَجُلٌ يَسْمَعُ الْحَدِيثَ فَيَحَدِّثُ بِهِ كَمَا تَسْمَعُهُ لَا يَزِيدُ فِيهِ وَلَا يَنْقُصُ مِنْهُ. (۵)

او مردی است که حدیث را آن‌چنان که شنیده است نقل می‌کند، نه بر آن می‌افزاید و نه کم می‌کند.

۱- میزان الحکمه، ۸ / ۴۳ (ص)

۲- همان

۳- نهج البلاغه، حکمت ۷۱

۴- میزان الحکمه، ۸ / ۴۴۱- غررالحکم، حدیث ۸۴۱۱

۵- اصول کافی ۱ / ۶۵

ص: ۱۰۰

۷. علمی و عمیق ولی قابل درک و فهم

اشاره

(وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ)
(۱)

و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم، تا [حقایق را] برای آنان بیان کند. پس خدا هر که را بخواهد بی‌راه می‌گذارد و هر که را بخواهد هدایت می‌کند، و اوست ارجمند حکیم.

هدف مبلغ رساندن مفاهیم عالیه دین به مخاطب است و بزرگترین هنر او سخن گفتن در حد درک و فهم مخاطبین است. هنر این نیست که انسان در کلام خودش کلمات خاص و یا اصطلاحات علمی یا بیگانه را تکرار کرده و از آن کلمات استفاده کند. استفاده از چنین کلماتی از جانب مبلغ، نشان علم و دانش او هم نیست.

بالا-ترین هنر مبلغ این است که بتواند سخت‌ترین مفاهیم و مشکل‌ترین مباحث عقلی و کلامی و یا اصطلاحات خاص علمی را به ساده‌ترین زبان برای مخاطب قابل فهم و درک کند، پس در عین علمی بودن، مطالب باید با زبانی ساده و قابل فهم بیان شود.

ص: ۱۰۱

دین اسلام دین فطرت و آیین همگانی و قابل درک برای همه است؛ پس مبلغ موفق آن است که مخاطب شناس باشد، برای صاحبان علم و آشنا به اصطلاحات روز، متناسب با آنها سخن بگوید و با مردم دیگر، ساده و گویا، مطالب دینی را بیان کند.

روایات

۱- پیامبر اکرم (ص) فرمود:

إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ. (۱)

ما انبیا با مردم به اندازه درک و توانایی فکری آنها سخن می‌گوییم.

۲- امام سجاد (ع) فرمود:

... أَنَّهُ يَحْمِلُ وَ تَخْرُجُ الْمُخْرَجَ الَّذِي يَلِينُ عَلَى مَسَامِعِهِ وَ تَكَلِّمُهُ مِنَ الْكَلَامِ بِمَا يُطِيقُهُ عَقْلُهُ فَإِنَّ لِكُلِّ عَقْلٍ طَبَقَهُ

مِنَ الْكَلَامِ يَعْرِفُهُ وَ يَجْتَنِبُهُ وَ لِيَكُنْ مَذْهَبُكَ

الرَّحْمَهُ

وَ لَا

قُوَّةَ

الَّا بِاللَّهِ. (۲)

باید بدانی که او حمل می‌کند آنچه را می‌گویی و در ذهن قرار می‌دهد، پس باید آنچه به او می‌گویی برای او قابل فهم و درک باشد و از کلام، سخنانی را بگویی که عقل او تحمل کند چرا که هر عقلی را نوعی از کلام است که آنرا می‌شناسد و درک می‌کند پس روش خود را بر رحمت و مدارا قرار بده.

۱- کافی، ۲/۲۳، به نقل از تبلیغ، ۲ (ص) ۶

۲- تحف العقول، ۲۶ (ص)- رساله حقوق

ص: ۱۰۲

۳- از امام صادق (ع) سؤال شد، بلاغت چیست؟ فرمود:

«إِنَّمَا سُمِّيَ الْبَلِيغَ لِأَنَّهُ يَبْلُغُ حَاجَتَهُ بِأَهْوَنِ سَعْيِهِ» (۱)

شخص بلیغ را بلیغ نامیده‌اند زیرا به حاجت خود با کمترین مؤونه و تلاش دست می‌یابد.

۴- امام علی (ع) فرمود:

أَحْسَنُ الْكَلَامِ مَا زَانَهُ حُسْنُ النُّظَامِ وَفَهَمَهُ الْخَاصُّ وَالْعَامُّ. (۲)

بهترین کلام آن است که بر نظم و معیار سخن استوار بوده و خاص و عام آن را بفهمند.

۱- تحف العقول، ۳۵ (ص)

۲- میزان الحکمه، ۸، ۴۴۸

ص: ۱۰۳

۸. محکم و متقن سخن گفتن

اشاره

(یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا) (۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا دارید و سخنی استوار گوئید.

(وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَ لْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا) (۲)

و آنان که اگر فرزندان ناتوانی از خود بر جای بگذارند بر [آینده] آنان بیم دارند، باید [از ستم بر یتیمان مردم نیز] بترسند. پس باید از خدا پروا دارند و سخنی [بجا و] درست گویند.

از ویژگی‌های مهم برای سخنرانان و خطبا اعتماد به نفس است. کسی که قبل از ورود به بحث، تحقیقات لازم را داشته و در بیشتر از حد نیاز مجلس، معلومات فراوانی را در اختیار دارد و با اساتید مشورت نموده است دیگر دلیلی برای ترس و اضطراب ندارد، پس به تحقیق خود تکیه کرده و به علم و یافته‌های خود مطمئن باشد.

۱- احزاب، ۷۰

۲- نساء، (ص)

ص: ۱۰۴

در بعضی افراد، اعتماد به نفس کمتری مشاهده می‌شود، با این که مطلب را یادداشت کرده است، به حق پیرامون آن مطالعه کرده و نیاز زمان و محفل را هم درک نموده است، ولی از گفتن مطالب خود واهمه دارد و تردید او را بیش از گذشته سردرگم می‌کند. این گونه افراد برای به دست آوردن اعتماد به نفس باید به امور ذیل توجه داشته باشند:

۱- محکم و متقن و با دلیل و برهان سخن بگوید و برای سخنان خود دلیل و شاهد داشته باشد.

۲- از بیان هر گونه سخنان مشکوک و یا غیر قابل اعتماد پرهیز نماید.

۳- در صورت لزوم بیان چنین مواردی، مثل نقل سخنی از دانشمندی که نام آن را نمی‌داند و یا بیان تاریخی که صحیح و کامل در خاطر نمانده است، حتماً از کلماتی که حاکی از احتمال و یا گمان باشد استفاده شود، مثلاً بگویند: احتمالاً این سخن از فلان دانشمند و عالم می‌باشد و یا شاید چنین باشد که این واقعه در زمان امام صادق (ع) بوده است و یا این که، این سخن نیاز به تحقیق بیشتر دارد.

به این وسیله، هم مطلب را که مفید و لازم بوده بیان نموده است و هم دچار اشتباه و نقل غیر صحیح نشده است.

ص: ۱۰۵

روایات

۱- امام حسن عسکری (ع) فرمود:

النَّاسُ فِيَّ عَلَى طَبَقَاتٍ الْمُسْتَبَصِرُ عَلَى سَبِيلِ نَجَاهٍ مُتَمَسِّكٌ بِالْحَقِّ مُتَعَلِّقٌ بِفُرُوعِ الْأَصْلِ غَيْرُ شَاكٍ وَلَا مُرْتَابٍ لَا يَجِدُ عَنِّي مَلْجَأً وَطَبَقَةٌ لَمْ تَأْخُذِ الْحَقَّ مِنْ أَهْلِهِ فَهُمْ كَرَائِبِ الْبَحْرِ يَمُوجُ عِنْدَ مَوْجِهِ وَيَسْكُنُ عِنْدَ سِكَوْنِهِ وَطَبَقَةٌ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ شَأْنُهُمُ الرَّذُّ عَلَى أَهْلِ الْحَقِّ وَدَفَعُ الْحَقُّ بِالْبَاطِلِ حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ. (۱)

مردم در نزد من سه گروهند: گروهی که با بینش و آگاهی در راه نجات قرار دارند و (با استدلال و برهان) به ریسمان محکم حق (قرآن و عترت پیامبر (ص)) چنگ زده‌اند و اصل دین را شناخته و فروع را به آن تطبیق می‌دهند و در این راه تردیدی ندارند و به غیر از من پناه نبرده‌اند (حق و طرفدار حق هستند). و گروهی که حق را از اهلش نگرفته‌اند، در نتیجه مثل راکب دریا هستند، هر گاه موجی باشد حرکت می‌کنند و در سکون و آرامش آن آرامند (مصلحت اندیشان رفاه طلب). و گروه سوم کسانی هستند که شیطان آنها را احاطه کرده و کاری جز کوبیدن حق نداشته و همیشه می‌خواهند از حق به وسیله باطل خود جلوگیری کنند و این به خاطر حسادت است که در درون دارند. (مفسدین و مستکبرین).

۱- بحار الانوار، ۳۷۰ / ۷۸ و تحلیلی از زندگی امام حسن عسکری ۷، (ص) ۸

ص: ۱۰۶

۹. اولویت سنجی با توجه به نیازهای واقعی مخاطبان

اشاره

(إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ* إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ* فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاطِيعُونَ* وَمَا أَسئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ* أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ* وَزِنُوا بِالْقِسْطِ أَسْبَغِ الْمِيزَانَ الْمُسْتَقِيمَ* وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْنُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ* وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالْجِبِلَّ الْأُولِينَ) (۱)

آنگاه که شعیب به آنان گفت: «آیا پروا ندارید؟ من برای شما فرستاده‌ای درخور اعتمادم. از خدا پروا دارید و فرمانم ببرید. و بر این [رسالت] [اجری از شما طلب نمی‌کنم. اجر من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست. پیمانۀ را تمام دهید و از کم‌فروشان مباشید. و با ترازوی درست بسنجید. و از ارزش اموال مردم مکاهید و در زمین سر به فساد برمدارید. و از آن کس که شما و خلق] انبوه [گذشته را آفریده است پروا کنید.»

عالمان را طیب‌های معنوی می‌دانند. طیب به تناسب حال مریض

ص: ۱۰۷

سخن می‌گوید و نسخه می‌پیچد. طبیعی که یک نوع سخن بگوید و یک نسخه را همیشه بنویسد حاذق نیست. درک صحیح و تشخیص درست بیماری و همچنین رعایت حال وی در تجویز دارو، از مهم‌ترین وظایف طبیب حاذق است. یک عالم دینی و یک مبلغ موفق باید همچون طبیب، از حال افراد و مخاطبان خود باخبر باشد، مشکلات واقعی زندگی آن‌ها را بشناسد، با دردهای مردم آشنا باشد تا بتواند در سخنان خود مهم‌ترین مسائل و راه درمان دردهای زندگی آنان را بیان کند. اگر مبلغ دینی، مطالبی را که خود دوست دارد، در هر مجلسی و بدون در نظر گرفتن روحیات مخاطبان بیان کند، در واقع خود را راضی و دیدگاه خود را بر دیگران تحمیل کرده است.

جایی که مردم نیاز به تذکرات اخلاقی و خانوادگی دارند، طرح مباحث اعتقادی و یا عرفانی، کم‌ثمر است. در محفلی که نیاز آنان ارتباط با خدا و مباحث عرفانی است، مباحث ساده اخلاقی را بازگو کردن باعث بی‌توجهی و یا کم‌توجهی مخاطبان به سخنان خواهد شد و طبعاً در چنین حالتی انرژی و توان و وقت و اموال، بجا و صحیح مصرف و هزینه نشده است. همانگونه که در سوره شعراء، خداوند داستان انبیا را بیان کرده است، که هر کدام به مشکل اصلی و درد مهم جامعه در آن روز اشاره کرده‌اند و به دنبال ریشه‌کن نمودن گناه آنان بوده‌اند، موسی (ع) و مشکل نجات بنی‌اسرائیل از

ص: ۱۰۸

چنگ فرعونیان و ادعای خدایی او، ابراهیم (ع) و نجات امت از بت پرستی، هود (ع) و مبارزه با قصر سازی و دنیا طلبی، صالح (ع) و مبارزه با تفریحات ناسالم قوم ثمود، لوط (ع) و مبارزه با گناه بزرگ امتش، شعیب (ع) و مبارزه با کم فروشی و خیانت در معاملات. در تمام سوره شعراء، که گفتگوی پیامبران و امت‌های آنان است، برای هر پیامبری در برابر قومش علاوه بر دعوت به توحید، پیامی خاص وجود دارد، یعنی آنان متناسب با جامعه و دردهای معنوی آنان نسخه می‌پیچیدند نه غیر آن. همچنین تفاوت معجزات پیامبران نشانگر این است که برای هر گروهی، ابزار مبارزاتی متناسب با آن لازم است.

چگونگی عکس العمل مخاطب

مخاطبین وقتی مطالبی غیر متناسب با خود و زندگی خود می‌شنوند، احساس می‌کنند، آن سخنان درد آنها را دوا نخواهد کرد و مفید نیست، پس به مطالب سخنان گوش نمی‌دهند. و اینجاست که مبلغ و روحانی، شخصیت خود را کوچک کرده است، زیرا در چنین حالتی، مستمعین یا چرت می‌زنند، یا با هم سخن می‌گویند، یا رفت و آمدهای غیر معمول دارند.

ص: ۱۰۹

روایات

۱- پیامبر اکرم (ص) فرمود:

يَا عَلِيُّ تَمَائِيهٌ اِنْ اُهِنُوا فَلَا يَلُومُوا اِلَّا اَنْفُسَهُمْ الدَّاهِبُ اِلَى مَا بَدَهُ لَمْ يُدْعَ اِلَيْهَا وَ الْمُتَأَمِّرُ عَلَيَّ رَبُّ الْبَيْتِ وَ طَالِبُ الْخَيْرِ مِنْ اَعْدَائِهِ وَ طَالِبُ الْفَضْلِ مِنَ اللِّئَامِ وَ الدَّاخِلُ بَيْنَ اثْنَيْنِ فِي سِرِّ لَمْ يُدْخِلْهُ فِيهِ وَ الْمُسْتَخْفُ بِالسُّلْطَانِ وَ الْجَالِسُ فِي مَجْلِسٍ لَيْسَ لَهُ بِأَهْلٍ وَ الْمُقْبِلُ بِالْحَدِيثِ عَلَيَّ مَنْ لَا يَسْمَعُ مِنْهُ. (۱)

ای علی هشت گروه اگر مورد اهانت واقع شدند ملامت نکنند مگر خودشان را:

- ۱- کسی که به میهمانی‌ای رود که دعوت به آن نشده است.
 - ۲- کسی که به صاحب خانه امر و نهی می‌کند.
 - ۳- کسی که از دشمنش توقع خیر و خوبی دارد.
 - ۴- کسی که از مردم پست انتظار کرم دارد.
 - ۵- کسی که بین دو نفر و در سخن سری ایشان وارد شود.
 - ۶- کسی که سلطان و حاکم را تحقیر و سبک شمارد.
 - ۷- کسی که به محفلی رود که در شأن او نیست و اهلیت آن را ندارد.
 - ۸- کسی که با افرادی سخن بگوید که به سخنان او گوش نمی‌دهند.
- ۲- امام سجاد (ع) در رساله حقوق، حق دیگران بر گردن عالم دینی را چنین می‌فرماید:

۱- خصال شیخ صدوق، ۴۱۰

ص: ۱۱۰

فَإِنْ أَحْسَيْتَ فِيمَا وَّلَاكَ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ وَقُمْتَ بِهِ لَهُمْ مَقَامَ الْخَازِنِ الشَّفِيقِ النَّاصِحِ لِمَوْلَاهُ فِي عَيْدِهِ الصَّابِرِ الْمُحْتَسِبِ الَّذِي إِذَا رَأَى ذَا حَاجَةٍ أَخْرَجَ لَهُ مِنَ الْأَمْوَالِ الَّتِي فِي يَدَيْهِ [كُنْتَ] رَاشِدًا. (۱)

اگر نیکو سرپرستی کردی و به مثابه خزانهداری مهربان و خیرخواه بودی که هرگاه نیازمندی را دید از اموالی که در خزانه دارد به او می‌داد، هر آینه موجب رشد دیگران خواهی بود (علم در دست عالم، همچون گنج در دست اوست که با برخورد به نیازمند آنچه را نیاز دارد به او می‌دهد).

۳- امام صادق (ع) فرمود:

لَا تَكَلِّمْ بِمَا لَا يَعْنِيكَ وَ دَعْ كَثِيرًا مِنَ الْكَلَامِ فِيمَا يَعْنِيكَ حَتَّى تَجِدَ لَهُ مَوْضِعًا قَرِيبًا مُتَكَلِّمًا تَكَلِّمُ بِالْحَقِّ بِمَا يَعْنِيهِ فِي غَيْرِ مَوْضِعٍ عِهِ فَتَعَب. (۲)

به آنچه فایده‌ای ندارد سخن مگو و بسیاری از سخنان مفید را تا موضع و محلی بر آن نیافته‌ای بر زبان میاور، چه بسیار کسانی که سخن حق و مفید را در غیر موضع خود گفته‌اند و به خاطر آن به رنج و سختی افتاده‌اند.

۴- رسول خدا (ص) فرمود:

أَفَةُ الْعِلْمِ التَّسْيَانُ وَ اضَاعَتُهُ أَنْ تُحَدِّثَ بِهِ غَيْرَ أَهْلِهِ. (۳)

آفت علم فراموشی است و ضایع کردنش به این که برای غیر اهلش گفته شود.

۱- تحف العقول، ۲۶۱

۲- همان، ۳۷ (ص)

۳- کنز العمال، به نقل از تبلیغ در قرآن و حدیث، ۲ (ص) ۰

ص: ۱۱۱

۱۰. رعایت مناسبت‌های ویژه

اشاره

(وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ) (۱)

و در حقیقت، موسی را با آیات خود فرستادیم] و به او فرمودیم [که قوم خود را از تاریکیها به سوی روشنایی بیرون آور، و روزهای خدا را به آنان یادآوری کن، که قطعاً در این] یادآوری [برای هر شکیبایی سپاسگزاری عبرت‌ناست.

مجالسی که در مناسبت‌های خاص و یا در زمان موالید ائمه: و یا شهادت ایشان برگزار می‌گردد و یا به‌طور کلی در ماه‌های خاص مثل رجب، شعبان، رمضان و غیره تشکیل می‌شود به‌صورت ضمنی جهت‌دهی منبر را مشخص می‌کند. مبالغ در هر زمینه‌ای - اعتقادی و اخلاقی و اجتماعی - بخواهد سخن گوید، باید اشاره‌ای به این مناسبت‌ها داشته باشد.

از میان معارف موجود برای این ماه‌ها، و وقایع تاریخی مرتبط با آن، بسیاری از کلمات دینی را می‌توان به مردم منتقل کرد. در دعاها،

ص: ۱۱۲

تعقیبات نماز، مناجات‌ها و یا احادیث پر بار اهل بیت (علیهم السلام) همه چیز نهفته است و فقط مراجعه، مطالعه و انس با آن است که نیاز یک مبلغ را برطرف می‌کند.

در مراجعه به بعضی مجالس مشاهده می‌شود که مبلغ و یا سخنران به گونه‌ای دور از مناسبت خاص سخن می‌گویند که به خوبی عدم مطالعه او در این مناسبت و عدم رجوعش به کتاب‌ها در این زمینه ملموس است، او از محفوظات گذشته خود در موضوعات متفرقه، وقت منبر و مجلس را پر می‌نماید.

توجه به مناسبت‌های ویژه متناسب با مستمعین

مبلغ باید مناسبت‌های زمانی و مکانی را با حال مستمعین متناسب کرده و سخنی را مطرح کند که ضمن در برداشتن مناسبت‌های ویژه متناسب با مخاطب اعم از جوانان، زنان، دولت مردان، کارمندان، کارگران، معلمان و اساتید باشد.

درباره هر اندیشه و فکری و در اطراف موضوعات مرتبط با هر گروه، مطالب بسیاری است که می‌تواند مورد بحث قرار گیرد، ولی باید مهم‌ترین و بهترین را انتخاب کرد.

پس در یک محفل، گزینه‌های متفاوت باید مد نظر مبلغ باشد:

- ۱- مناسبت زمانی و مکانی
- ۲- علم و ویژگی‌های مخاطبین
- ۳- انتخاب موضوعی که متناسب با این دو باشد.

ص: ۱۱۳

روایات

۱- امام علی (ع) فرمود:

لِكُلِّ مَقَامٍ مَقَالٌ (۱)

برای هر موقعیت و جایگاهی، سخنی مرتبط با آن لازم است.

۲- پیامبر اکرم (ص) فرمود:

الْعِلْمُ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصَى فَخُذْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ أَحْسَنَهُ. (۲)

علم زیادتر از آن است که شمرده شود، پس از هر چیزی بهترین آن را بگیر.

۳- امام علی (ع) فرمود:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ

(ص)

يَخْطُبُنَا فَيَذَكِّرُنَا بِآيَاتِ اللَّهِ. (۳)

رسول خدا (ص) هرگاه خطبه می‌خواند ما را به آیات الله یادآوری می‌کرد.

۱- میزان الحکمه، ۸ / ۴۵۲

۲- همان، ۶ / ۵۲۸

۳- کنز العمال، به نقل از تبلیغ در قرآن و حدیث، ۱۳۴

ص: ۱۱۴

۱۱. توجه به نظم و انضباط در زمان جلسات

اشاره

(بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ) (۱)

آری، هر که به پیمان خود وفا کند، و پرهیزگاری نماید، بی تردید خداوند، پرهیزگاران را دوست دارد. تمام رفتار مبلغین عزیز در تحت نظر و مراقبت شدید مردم است. گاهی یک عمل مباح و یا مکروه که از جایگاه روحانی و معنوی یک مبلغ دینی بعید است، باعث دوری افراد از او شده و سخنان او را بی تأثیر می‌نماید. گاهی یک عمل خلاف شأن روحانی، او را از دید مستمعین می‌اندازد و تمام علم و فضل او را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد، تا چه رسد به این که یک روحانی و سخنران دچار معصیتی شود و یا حقوق دیگران را نادیده بگیرد.

وقتی صاحب مجلس و مستمعین منتظر آمدن شخص مبلغ هستند و وقت خود را جهت شنیدن آیات و روایات گذاشته‌اند، اما ببینند در ساعت مقرر مجلس شروع نشد و علت آن بی نظمی سخنران و یا بدقولی

ص: ۱۱۵

او می‌باشد، نسبت به این قشر عظیم مبلغین دین چه دیدگاهی پیدا خواهند کرد؟ گاهی عزیزان روحانی تعداد جلساتی را که متعهد به شرکت و سخنرانی در آن می‌شوند، در یک شب آنقدر زیاد است که حتی فرصت استراحت در بین آن را ندارند و از مجلسی به مجلس دیگر دویدن و نگاه‌های تند و معنا دار مردم آنقدر او را از چشم مردم می‌اندازد که چندین عذرخواهی و عذرتراشی هم قانع کننده آنان نیست.

رعایت تقوا در گرو رعایت نظم

تقوا و پاکی در گرو نظم حاصل می‌شود و کسی که نظم ندارد بی‌شک بی‌تقوایی کرده است. مبلغ باید سعی نماید در مدت زمانی که به مجالس گوناگون قول می‌دهد، نسبت به رفت و آمد از مجلسی به مجلس دیگر و حتی برای پاسخ‌گویی به سؤالات مستمعین بعد از جلسه، نیز زمانی را اختصاص دهد تا دچار مشکل نشود.

در وصیت حضرت علی (ع)، تقوا در کنار نظم آمده است، یعنی یکی از راه‌های رسیدن به تقوا، نظم در کارهاست و بی‌نظمی باعث گناه و یا ظلم به دیگران خواهد بود.

ص: ۱۱۶

روایات

۱- امام علی (ع) فرمود:

أَوْصِيكُمْمَا وَ جَمِيعِ وُلْدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ (۱)

شما (حسن و حسین (علیهم السلام)) و همه فرزندانم و اهل و عیالم و هر کس نامه‌ام به او می‌رسد سفایش می‌کنم به تقوای الهی و نظم در کارها.

۲- امام علی (ع) می‌فرماید:

الْمُسْتُولُ حُرٌّ حَتَّى يَعِدَ. (۲)

کسی که چیزی از او خواسته‌اند، تا وعده نداده، آزاد است.

۳- امام علی (ع) فرمود:

الْمُنْعُ الْجَمِيلُ أَحْسَنُ مِنَ الْوَعْدِ الطَّوِيلِ. (۳)

رد کردن دیگران به صورت زیبا، بهتر است از وعده دادن و آن‌ها را معطل خود کردن.

۴- امام علی (ع) فرمود:

لَا تَعِدَنَّ عِدَّةً لَا تَتَّقِي مِنْ نَفْسِكَ بِإِنجَازِهَا. (۴)

به چیزی که اطمینان به برآورده کردن آن نداری وعده نده.

۵- امام صادق (ع) فرمود: پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

إِنَّ أَقْرَبَكُمْ مِنِّي غَدَاً وَ أَوْجَبُكُمْ عَلَيَّ شَفَاعَةٌ أَصْدَقُكُمْ

۱- نهج البلاغه، نامه ۴۷

۲- همان، حکمت ۳۳۶

۳- غرر الحکم، به نقل از تفسیر المعین، ۵۰

۴- غرر الحکم، ۸۰ / ۲ (ص)

ص: ۱۱۷

لِلْحَدِيثِ وَ آذَاكُمْ لِلْأَمَانَةِ وَ أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا وَ أَقْرَبُكُمْ مِنَ النَّاسِ. (۱)

نزدیک‌ترین شما به من در روز قیامت راستگوترین در گفتار و امانت‌دارترین و با وفاترین (شما در عهد و پیمان) و خوش اخلاق‌ترین و نزدیک‌ترین شما به مردم است.

۶- امام رضا (ع) فرمود:

إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ نَبِيِّ نَزَى مَا وَعَدْنَا عَلَيْنَا دِينًا كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ

(ص)

(۲)

ما اهل بیتی هستیم که آنچه وعده دهیم بر خود دین می‌دانیم، همانگونه که رسول خدا (ص) چنین بود.

۱- بحارالانوار، ۷۵/ (ص) ۴

۲- تحف العقول، ۳۲ (ص)

ص: ۱۱۸

۱۲. هدف، تربیت و اصلاح

اشاره

(هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ) (۱)

اوست آن کس که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد، و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

در یک محفل دینی و یا سخنرانی، تمامی امکانات مادی و معنوی در اختیار مبلغ قرار می‌گیرد. وقت مخاطبین، فکر و ذهن آنها که از با ارزش‌ترین نعمت‌های الهی است در اختیار مبلغ است و یا به عبارت دیگر، مردم این نعمت‌های ارزشمند را در اختیار او می‌گذارند تا مطلبی بر معلوماتشان و نوری بر معرفتشان افزوده شود. مبلغ باید هدف خود را تبلیغ دین و رساندن پیام انبیا قرار دهد، تا در پرتو کلام قرآن و اولیای الهی (علیهم السلام)، مردم به نور هدایت دست یابند.

وظیفه مبلغ در مجالس ترحیم

بعضی از آفات سخنرانی‌های مبلغین این است که، هدف‌ها به فراموشی سپرده شده و سخنان تحت تأثیر وقایع و انگیزه‌های دیگر قرار می‌گیرد. که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف: تعریف و تمجید از اشخاصی که دارای فعالیت‌های نیکو و پسندیده‌ای هستند. تعریف از شخصی که معصوم نیست و احتمالاً در کنار کارهای به‌ظاهر پسندیده، رفتارهای ناپسند دیگری هم داشته باشد، که مبلغ و سخنران از آن بی‌خبر است، در حالی که مردمی که شنونده سخن او هستند آن عیب‌ها را می‌دانند و این تمجیدها موجب تمسخر و یا ریشخند حضار می‌شود. باید در این گونه مواقع، رفتار خوب و عمل پسندیده را تمجید کرد، نه شخص را، همانگونه که در تذکر دادن و نصیحت کردن، باید از عمل زشت فرد ابراز نارضایتی و انزجار کرد نه از شخص.

ب: در محافل سوگواری، مبلغ تمام هدف و همت خود را تزکیه حضار و استفاده صحیح از مجلس سوگواری و حضور عزاداران قرار دهد و در این مکان و زمان که همه دل‌ها متوجه عالم آخرت است تذکرات خود را متوجه حضار کند، تمجید از میت و ذکر کلماتی شبیه خلد آشیان، جنت مکان و که مایه دلخوشی مصیبت دیدگان است، جز از دست دادن زمان نصیحت و فرصت انذار، چیز دیگری عاید مبلغ نمی‌کند.

ص: ۱۲۰

ج: در این گونه مجالس، وظیفه این است که معارف الهی و حکمت پروردگار و ارزش مؤمنین در اطاعت از خداوند را گوشزد کنیم، تسلیم مقدرات خدا بودن و همه مقدرات او را بر خواسته از حکمت دانستن، که از ویژگی‌های مهم مؤمن است، مورد توجه باشد و به پاداش صابری در مصائب و اجر فراوان آنها اشاره شود و اینکه مؤمنان واقعی در مصائب شاکرند و صابر؛ به عالم آخرت توجه دارند و زندگی دنیا را محل گذر و منزل موقت می‌دانند.

روایات

۱- امام رضا (ع) فرمود:

التَّهْنِئَةُ بِأَجْلِ الثَّوَابِ أَوْلَى مِنَ التَّعْزِيَةِ بِعَاجِلِ الْمُصِيبَةِ. (۱)

تهنیت گفتن به خاطر ثواب فراوان آخرتی اولی و سزاوارتر است از تعزیه و تسلیت بر مصیبت دنیایی.

۲- امام باقر (ع) فرمود:

تَعْزِيَةُ الْمُسْلِمِ لِلْمُسْلِمِ الَّذِي يُعْزِيهِ اسْتِرْجَاعٌ عِنْدَهُ وَ تَذَكُّرٌ لِلْمَوْتِ وَ مَا بَعْدَهُ وَ نَحْوُ هَذَا مِنَ الْكَلَامِ. (۲)

تعزیه و تسلیت مسلمان به برادرش به این است که، کلمه استرجاع را نزد او بخواند (إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) و او را یادآوری به مرگ و بعد از مرگ و مانند آن از احوال قیامت کند.

۱- میزان الحکمه، ۷/ ۳۱۰

۲- همان، ۳۰ (ص)

ص: ۱۲۱

۱۳. حفظ آرامش و وقار**اشاره**

(الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ) (۱)

همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد. آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد. حفظ آرامش و اطمینان روحی برای سخنران از ضروری‌ترین مسائل است. او نیازمند تمرکز و توجه خاص به محفل و مطلب مورد بحث است و تمرکز فکر بر مطلب، در زمان آرامش و اعتماد به نفس ممکن است نه در زمان اضطراب و تزلزل روحی، اسباب و عللی که باعث تزلزل روحی می‌شود چند چیز است:

علل تزلزل روحی

- ۱- حضور بعضی از بزرگان یا شخصیت‌های علمی در مجلس
- ۲- خروج بعضی از مستمعین از جلسه، که در ذهن متکلم و گوینده، عدم رضایت او از سخنان خطور خواهد کرد.

ص: ۱۲۲

۳- سؤالات بعضی از مستمعین در بین سخن، در حالی که مبلغ محترم رشته کلام را از دست می‌دهد.

۴- گوشزد کردن خطای گوینده به او از جانب مستمعین

هر کدام از این‌ها به نوعی تشویش خاطر و اضطراب را در گوینده ایجاد می‌کند. لذا با توجه به قسمت‌های قبل که درباره آمادگی کامل و اعتماد به نفس و توکل بیان شد، مبلغ باید کنترل جلسه را همچنان در دست داشته باشد و با ذکر و یاد پروردگار و یا فرستادن صلوات جمعی، ادامه سخنان خود را بیان کند. صبر و تحمل و بی‌تاب نشدن لازمه تبلیغ معارف دین است.

روایات

۱- پیامبر اکرم (ص) در ضمن نصایحی به شمعون فرمودند:

فَطُوبَى لِمَنْ تَوَقَّرَ وَلِمَنْ لَمْ تَكُنْ لَهُ خِيفَةٌ وَلَا جَاهِلِيَّةٌ وَعَفَا وَصَفَحَ (۱)

خوشا به حال کسانی که وقار و متانت داشته باشند و از کارهای جاهلانه و سبک و جلف دور باشند، خطای دیگران را بخشیده و از آنان در گذرند.

۲- امام علی (ع) در صفات متقین فرمود:

فِي الزَّلَازِلِ وَقُورٌ وَفِي الْمَكَارِهِ صَبُورٌ. (۲)

در سختی‌ها آرام و در ناگواری‌ها بردبار است.

۱- تحت العقول، ۲۰

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱ (ص) ۳

ص: ۱۲۳

۱۴. پرهیز از گفتار، رفتار و حرکات اضافه و غیر ضروری**اشاره**

هدف گوینده و مبلغ دین این است که، مطلب خودش را به خوبی به شنوندگان برساند و مفاهیم مورد نظر خود را به آنها تفهیم کند، ولی اگر کلامی و یا حرکتی که جلب توجه مخاطب کرده و او را از اصل سخن دور کرده و به عبارت دیگر، حواس او را از حقیقت بحث پراکنده می‌کند از مبلغ صادر شود، در واقع با هدف او در تضاد است و زحمات او را بی‌ثمر می‌کند. مواردی که می‌تواند توجه مخاطب را از اصل مطلب دور کند بسیارند:

ذکر چند مورد:

۱- بلند کردن صدا بیشتر از حد نیاز، و یا عدم رعایت تناسب بین صدا و موضوع، اگر بحث حماسی است یا تاریخی و یا سخن در موعظه و تذکرات اخلاقی است، در هر کدام باید صدا و بلند و کوتاهی آن مورد دقت قرار گیرد.

ص: ۱۲۴

۲- یکنواختی از ابتدا تا انتها و عدم تغییر صدا و لحن بیان

۳- عدم رعایت عدالت در نگاه کردن به مستمعین و خیره شدن به فردی خاص و یا به سیمتی معین و عدم توجه و نگاه به افراد دیگر.

۴- تکرار کلمات به صورت غلط و یا دور از ذهن مخاطب، مثل اینکه «یک» را «یک» بگوید.

۵- تکرار بعضی کلمات ویژه به صورت عادت مثل: «به عرض می‌رساند، عرض شود به اینکه، مثلاً، فی المثل» و یا این که بعضی بعد از جمله‌ای کلمه‌ای را تکرار می‌کنند مثل کلمه: «چی شد؟ توجه کردید؟» که تکرار بی رویه آن، برای مخاطب خسته کننده و ملال آور است.

۶- حرکات اضافی و خارج از متعارف دست و سر، مثل چرخاندن زبان به دور لب‌ها و تکرار آن، صاف کردن صدا و سرفه کردن زیاد، حرکت زیادی دست‌ها و بیش از اندازه بالا- و پایین بردن آن‌ها، که هم مبلغ را از وقار و متانت خارج نموده و هم برای مخاطب زجر آور می‌شود.

ص: ۱۲۵

روایات

۱- امام صادق (ع) فرمود:

الْعَالِمُ لَا يَتَكَلَّمُ بِالْفُضُولِ (۱)

عالم به سخنان اضافی سخن نمی گوید.

۲- امام علی (ع) فرمود:

طُوبَى لِمَنْ ... أَنْفَقَ الْفَضْلَ مِنْ مَالِهِ وَأَمْسَكَ الْفَضْلَ مِنْ قَوْلِهِ (۲)

خوشا بحال کسی که اضافه از مالش را انفاق کند و اضافه از زبانش را نگه دارد.

۳- امام علی (ع) می فرماید:

كَثْرَةُ الْهَذْرِ يَمْلُ الْجَلِيسَ وَيُهِينُ الرَّئِيسَ. (۳)

زیادی خطا و باطل در سخنان، همنشین را ملول کرده و موجب پستی و خواری رئیس خواهد بود.

۱- میزان الحکمه، ۸ / ۴۳۷

۲- نهج البلاغه، حکمت ۱۲۳

۳- میزان الحکمه، ۸ / ۴ (ص) ۳

ص: ۱۲۶

۱۵. نوشتن سخنان بعد از سخنرانی**اشاره**

یکی از چیزهایی که برای سخنران لازم است، نوشتن آن بعد از انجام سخنرانی است. فضای معنوی جلسات دینی پر از رحمت و الطاف الهی است که هر لحظه شامل شرکت کنندگان می‌شود که از جمله این عنایات، نکاتی است که در ذهن گوینده آمده و از بایگانی ذهن او خارج شده و ضرورت طرح آن نکته یا داستان یا واقعه تاریخی و یا حدیث که حقیقتاً مرتبط با موضوع مورد بحث هم هست احساس می‌شود و حال آنکه قبل از منبر هر چه فکر کرده این مطالب به ذهن او خطور نکرده است؛ لذا می‌توان گفت: بعضی از احادیث و یا قضایای تاریخی و یا حتی سبک ورود به بحث و یا ضرب‌المثل‌های مطرح شده در بین سخنرانی از عنایات و الطاف الهیه است که به برکت مجلس اهل بیت: شامل حال گوینده و شنونده شده است، پس این لطف خاص را باید غنیمت شمرد و با نوشتن از فراموشی مجدد آن جلوگیری نمود.

بعضی از اساتید، ضمن تأکید این نکته، بیان داشتند یک موضوع را در سه محفل و در سه زمان متفاوت مطرح، هر دفعه نکات جدید و دقیقی بیان شد و در واقع احساس گردید این مطالب هدیه خداوند به

ص: ۱۲۷

مخاطبان بود که بر زبان ما جاری کرد، پس قدر مجلس اهل بیت (علیهم السلام) و شرکت کنندگان عزیز در محفل دینی را باید دانست که اینان باعث رشد علمی و عنایات خاص پروردگار به سخنران می‌شوند.

فواید نوشتن و یادداشت کردن سخنان:

- ۱- مطالب گفته شده فراموش نمی‌گردد.
- ۲- اگر اشکال و یا نقصی در مطالب و بیان آن بوده، مورد توجه و دقت بیشتر قرار می‌گیرد.
- ۳- تعیین مقدار پراکنده‌گویی.
- ۴- محاسبه نفس و ارزیابی عمل.

روایات

۱- پیامبر اکرم (ص) فرمود:
 الْمُؤْمِنُ إِذَا مَاتَ وَ تَرَكَ وَرَقَةً وَاحِدَةً عَلَيْهَا عِلْمٌ تَكُونُ تِلْكَ الْوَرَقَةُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ سِتْرًا فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّارِ. (۱)

وقتی مؤمن می‌میرد و از خود کاغذی که بر آن علمی نوشته شده به جا می‌گذارد، آن کاغذ بین او و آتش ستر و پوشش خواهد بود.

۲- پیامبر اکرم (ص) فرمود:
 قَيِّدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابِ (۲)

علم را به وسیله نوشتن در بند کنید.

۱- بحار الانوار، ۱/ ۱ (ص) ۸

۲- کنز العمال، (ص) ۳۳۲

ص: ۱۲۸

۳- امام کاظم (ع) فرمود:

لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ فَإِنْ عَمِلَ حَسَنًا اسْتَرَادَ اللَّهَ وَإِنْ عَمِلَ سَيِّئًا اسْتَغْفَرَ اللَّهَ مِنْهُ وَ تَابَ إِلَيْهِ. (۱)

از ما نیست کسی که هر روز به حساب خود رسیدگی نکند، پس اگر کار خوبی کرده از خدا تشکر و طلب توفیق بیشتر نماید و اگر عمل زشتی انجام داده استغفار و توبه کند.

۴- امام علی (ع) فرمود:

لَوْ اعْتَبَرْتُمْ بِمَا صَنَعْتُمْ مِنْ مَاضِي عُمرِكُمْ لَحَفِظْتُمْ مَا بَقِيَ (۲)

اگر به آنچه در گذشته کرده‌ای عبرت بگیری ما بقی عمر را مراقبت بیشتر خواهی کرد.

۵- امام علی (ع) فرمود:

مَنْ اعْجَبَهُ قَوْلُهُ فَقَدْ غَرَبَ عَقْلُهُ (۳)

کسی که از گفتار خودش خوشش آید عقلش از او دور شده است.

۶- امام صادق (ع) فرمود:

الْقَلْبُ يَتَّكِلُ عَلَى الْكِتَابَةِ (۴)

دل به نوشته اطمینان و آرامش پیدا می کند.

۷- امام صادق (ع) فرمود:

اِحْتَفِظُوا بِكُتُبِكُمْ فَإِنَّكُمْ سَوْفَ تَحْتَاجُونَ إِلَيْهَا (۵)

نوشته جات خود را محفوظ دارید که در آینده به آن نیاز پیدا می کنید.

۱- بحار الانوار، ۷۰/۷۲

۲- غرر الحکم، ۲/۶۰۴

۳- میزان الحکمه، ۸/۴۵۲

۴- اصول کافی، ۱/۶۶

۵- همان

ص: ۱۲۹

۱۶. پرهیز از ورود به مباحث حزبی**اشاره**

در این باره به بیانات رهبر فرزانه انقلاب، حضرت آیه‌الله خامنه‌ای اشاره می‌کنیم که فرمودند:

از دو طرف نباید لطمه بخوریم: نه ما باید مسائل سیاسی را به کلی از حیطه حرف و گفت و تلاش و مجاهدت تبلیغی خودمان خارج کنیم، آن چنان که دشمنان روی آن ده‌ها سال سرمایه‌گذاری کردند، ولی نهضت اسلامی آمد و این سرمایه‌گذاری را آتش زد و از بین برد و گفتار و اندیشه سیاسی را وارد متن فعالیت‌های دینی کرد، و نه از این طرف باید بیفتیم که تصور کنیم همه منبر، همه تبلیغ، همه مخاطبه با مردم و با مؤمنین، یعنی این که بنشینیم مسائل آمریکا و اسرائیل و مسائل سیاسی را تحلیل کنیم، نخیر، یک کار واجب‌تر اگر نباشد، واجب دیگری وجود دارد و آن دل مخاطب شماسست. دل و جان و فکر او را بایستی تعمیر و آباد و سیراب کنیم. (۱)

و در بیانی دیگر به روحانیون توصیه کردند: اعتقاد من این است که، در اختلافات سیاسی موجود خطی، باید کمتر دخالت کرد و به یک

ص: ۱۳۰

معنا اصلاً نباید دخالت کرد؛ (روحانیون) کوشش کنند هرچه بیشتر خود را از درگیری‌ها دور نگه دارند. یعنی آن جنبه پدری و عمومی را برای همه مردم داشتن؛ هر دو قشر متعارض با یکدیگر را فرزندان خود دانستن. این‌ها را بایستی رعایت کرد تا روحانیت همواره بالاتر از اختلافات بماند. (۱)

مراقب باشید که، دسته‌بندی‌ها و جناح‌بندی‌های سیاسی در حوزه نفوذ و رشد نکند. جهت سیاسی طلاب همان جهت سیاسی نظام و انقلاب است. همان جهت انقلاب را باید ان شاء الله در تبلیغات و در برخورد با مردم - قولاً و عملاً - پی بگیرید. (۲)

مبلغ حق باشیم نه حزب خاص

وقتی منبرها تحت تأثیر تعریف و تمجید از افراد و گروه‌های خاص که دارای افکار و سلیقه‌های مشخص هستند قرار گیرد و مبلغ به دنبال تأیید یک فکر و یا سلیقه سیاسی باشد، دیگر نمی‌تواند مبلغ خوبی برای دین باشد، اگرچه شاید آن حزب و یا فکر سیاسی و اجتماعی فکر خوب و از جهاتی مورد پسند دین باشد، ولی باید توجه داشت که مبلغ، کار انبیا را در پیش گرفته است و مدار حرکت انبیا بیان حق و حقیقت است. مبلغ باید همیشه حق مدار باشد نه حزب مدار.

۱- بیانات در دیدار علماء و روحانیون کرمان ۲۰/۸/۷۰

۲- بیانات در جمع علماء و روحانیون قم ۱/۱۲/۷۰

ص: ۱۳۱

۱۷. استقلال در انتخاب موضوع

اشاره

(وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أُوتِيتَ وَإِلَيْكَ لَتَفْتَرِي عَلَيْنَا غَيْرَهُ وَإِذَا لَا تَأْخُذُوكَ خَلِيلًا* وَلَوْلَا أَنْ تَبْتَئَاكَ لَقَدْ كَادَتْ تَزَكُّنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا) (۱)

و چیزی نمانده بود که تو را از آنچه به سوی تو وحی کرده‌ایم گمراه کنند تا غیر از آن را بر ما ببندی و در آن صورت تو را به دوستی خود بگیرند. و اگر تو را استوار نمی‌داشتیم، قطعاً نزدیک بود کمی به سوی آنان متمایل شوی. از جمله اموری که مبلغین با آن برخورد دارند و نیازمند دقت فراوان است انتخاب موضوع قابل استفاده برای سخنان در مجالس دینی است که باید تمامی عوامل مختلف به طور کامل مد نظر قرار گیرد. رعایت تناسب بین سخنان و علم و آگاهی مستمعین، توجه به نیازهای واقعی مخاطبان، شناخت و آگاهی از فضای حاکم بر جلسه و بعضی دیگر از عناوینی که برای انتخاب یک موضوع خوب، لازم است، در گذشته به آنها اشاره شد. البته نکته مهم این است که بعد از بهره‌گیری از

ص: ۱۳۲

همه عوامل، انتخاب موضوع به عهده شخص مبلغ است و استقلال او در این باره باید حفظ شود.

مبلغ، ابزار دیگران

مبلغ در انتخاب مطالب، نباید از دیگران جهت گیری داشته باشد، تا وسیله و ابزاری برای رسیدن دیگران به اهداف خود نشود. گاهی افرادی موضوع سخنرانی را مشخص می کنند و به مبلغ جهت می دهند که گرچه در مواردی بدون غرض و هدف خاصی است و فقط جنبه مشاوره‌ای دارد، ولی گاهی هدف آنان رساندن مطالب خود به دیگران از زبان روحانی و مبلغ است. در چنین مواردی ذکاوت و هوشیاری روحانی است که به کمک او آمده و از وسیله و ابزار شدن او جلوگیری می کند.

سخن طبق وظیفه نه میل دیگران

گاهی مبلغ از دیگران جهت گیری ندارد ولی نه آنچه را که مردم نیاز دارند و تذکرش ضروری است، بلکه موضوعی که خوشایند مخاطب است، انتخاب می کند. نوع بحث، موضوع انتخابی، طرز بیان و لحن را آن چنان انتخاب می کند که مستمع را جذب و او را از خود راضی نگه دارد. از آیه شریفه‌ای که به آن اشاره شد فهمیده می شود، بعضی‌ها به قصد دگرگون کردن نظرات سخنران، خود را به او نزدیک می کنند و با سخنانی وسوسه‌انگیز به او القا می کنند که اگر چنین و چنان بگویند ما او را دوست خواهیم داشت و او را به انتخاب موضوعات مورد پسند آنان وادار می کنند و البته در آن زمان برای این مستمع خاص آن

ص: ۱۳۳

مبلغ بهترین و عالمتین است.

مثلاً: در محفلی که مستمعین آن فقط سخن از امام زمان (ع) را می‌پسندند و یا مبلغ می‌داند برای جذب و حفظ آنان باید از نظام جمهوری اسلامی و یا از بعضی مسئولین صراحتاً انتقاد کند و یا از بعضی علمای دین که رویه فکری خاص خود را دارند انتقادهای تند کند و البته در این موقع احسنت گویان به او فراوان و موجبات خوشآیند آنان فراهم است ولیکن همین شخص حاضر نیست که فسق آشکار را در همین افراد صراحتاً تذکر دهد و در جهت اصلاح آنان برآید؛ چرا که این چنین تذکری آنان را آزرده خواهد کرد و دیگر از او تمجید نخواهند نمود. اگر چه این مبلغ محترم برای این کوتاهی خود توجیهاتی هم دارد که اگر چنین است حفظ حرمت علمای دین و اصل نظام اسلامی که بر مبنای محبت و مودت به اهل بیت پیامبر (ص) پایه‌ریزی شده است دلایل فراوان و مهمی را دارد. پس اگر فردی توجیهاتی را می‌بیند باید این دلایل روشن را هم ببیند.

روایات:

۱- پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

الْحَقُّ ثَقِيلٌ مُّرٌّ وَالْبَاطِلُ خَفِيفٌ حُلْوٌ وَرُبَّ شَهْوَةٍ سَاعَةٍ تُورِثُ حُزْنَ طَوِيلًا (۱)

حق سنگین و تلخ است و باطل سبک و شیرین، و چه بسا خواهش کم و محدود که حزنی طولانی را به بار می‌آورد.

ص: ۱۳۴

۲- امام صادق (ع) فرمودند:

الْعِزُّ أَنْ تَذِلَّ لِلْحَقِّ إِذَا لَزِمَكَ (۱)

عزت و سربلندی این است که در برابر حق ذلیل و تسلیم باشی اگر بر تو لازم و واجب شد.

۳- امام صادق (ع) فرمودند:

أَتَقَى النَّاسَ مَنْ قَالَ الْحَقَّ فِيمَا لَهُ وَعَلَيْهِ (۲)

باتقوا ترین مردم کسی است که در آنچه به نفع او یا به ضرر اوست فقط حق را بگوید.

۴- امام صادق (ع) فرمودند:

اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ مَنْ خَلَقَهُ الْمُتَلَوَّنَ فَلَا تَزُولُوا عَنِ الْحَقِّ وَأَهْلِهِ (۳)

بدانید که خداوند در بین خلقش از انسان‌های متلون (متناسب با هر جا رنگ عوض می‌کنند) بدش می‌آید، پس هیچگاه از حق و طرفدار حق فاصله نگیرید.

۱- بحارالانوار، ۷۸ / ۲۲ (ص)

۲- همان، ۷۰ / ۲۸۸

۳- همان، ۷۲ / ۱۲۶

ص: ۱۳۵

بخش دوم: روش سخنرانی

یادآوری

ص: ۱۳۷

بعد از تذکرات عمومی که در بخش اول مطرح شد به نکات دیگری که نیاز یک مبلغ دین است تا به آن توجه داشته باشد می‌پردازیم.

از آنجا که هدف و نوع برگزاری کلاس درس و کنفرانس‌های تحقیقاتی و یا خطابه‌های حماسی، سیاسی با منبر و سخن گفتن به سبک سنتی متفاوت است برحسب نیاز روحانیون عزیز روش‌های کلاس‌داری و یا کنفرانس‌ها و بحث‌های تخصصی را کنار گذاشته و فقط به موضوع خود می‌پردازیم.

در یک سخنرانی سه قسمت اساسی مورد نیاز است و کمال سخن به کمال این سه قسمت است:

قسمت اول: بیان احکام و فروع فقہیه

قسمت دوم: بیان اخلاق و معارف دینی

قسمت سوم: ذکر توسل به اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) (در بخش سوم به آن پرداخته می‌شود)

البته می‌توان یک مجلس اختصاصاً احکام گفته شود و یا اخلاق

ص: ۱۳۸

باشد، که ضمن داشتن فواید، مستلزم توجه به شرایط کلاس‌داری است. آنچه در این جا مطرح می‌شود متناسب با منبرهای اختصاصی و یا مشترک می‌باشد و لذا ما بحث را در سه قسمت قرار می‌دهیم، تا کمال آن را رعایت کرده باشیم.

ص: ۱۳۹

فصل اول: بیان احکام و فروع فقهیه

۱. اهمیت بیان احکام

ص: ۱۴۱

مهم‌ترین بخش دین، بیان احکام شرعی است. پیامبر اکرم (ص) یکی از کارهای خود را بیان احکام و پاسخ‌گویی به مسائل شرعی روزمره مردم قرار داد و از گفتن و یا پاسخ دادن به مسائل شرعی ابایی نداشت. وظیفه او این است که دین را آن‌چنان که هست برای مردم بازگو کند. قسمت اعظمی از دین، احکام مورد ابتلای مردم است. ائمه اطهار (علیهم السلام) بخش مهمی از زندگی خود را در جهت بیان احکام دین و مسائل شرعی سپری کرده‌اند. مسأله گفتن نه تنها وظیفه، بلکه افتخار بزرگی است. چه بسیار انسان‌هایی که به علت ندانستن یک مسأله، نمازها و عبادت‌های باطل دارند و چه بسیار کسانی که با یادگیری یک مسأله دینی عمری را به پاکی و طهارت می‌گذرانند. جمیع روایاتی که در فضیلت علم و طالب علم دین آمده است اولین و بارزترین مصداقش کسانی هستند که در جهت یادگیری احکام شرعی خود می‌کوشند.

کار بزرگ علمای دین و مراجع تقلید، بعد از عمری تحقیق، بیان احکام شرعی و مشخص کردن وظیفه مردم در امر عبادات و معاملات است و چه مهمی از این بالاتر!

حقیقتاً باید گفت چه قدر ساده‌اندیشند کسانی که گفتن مسأله را کسر شأن خود می‌دانند و بیان مسأله شرعی و مذاکره آن را کوچک می‌شمارند.

ص: ۱۴۲

۲. نکات مهم در بیان مسأله شرعی**الف: حفظ جایگاه علما در نزد عامه مردم**

علما وارثان انبیا و حصن دین به شمار می‌روند. تضعیف این جایگاه در نزد مردم در حقیقت تضعیف تشیع و دین به حساب می‌آید. آنچه تا به امروز تشیع را در موضعی محکم قرار داده است و در دنیای پر تنش و اقیانوس متلاطم حوادث، در زمان غیبت کبرای حضرت امام زمان (ع) حفظ کرده است، استقامت و پایداری علمای دین و اطاعت مردم از آنان است و اگر آن جایگاه عظیم مردمی و احترام خاص مردم به علما نبود شاید آن‌ها در بسیاری از امور توان مقابله با دشمنان اسلام و تشیع را نداشتند؛ پس بر مبلغ لازم است در بیان مسائل فقهی از کلماتی استفاده کند که شأن عالمان دینی حفظ شده و موجب اهانت به آن‌ها نشود. بی‌احترامی نسبت به علما و مراجع تقلید، در حقیقت اهانت به حوزه‌های علمیه شیعه و شخص مبلغ است چرا که این به مانند نشستن بر شاخه و بریدن آن است.

نکته: بعضی از روحانیون چون با فتوایی و نظر عالمی از مجتهدان دین مخالفند یا آنرا بازگو نمی‌کنند و یا با کنایه‌های خاصی در قالب زبان یا اشاره و حرکات، ناخرسندی خود را از آن نشان می‌دهند و گاهی

ص: ۱۴۳

مشاهده شده برضد فتوای مجتهدی با شدت به مخالفت می‌پردازند و چون اینگونه افراد معمولاً در حد اجتهاد نیستند و قدرت استنباط احکام را ندارند، مخالفت آنها جز تحقیر خود در نزد مردم و تضعیف جایگاه علمی ایشان اثر دیگری ندارد. علاوه بر این که از حدود وظیفه مبلغ که فقط رساندن فتوا به مردم است خارج شده‌اند.

ب: تفکر در چگونگی طرح مسأله

افرادی در مجالس و محافل شرکت می‌کنند که شاید قبل از آن هرگز شرکت نکرده باشند و یا کمتر در محافل دینی حضور یافته باشند و بعد از آن هم شاید یا فرصت شرکت نداشته و یا کمتر شرکت کنند، به همین جهت مبلغ احکام دین قبل از ورود به بحث باید بداند چه مسأله‌ای را می‌خواهد بگوید؟ و این مسأله چه پیش‌نیازهایی دارد؟ از چه مقدماتی استفاده کند تا این مسأله بهتر و کامل‌تر در ذهن مخاطب قرار گیرد؟

بیان هر مسأله نیاز به مقدمه‌ای برای ورود به بحث و بعد از آن ذی‌المقدمه و در آخر نتیجه‌گیری است و چون هر مسأله‌ای می‌تواند فروع و شاخه‌های مختلفی داشته باشد، باید نسبت به آن موارد نیز اشاره‌ای بشود تا مخاطبین فروع گوناگون را با یکدیگر اشتباه نکنند.

شروع ذکر مسأله می‌تواند با طرح یک سؤال فقهی و تبیین آن باشد و یا این که با ذکر یک مثال از مسائل روزمره و پاسخ آن صورت پذیرد.

ج: تکیه بر مسائل متفق علیه و پرهیز از بیان اختلافات

در هر جلسه‌ای که مبلغ مشغول سخن گفتن است افراد زیادی وجود دارند که مقلد مجتهدین مختلف هستند. ممکن است در یک

ص: ۱۴۴

جلسه ۵۰ نفره، بعضی از آن‌ها از مجتهدی خاص تقلید کنند و شاید برای بیان یک مسأله لازم باشد فتوای ۵ مجتهد و یا بیشتر در ذهن باشد.

با توجه به این که یادگیری و حضور ذهن داشتن نسبت به همه مسائل و اختلافات آن مشکل است، یا ممکن نیست و ضمن این که بیان همه اختلافات و نظرات فقهی در یک جلسه موجب تشویش خاطر مردم و مستمعین گشته و چه بسا به خاطر عدم توجه صحیح، نسبت به علما و نظرات فقهی آنها بدبین شوند؛ لذا بر مبلغ است که حتی الامکان مسائل متفق علیه را مورد تذکر قرار داده و از اختلافات فقهی و ذکر آنها پرهیز نماید و در حال ناچاری نظر اکثر را مطرح کرده و فتوای یک مجتهد که با دیگران فرق دارد را تذکر دهد. تا به این وسیله قدرت یادگیری و علاقه‌مندی مخاطبین را به مسائل فقهی تقویت نموده و لذت احکام دینی را به کام آنها بنشانند.

نکته: بیان اختلافات، مختص محافلی است که مختص به احکام است و به شکل کلاس درس اداره می‌شود که در آینده به آن خواهیم پرداخت.

د: به روز بودن مطالعات

علم در حال پیشرفت است و هر روز بر دامنه علوم افزوده می‌شود، مخصوصاً که در مسائل فقهی فروع جدید و یا تحقیقات تازه در اختیار مجتهدین قرار می‌گیرد و امکان تغییر فتوا بسیار زیاد است. اگر چه رساله‌های عملیه تا زمانی که خلاف آن ثابت نگشته، معتبر است ولی بر مبلغ دین است که مطالعات خودش را به روز کرده و هر روز به فروع

ص: ۱۴۵

تازه و نظرات جدید فقها از هر طریقی که ممکن است دسترسی پیدا کند.

چند توصیه:

- ۱- به حافظه خود و معلومات قبل اعتماد نکرده و حتماً به رساله‌های عملیه مراجعه کند.
 - ۲- رساله‌های عملیه جدید را مورد مطالعه قرار داده و حتی الامکان از رساله‌های عربی فقها استفاده کند.
 - ۳- اگر امکان دسترسی به کامپیوتر و اینترنت دارد از سایت‌های مخصوص علما و مراجع استفاده کند.
 - ۴- از مقایسه احکام با یکدیگر و پاسخگویی بر مبنای حدس و احتمال جداً پرهیز نماید.
 - ۵- برای ذکر مسائل فقهی حتی الامکان از روی کتاب خوانده تا اعتماد و اطمینان عمومی حاصل گردد.
- ه- رعایت تناسب مسأله با مخاطبین

برای مفید بودن جلسات و بهره‌مندی بهتر و بیشتر از آن و همچنین ماندگاری بیشتر در حافظه مخاطبان، باید تناسب بین آنها و مسأله مورد نظر رعایت شود؛ چرا که در پرتو رعایت تناسب، مسأله‌ای مطرح می‌شود که روزانه آن گروه از مخاطبان با آن سر و کار داشته و مبتلای به آن هستند. البته بعضی مسائل شرعی مربوط به همه مکلفین و مورد استفاده آنهاست مثلاً احکام نماز و شکیات و همچنین احکام روزه در ماه مبارک رمضان، ولیکن در همان مورد هم می‌توان به گوشه‌هایی از

ص: ۱۴۶

احکام که ارتباط بیشتری با جمع حاضر در جلسه دارد اشاره کرد. پس غیر از این مسائل همگانی، در جلسات خاص و مستمع خاص، باید مسائل شرعی منطبق با آن افراد، از لحاظ جنسیت و سن و تحصیلات و شغل آنها مورد تذکر قرار گیرد. چند مثال:

- ۱: در جمع زنان مسائل مربوط به پوشش در نماز و غیر نماز، حقوق شوهر و فرزندان، سخن گفتن بانامحرمان و قرار گرفتن در مکان خلوت با آنها، نذر زنان بدون اذن شوهر و یا زنان شاغل دارای درآمد و حساب مالی و خمس آنها می‌تواند مطرح شود.
- ۲: در جمع جوانان و نوجوانان: احکام نماز، طهارت از حیث صحت وضو و غسل و اسباب آنها و همچنین از لحاظ اجتماعی، سخن گفتن با نامحرم و حدود آن، شرایط خواستگاری و لوازم آن. در محیط خانواده، اطاعت از والدین از نظر شرعی، حقوق متقابل بین آنها و والدین و بین آنان و برادران و خواهرانشان.
- ۳: در جمع تجار: احکام معاملات، شرایط متعاقدین و بیع و شراء، معامله با خردسالان، احکام ربا و موارد آن و همچنین خمس اموال و طریق محاسبه آن، خرید و فروش چک و یا پول و بقیه مسائل مرتبط با بازار.
- ۴: در جمع کارمندان: احکام کسب حلال و چگونگی وظایف اجیر در انجام کارها، حقوق بازنشستگی و محاسبه آن، پرداخت حق بیمه و کسب درآمد از طریق بهره‌وری‌های آخر سال، بیان حقوق بیت المال و مردم و راه رعایت آن در ادارات.

ص: ۱۴۷

۳. روش‌های بیان مسائل فقهی

اول: روش‌های بیان مسأله در مجالس ویژه بیان احکام

از ابتدا تا انتها، مسائل شرعی مورد بحث و تبادل نظر قرار می‌گیرد و این نیز به سه روش ممکن است:

الف: بیان مسائل شرعی به طور موضوعی و ترتیبی

از ابتدای رساله شروع کرده و مباحث را دسته‌بندی نموده و برای مخاطبین بیان کند، مثلاً بحث اجتهاد و تقلید را در چند بخش تقسیم نماید: اصل ضرورت تقلید، تشخیص مرجع تقلید، تشخیص اعلم، راه بدست آوردن مسائل مجتهد و همچنین فوت مجتهد، تقلید از میت و شرائط آن.

و یا مثلاً بحث نجاسات و مطهرات را به همین کیفیت مطرح نماید.

ب: بیان مسأله شرعی به روش بیان تفاوت‌ها (مقایسه‌ای)

مثلاً: در یک جلسه تفاوت بین وضو و غسل را تماماً بیان کند که به این وسیله این دو واجب را نیز آموزش داده است. و یا مثلاً تفاوت بین نمازهای واجب و مستحب را که در رساله‌های عملیه پراکنده و در مواقع و جاهای مختلف بیان شده است جمع‌آوری کرده و در یک یا چند

ص: ۱۴۸

جلسه بیان کند.

و یا تفاوت روزه ماه رمضان با روزه‌های دیگر، اعم از قضای رمضان و روزه‌های واجب دیگر مثل نذر و یا تفاوت روزه‌های واجب با مستحب.

ج: بیان مسائل شرعی به روش انتخاب عناوین خاص

مثلاً یک عنوان و یا موضوع خاص را در نظر بگیرد و در رابطه با آن عنوان در کل رساله و در تمام بخش‌های آن هر مسأله‌ای موجود است بیان کند.

چند مثال:

۱- بچه‌های غیر ممیز: تولد آنها، غسل آنها، تطهیر بول آنها و فرق بین دختر و پسر، حتی فوت آنها، غسل و یا کفن و دفن آنها، نگاه به عورت آنها و

۲- بچه‌های ممیز: آب کشیدن اشیا توسط بچه ممیز، اتصال صفوف جماعت با بچه‌های ممیز، اقامه جماعت به امامت ممیز، خسارت رساندن او به اموال دیگران، کسب درآمد آنها و خمس آن، نگاه آنها به نامحرم و پوشش نامحرم از آنها و یا نگاه مردان به دختر بچه‌های ممیز، خرید و فروش اشیا توسط بچه‌های ممیز و شرایط آن، مُحَرِّم کردن آنها در حج و عمره و احکام آن و

۳- پوشش: پوشش در نماز برای مردان و زنان، پوشش در غیر نماز برای مردان و زنان. پوشش و حدود آن بین زوجین و دیگران، لباس نازک و جوراب نازک، لباس‌های شهرت و پوشیدن آن، لباس‌های

ص: ۱۴۹

اختصاصی مردان و زنان و پوشیدن آن برای جنس مخالف، پوشش در حال احرام در حج و عمره برای مردان و زنان، پوشیدن طلا برای مردان و احکام آن و فرق آن با پلاتین، پوشیدن زیور آلات در حال نماز، پوشش میت و مقدار آن و تعداد لازم از کفن و دیگر احکامی که در فصل‌های مختلف رساله عملیه در رابطه با پوشش و لباس آمده است.

نکته ۱: همان‌گونه که روشن شد روش عنوانی به علت تنوع در بحث و گستردگی مطالب می‌تواند جذابیت ویژه‌ای داشته باشد.
 نکته ۲: باید توجه داشت که برای ایجاد جذابیت در این کلاس‌ها می‌توان از روش‌های مقایسه‌ای و یا پرسش و پاسخ و یا روش‌های عملی و همچنین استفاده از تخته و نوشتن تقسیمات بر روی آن استفاده نمود.
 عناوین دیگر که می‌تواند مورد بحث باشد مثل عنوان خون (دم)، مو (شعر)، شستشو (غسل) و ... که هر کدام در فصل‌های مختلف رساله‌های عملیه احکام خاصی را دارند.

جهت اطلاع بیشتر، به کتاب‌هایی که در این زمینه نوشته شده است، مراجعه شود. (۱)

دوم: روش‌های بیان مسأله در مجالس تلفیقی

مجالسی که مختص بیان احکام نیست بلکه تلفیقی از احکام و اخلاقیات می‌باشد.

در این گونه جلسات به خاطر محدودیت زمانی که مبلغ دارد، نمی‌تواند در بیان احکام به بحث گسترده و عمیق پردازد، و لی ترک

۱- مانند کتاب درآمدی بر آموزش احکام، محمد وحیدی، بخش ۳

ص: ۱۵۰

احکام نیز صحیح نمی‌باشد و به جهت اهمیت، باید همیشه مورد تذکر باشد؛ لذا مبلغ به تذکر مختصری در این باره اکتفا کرده و بعد از آن به بحث اخلاقی خود می‌پردازد.

این شیوه سخنرانی، از شیوه‌های دیگر آن (احکام گفتن خاص و یا بیان اخلاقیات صرف) ارجحیت دارد. آمیخته بودن تمام مسائل دینی و عجین شدن فقه با اخلاق و توسل به اهل بیت (علیهم السلام) جذابیت ویژه داشته و رتبه‌ای از کمال و ارزش را به آن بخشیده است.

اما همین شیوه از بیان احکام شرعی نیز دارای شکل‌های مختلفی است که هر کدام در زمان و محل خاصی می‌تواند به کار گرفته شود:

۱- بیان مسأله فقهی بدون ارتباط با مباحث اخلاقی

این خود به دو شیوه ممکن است:

الف: بیان مسأله شرعی به صورت پیوسته

بیان مسأله بدون ارتباط با مباحث اخلاقی، ولی مرتبط با مباحث فقهی و مسائل شرعی که در جلسات قبل مطرح شده و یا در جلسات بعد مطرح خواهد شد. مثلاً احکام وضو را طی چند جلسه به عنوان مسائل فقهی در ابتدای جلسه مطرح می‌کند ولی ارتباط با مباحث اخلاقی ندارد. و یا مثلاً شکیات نماز را در طی ۱۰ جلسه مفصل با ذکر مثال‌ها تبیین کند.

تذکر: این روش از طرح مسائل فقهی برای جلساتی مناسب است که در یک مکان و مستمع خاص برگزار می‌شود مانند مجالسی که به عنوان دهه‌ای در ماه محرم و یا ماه رمضان در یک هیئت و یا منزل که اکثر مستمعین در این جلسات مشترک هستند.

ص: ۱۵۱

ب: بیان مسأله شرعی به صورت غیر پیوسته (مجزاً)

بیان مسأله فقهی بی ارتباط با مباحث اخلاقی و همچنین بی ارتباط با مسائل فقهی مطرح شده در جلسات قبل، یعنی در هر جلسه یک مسأله از باب‌های مختلف بیان شود.

البته لازم به ذکر است که روش اول در جلسات دهه‌ای و پیوسته مناسب‌تر است؛ زیرا هم مبحثی از مباحث فقهی به طور کامل بیان شده و هم انگیزه مستمع را برای شرکت در جلسات بعد بالا می‌برد و روش دوم اکثراً در محافل به کار برده می‌شود که به صورت تک جلسه‌ای و در یک زمان برگزار می‌شود.

بهترین کلام

باید توجه داشت که در مسأله گفتن «رعایت اختصار» شرط اساسی است و با گفتن مسائل مختلف و گوناگون نباید زمینه تشویش در ذهن مخاطب را ایجاد نمود؛ چرا که ظرفیت‌های مخاطبین مختلف است و مبلغ باید مسائل را متناسب با ظرفیت مخاطب بیان کند و مسلماً اگر یک مسأله به طور کامل و روشن مطرح شود بهتر از آن است که مسائل مختلف و فروع گوناگون در یک جلسه بیان گردد و نتیجه مثبتی هم بر آن مترتب نباشد.

اما نکته قابل توجه این است که باید خلاصه‌گویی باعث نقص در بیان مسأله نباشد و مضر به یادگیری مخاطب نشود. گاهی خلاصه‌گویی و عدم توجه به جوانب یک مسأله و عدم یادآوری فروع مهم در اطراف آن، باعث عدم یادگیری صحیح شده و یا باز شدن راه فرار برای آنان که

ص: ۱۵۲

می‌خواهند از احکام و دستورات دینی به هر شکلی شانه خالی کنند می‌گردد. مخصوصاً در احکام خمس (هدیه، ارث و ...) باید احکام را دقیق مطرح کرد. مطلق گویی و عدم تبیین مسأله مشکل ساز است، مثلاً می‌گوید: خانه مسکونی خمس ندارد، ولی نمی‌گوید: کسی که تا حال اصلاً محاسبه مالش را نکرده چه کند؟

می‌گوید: هدیه مشمول خمس نیست، ولی نمی‌گوید: فتوای برخی علما آن است که هدیه اگر از مؤونه سال زیاد بیاید یا بماند و استفاده نشود خمس دارد.

می‌گوید: ارث، خمس ندارد، ولی نمی‌گوید: اگر آن را سرمایه کسب قرار داد، ما زاد و سود آن مشمول خمس است یا نه؟

۲- بیان مسأله فقهی مرتبط با مباحث اخلاقی

این بخش، از روش‌های خوب و ظریف است که بسیاری از اهل فن و بزرگان اهل سخن و تبلیغ، از آن استفاده می‌کنند و نیازمند دقت و لطافت و همچنین هنر ارتباط دادن مباحث است. علم و آگاهی از مباحث فقهی و فروع دقت آن و کیفیت ارتباط با مباحث اخلاقی و همچنین هنر مطرح کردن مباحث از نگاه‌های مختلف و زوایای گوناگون آن از لوازم استفاده از این روش است. چون هدف ما از این نوشتار، جهت‌دهی به طلاب جوان و عزیزانی است که به تازگی وارد عرصه تبلیغ گشته‌اند و می‌خواهند به وظیفه خود، یعنی تبلیغ دین عمل کنند لذا به چند مورد به عنوان مثال اشاره می‌کنیم:

ص: ۱۵۳

مثال:

- ۱: مبلغ درباره مس و دست زدن بدون وضو به اسم خدا و پیامبر (ص) و ائمه معصومین (علیهم السلام) و حکم آن سخن می‌گوید و بعد به بحث احترام به رسول اکرم (ص) و جایگاه او در قرآن و نزد پروردگار می‌پردازد.
- ۲: مسأله غضبی نبودن آب وضو و مکان آن، یا مکان نمازگزار را مطرح می‌کند و متصل به آن بحث رعایت حقوق دیگران و احترام اموال مردم در اسلام را وارد می‌شود.
- ۳: مسأله حرمت حضور در مجالس معصیت و گناه را به عنوان مسأله فقهی ذکر می‌کند و به عنوان مثال، مجالس غیبت و یا موسیقی را بیان کرده و بحث اخلاقی خود درباره مذمت غیبت و آثار سوء آن را مطرح می‌کند.
- ۴: مسأله خلوت کردن مرد و زن در مکانی که دیگری قدرت ورود ندارد را مطرح کرده و ضمن اشاره به ادارات و مؤسسات و شرکت‌ها که گاهی چنین مواردی در آن هست، به بحث اخلاقی آثار سوء عدم رعایت حریم و حدود بین مرد و زن می‌پردازد.
- ۵: مسأله حجاب و حدود آن در نماز و غیر نماز را بیان می‌کند و در ادامه به نگاه ارزشی اسلام به زن و رعایت شخصیت حقیقی زن در اسلام پرداخته و حرمت شکنی نسبت به زن در قالب سخنان فریبنده را تذکر می‌دهد.

ص: ۱۵۴

۶: تأثیر امر و نهی پدر و مادر و رضایت و عدم رضایت ایشان در مسائل فقهی را یادآور شده و متصل به آن عظمت والدین و وجوب احترام به آن‌ها و رعایت حقوق متقابل را ذکر می‌کند.

۳: بیان مسأله فقهی در بین مباحث اخلاقی

روش دیگری که برای بیان مسائل شرعی می‌توان مورد استفاده قرار داد، این که مبلغ بعد از شروع به بحث اخلاقی، به بعضی از مسائل شرعی و فتاوی فقها، به مناسبت اشاره کند.

مثال:

۱: بحثی پیرامون ارزش زن در جامعه و یا احترام والدین آغاز کند و در بین آن به احکام فقهی موجود در این باره پردازد.

۲: توضیح یک قاعده از قواعد دین را بیان کند و در بین به مباحث فقهی مرتبط با آن پردازد.

۳: بحثی اعتقادی را در حکمت پروردگار در عالم شروع کند و در لابه‌لای بحث به حکمت بعضی از احکام دینی و مباحث فقهی پرداخته و به بعضی از فتاوی فقها به مناسبت بحث اشاره کند.

ص: ۱۵۵

فصل دوم: بیان معارف دینی و اخلاقیات

اشاره

ص: ۱۵۷

معارف دین دارای بخش‌های مختلف و متنوعی است که هر کدام نیازمند اجرای روش و سبک خاصی است. اعتقادات، شامل مباحث توحید، نبوت، معاد و غیره سبک بیان خودش را داشته و اخلاقیات که شامل اخلاق فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی می‌باشد، باید به صورتی خاص و ویژه مطرح شود، همان‌گونه که تفسیر و تاریخ اسلام نیز نوعی خاص از بیان را می‌طلبد. سخنرانی‌های سیاسی و یا خطابه‌های حماسی در موقعیت‌های خاص و در بین جمعیت‌های خاص نیز از جمله مواردی است که در کیفیت سخن و سخنوری باید به آن پرداخت، ولی چون در این نوشته، هدف، راهکار نشان دادن به طلاب جوان است از بیان این قسمت‌ها صرف نظر شده و فقط به ۴ موضوع می‌پردازیم:

۱- اعتقادات

۲- اخلاقیات

۳- تفسیر

۴- تاریخ اسلام.

۱. شیوه بیان معارف دینی (در چهار مورد یاد شده)

بعد از این که مبلغ، احکام را در حد ۵ تا ۱۰ دقیقه بیان کرد و با ذکر صلوات آن را خاتمه داد، شروع به بیان مباحث اخلاقی و معارف دینی می‌نماید. طبعاً شروع باید با قرائت آیه‌ای از آیات قرآن در زمینه همان موضوع و مبحث باشد. البته می‌تواند آیه قرآن یا حدیث شریف را در ابتدای سخن، بعد از خطبه اولیه قرائت کند و بعد از بیان احکام، آن را توضیح دهد و نیز ممکن است اول احکام را متذکر شود و بعد از آن آیه و یا حدیث شریف را خوانده و بحث اخلاقی یا معرفتی خود را آغاز نماید.

نکته: قرآن کتاب جامع و فراگیر است و معتقد هستیم که در تمام زمینه‌ها دستوراتی ولو به نحو کلی و جامع از قرآن وجود دارد، پس هیچگاه نباید سخنرانی خود را از آیات قرآن خالی گذاشت، بلکه بهتر است طلیعه سخن با ذکر آیه یا آیاتی از قرآن کریم باشد.

در این فصل نیز همانند فصل قبل، مبلغ باید علاوه بر نکات عمومی که در بخش اول از این نوشتار اشاره شد به نکات دقیق دیگر نیز توجه داشته باشد که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

ص: ۱۵۹

۲. اعتقادات**اشاره**

باید توجه داشت، کسی که می‌خواهد وارد بحث عقاید شود (با توجه به اهمیت فراوان آن) باید از مایه‌های علمی فراوان برخوردار و از اساتید خوب بهره برده باشد و یک دوره کامل اعتقادات را در نزد اساتید بزرگ گذرانده باشد و با این پیش زمینه قوی، در میدان هدایت و بیان اعتقادات قرار گیرد.

بیان اعتقادات از دو منظر مورد توجه است**اول: نکیه بر استدلال**

بیان استدلال‌ات نقلی و عقلی برای اثبات یک حق، مثلاً یگانگی پروردگار و یا عدم رؤیت خداوند و یا وجوب لطف بر او و ... باید در محافل خاص و در جمع مشخصی مورد بحث قرار گیرد و حالت کلاس و تدریس داشته باشد و همه حضار با اراده و نیت یادگیری آمده باشند. محافلی که از جمعیت‌های متفاوت با دانایی و علم مختلف و سنین گوناگون و انگیزه‌های غیر علمی تشکیل شده است جای مناسبی برای القای چنین بحث‌های علمی و استدلالی نیست.

ص: ۱۶۰

دوم: توجه دادن به تهذیب نفس

بیان اعتقادات از منظر تزکیه نفس و بیداری دل، جهت زدودن غبار عقل و بیداری وجدان‌های خفته در زیر خروارها خاک هواها و نفسانیات، بسیار مورد توجه است و آثار خوبی را هم به بار می‌آورد.

الف: توحید

برای توجه دادن به تزکیه نفس و خودسازی، در ضمن مباحث توحیدی به چند مثال توجه کنید:

۱: بحث سمیع و بصیر بودن پروردگار را مورد توجه قرار می‌دهد و بعد از بیان این که هیچ چیز برای خدا مانع نیست و او در همه جا حاضر و ناظر است، به بحث‌های موعظه‌ای و نصیحتی پرداخته و انسان‌ها را متوجه خداوند می‌کند.

۲: بحث قدرت لایزال الهی را بیان کرده و ضمن بیان استدلالاتی کاملاً روشن، به ضعف و کوچکی آدمی در برابر ذات باری می‌پردازد و او را متذکر شده و از گستاخی و مخالفت با خدا پرهیز می‌دهد.

۳: بحث رازقیت پروردگار را اشاره می‌کند و بعد از بیان چند آیه و روایت در این زمینه به دوری از حرص و گریز از جمع مال و دنیا طلبی پرداخته و به گناهان موجود که به انگیزه جمع مال بیشتر و یا ترس فقر در آینده انجام می‌شود، اشاره می‌کند.

۴: بحث از پیوستگی و وابستگی اشیا را در عالم مطرح کند و اسرار و عجایبی از خلقت را مورد توجه قرار دهد و از این طریق به حکمت پروردگار و علم بی‌نهایت او پرداخته و از حقانیت و حکمت

ص: ۱۶۱

واجبات و محرمات را توضیح داده و لزوم اطاعت همراه با تبعیدی خالصانه، حتی در صورت عدم درک حکمت، احکام الهی را به مخاطبین گوشزد نماید.

ب: نبوت

برای توجه دادن به تزکیه نفس و خودسازی، در ضمن مباحث نبوت، به عنوان نمونه به ۳ مثال اشاره می‌شود:

۱: ضرورت ارسال رسل را بیان کند و هدف از آن را توضیح داده و بعد از بیان هدف که هدایت مردم به سوی سعادت است مخاطبین را به اطاعت محض از رسول و حجج الهی دعوت نماید، که این به ثمر نشستن هدف انبیا و شکر نعمت پیامبران الهی است.

۲: عظمت نبی مکرم اسلام در قرآن را مورد بحث قرار دهد و به عنوان یکی از صفات آن بزرگوار در قرآن جمله (شاهداً و مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا) (۱)

پرداخته و شاهد بودن آن بزرگوار را بر اعمال امت همراه با مثال‌هایی از تاریخ پیامبر (ص) و ائمه (علیهم السلام) مورد تأکید قرار دهد و به این وسیله مردم را به پاکی و دوری از گناه تشویق کند.

۳: صفت (مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا) را از پیامبر اکرم (ص) مورد بحث قرار دهد و در تاریخ پیامبر (ص) به نمونه‌هایی اشاره کند و پس از آن به وظیفه والدین، معلمان و مربیان برای تربیت فرزندان و شاگردان خود پرداخته و لزوم قرار گرفتن بین خوف و رجا را متذکر شود و تأثیرات مثبت این روحیه را در زندگی مورد توجه قرار دهد.

ص: ۱۶۲

ج: معاد

مباحثی پیرامون معاد که تأثیر شگرفی در زمینه خودسازی دارد باید بسیار مورد استفاده مبلغین قرار گیرد:

۱: بحث لزوم وجود معاد را بیان کند و ضرورت بهشت و جهنم، پاداش و عقاب مطرح شود و به صفاتی از مؤمنین که موجب رفتن به بهشت شود و همچنین خصلت‌هایی که باعث جهنمی شدن آدمی می‌گردد، اشاره می‌کند.

۲: بحث لزوم معاد برای پاداش و جزا را مطرح کرده و عدم ظرفیت دنیا و نعمت‌های آن برای پاداش بعضی حسنات و آثار ماندگار آن‌ها و یا عدم ظرفیت بلاهای دنیا برای عقاب بعضی از گناهان مثل کشتار جمعی انسان‌های بی‌گناه را بیان نماید و به این وسیله به مخاطبین درباره استقامت و پایداری آن‌ها بر مصیبت‌ها و بلاها و همچنین امید بر مطالبه حقوق مظلومین از ظالمین در قیامت، پای فشاری می‌کند، تا مصائب برای مظلومان قابل تحمل‌تر و زندگی امیدوارکننده‌تر باشد.

مزیت این روش

این قسم از بیان مباحث اعتقادی به خاطر جنبه تزکیه‌ای و موعظه‌ای که در آن بیشتر ملموس است، نیاز به اصطلاحات و استدلال‌های عمیق و عقلی ندارد، بلکه با چند آیه قرآن و استدلال به آن به خوبی می‌توان وارد بحث مورد نظر شد.

ص: ۱۶۳

کیفیت لحن مبلغ

لحن گوینده در این مباحث نباید حماسی، بلند و قوی از نظر صوت باشد، بلکه این مباحث، لحنی نرم، آرام و لطیف را می‌طلبد تا همچون قطرات آب که به تدریج در سنگ اثر می‌گذارد، قلب سخت آدمی را به تدریج نرم و او را تحت تأثیر قرار دهد.

استفاده از داستان‌های عبرت آموز

ذکر تاریخ و یا داستان‌هایی که مربوط به عالم آخرت است و استفاده از کتاب‌هایی مثل داستان‌های عبرت‌انگیز علامه تهرانی و یا داستان‌های شگفت شهید دستغیب و منازل‌الآخره محدث قمی می‌تواند در تأثیرگذاری بهتر و بیشتر، مبلغ را یاری کند.

ص: ۱۶۴

۳. اخلاقیات

اگر مبلغ می‌خواهد مباحث اخلاقی (فردی و اجتماعی) را مطرح کند، ضمن استفاده بسیار از قرآن و حدیث، باید به نکات دیگری در نوع روش بیان مطالب دقت نماید.

الف: بیان آثار اعمال

مباحث اخلاقی را از منظر آثار آن مورد بررسی قرار دهد. انسان‌ها وقتی آثار خوب چیزی را بفهمند به آن رغبت پیدا می‌کنند و وقتی آثار سوء چیزی را درک کنند از آن منزجر می‌شوند، لذا آثار اعمال حسنه فردی و یا اجتماعی، یکی از بهترین روش‌ها جهت بیان مباحث اخلاقی است.

۱: آثار اخلاق خوب در دنیا، در آخرت، در نزد خداوند، در نزد پیامبر (ص)، در زندگی اجتماعی، در بهبود روابط اجتماعی و برای نسل‌های بعد و ...

۲: آثار غیبت در فرد، اجتماع، قبر، برزخ، قیامت و در جهنم.

و به همین کیفیت، تمامی اعمال خوب و بد، دارای آثار وضعی و تکلیفی است که می‌تواند مورد بحث مبلغ قرار گیرد.

ص: ۱۶۵

ب: بیداری وجدان و انصاف

اخلاقیات را با بهره‌گیری از بیدار کردن انصاف مخاطب بیان کند. بعضی از مخاطبین نسبت به قرآن و یا حدیث احساس تعبد محض می‌کنند و برایشان خوش آیند نیست. گرچه قرآن و حدیث هم مطالب منطبق با عقل و فطرت را بیان کرده‌اند ولی برای ایشان مثال‌ها و بیان وقایعی که در زندگی رخ داده است و وجدان فرد را بیدار می‌کند و موجب تقویت اخلاق از طریق انصاف دادن (یعنی خود را به جای دیگری گذاشتن) می‌شود، مفیدتر و راه‌گشایتر است.

ج: مقایسه اعمال

بیان اخلاقیات خانوادگی با توجه به ذکر نمونه‌ها و تجربیات و مقایسه نوع خوب با بد آن، مثلاً نوع سخن گفتن با همسر در زمان‌های مختلف و حوادث گوناگون را گفته و بین نوع خوب و بد مقایسه کند.

استفاده از نظر دانشمندان

در این مباحث استفاده از نظرات دانشمندان و یا شعر شاعران جهت تثبیت در فکر و اندیشه مخاطب مفید است. البته نظر دانشمندان نه برای تأیید سخنان قرآن و عترت، بلکه به این عنوان که دین اسلام و دستورات آن در ۱۴۰۰ سال قبل، کاملترین دستورات بوده که امروزه دانشمندان به عنوان بهترین نظرات جامعه شناسانه بیان می‌کنند.

ص: ۱۶۶

کیفیت لحن مبلّغ

در بیان اخلاقیات نه صوت قوی و بلند لازم است که آن متناسب بحث‌های خطابه‌ای و حماسی است و نه صوتی نرم و لطیف که آن مناسب مجالس وعظ و نصیحت برای بیدار کردن وجدان‌های خفته است، بلکه در اینجا سخن گفتن به صورت معمولی و خودمانی است. یعنی مطالب اخلاقی را بازگو می‌کند، آثار آن را در فرد و خانه و جامعه بیان کرده و مثال‌هایی ملموس از زندگی افراد مطرح می‌کند و این بیان همانگونه که قبلاً بیان شد مقایسه‌ای و ذکر مثال‌های ملموس از زندگی است که باید معمولی و مثل گفتمان دو طرفه صورت گیرد.

ص: ۱۶۷

۴. تفسیر

گاهی مبلغین در بیان معارف دینی، تفسیر قرآن را محور قرار می‌دهند، که در این باره نیز چند روش مورد توجه است:

الف: روش تفسیر موضوعی

در این روش، مبلغ یک موضوع را انتخاب می‌کند و در اطراف آن، در آیات قرآن تفحص کرده و مطالب بسیاری را به دست می‌آورد، مثلاً نماز و آثار آن در قرآن، عبادالرحمن و صفات آنها، تقوی، معنای تقوی، صفات متقین، آثار تقوی در دنیا و آخرت، دنیا و ویژگی‌های آن و ... همچنین مباحثی مثل منافقین از دیدگاه قرآن که هر کدام از این موضوعات به نوعی تفسیر موضوعی به حساب آمده و از منظر اخلاقی برای جلسات عمومی مورد توجه می‌باشد.

۱: البته روشن است که تفسیر به معنای حقیقی کلمه، در بسیاری از اموری که کلمه تفسیر بر آن اطلاق می‌شود مد نظر نیست، همانگونه که طبق نظر بعضی از بزرگان، بعضی از کتاب‌های تفسیری، توضیح و تبیین آیات است نه تفسیر آیات.

۲: این روش از سخن، برای جلساتی که در طی چند شب یا چند

ص: ۱۶۸

هفته به طور پیوسته برگزار می‌شود مناسب است، چرا که بحث‌ها همچون حلقه‌های زنجیر به یکدیگر وابسته و مرتبط می‌باشند.

ب: روش تفسیر آیه به آیه

ممکن است مبلغ برای محور قرار دادن قرآن و بحث در اطراف آیات آن، یک سوره را انتخاب کرده و برای مثلاً ۱۰ جلسه سخنرانی، آن سوره و مباحث مطرح شده در آن را مورد بحث قرار دهد. که این صورت هم نوعی پیوستگی است ولی با موضوعات و مباحث مختلف.

مثال: سوره والعصر: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) - ارزش آن، اهمیت شروع با نام خدا، جایگاه بسمله در قرآن به عنوان یک آیه از هر سوره، حکم فقهی خواندن آن جدای از نیت سوره‌ای خاص، حکم فقهی آن برای سوره‌های دارای سجده واجب، برای جنب و یا حائض و اختلاف فتوا در این زمینه و غیر ذلک از مباحث فقهی و تفسیری در اطراف بسمله که مباحث فقهی را در ابتدای سخن به عنوان مسأله شرعی و مباحث دیگرش را به عنوان معارف دین در بخش دوم سخن بیان کند.

(وَالْعَصْرِ) - علت قسم یاد کردن خداوند به مخلوقات و زمان‌ها، تأثیر زمان و مکان در رشد و افزایش ثواب عبادت‌ها، مراد از عصر در آیه شریفه و

(إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ) و بقیه آیات به همین کیفیت در جلسات مختلف مورد بحث قرار داده شود.

ص: ۱۶۹

امتیاز این روش

اهمیت و یا زیبایی این روش از این جهت است که در عین پیوستگی و ادامه داشتن مباحث و دنباله دار بودن، مباحث مختلف در موضوعات گوناگون می‌تواند طرح شود که دست مبلغ را برای انتخاب آن و همچنین طرح مباحث جدیدتر و ضروری‌تر باز می‌گذارد.

ج: روش تفسیری تاریخی

بعضی از مبلغین با نگاه تاریخی به قرآن، قصه‌های قرآن را مورد بحث قرار می‌دهند و در طی یک شب و یا چند شب، قصه‌ای از قرآن را مطرح کرده و در بین آن و با ذکر آیات آن، نکات اخلاقی و اجتماعی آن را متذکر می‌شوند. مثلاً داستان پیامبران، و یا شخصیت‌های مهم، مثل اصحاب کهف و اصحاب رس و یا ذوالقرنین و ... را به عنوان محور قرار داده و به مناسبت، تذکراتی بیان کند.

ص: ۱۷۰

۵. تاریخ

بعضی از مبلغین برای ایجاد جذابیت در مباحث و جلب توجه بیشتر مخاطبین، در بحث‌های خود از تاریخ استفاده می‌کنند. مثلاً: تاریخ اسلام و پیامبر اکرم (ص) از ابتدا تا انتها، تاریخ جنگ‌های پیامبر اکرم (ص)، سبب جنگ‌ها، علت پیروزی و یا شکست سپاه اسلام، نظرات و روش‌های جنگی پیامبر (ص)، نقش منافقین و یهودیان در این جنگ‌ها را هر کدام به صورتی جذاب با ذکر وقایع تاریخی آن مورد بحث قرار دهند.

نکته: بعضی از روش‌های سخنرانی در بعضی جلسات مناسب‌تر است؛ لذا در ابتدای کتاب، شناخت از جلسه و شرکت‌کنندگان را یادآور شدیم تا مبلغ بتواند با توجه به افراد شرکت‌کننده و موقعیت‌های زمانی و مکانی و سطح سن و تحصیلات آنان، نوع سخن خود را انتخاب کرده و برای آن آمادگی داشته باشد.

مثلاً روش تاریخی و یا تفسیر تاریخی بیشتر برای جلسات جوانان و نوجوانان و یا کلاس‌های اردویی و یا برای مربیان پرورشی در کلاس‌های درس مناسب‌تر است.

ص: ۱۷۱

خلاصه روش‌ها:

روش‌ها عبارتند از:

- ۱- روش استدلالی برای کلاس‌های اعتقادات
- ۲- روش موعظه‌ای برای اعتقادات با منظر تزکیه و خودسازی
- ۳- روش معمولی و گفتمانی برای مباحث اخلاق فردی و اجتماعی
- ۴- روش حماسی و خطابه‌ای برای سخنرانی‌ها و یا بحث‌های سیاسی و انقلابی.

آماده سازی جهت ذکر توسل

وقتی سخنان اخلاقی رو به اتمام است مشکل دیگر مبلغ شروع می‌شود و آن کیفیت ورود به مصیبت خوانی است که گاهی این ذکر مصیبت برای او مصیبتی بزرگ است.

باید توجه داشت که بدون مقدمه نمی‌توان ذکر توسل و مرثیه‌خوانی نمود برای اینکه وارد این قسمت شود چند راه وجود دارد:

اول: تفکیک قسمت اخلاقیات از مصیبت‌خوانی

بعد از اتمام بحث اخلاقی با یک مقدمه کوتاه، مثل سلام دادن به اهل بیت و یا سلام بر امام حسین (ع) و توجه دادن مردم به سوی کربلای معلما و یا حرم دیگر ائمه (علیهم السلام) و بعد از آن با چند بیت شعر از اشعاری که در آن، زبان حال عاشقان اهل بیت (علیهم السلام) است دل‌های جمع را آماده کرده و بعد با اشاره‌ای کوتاه به ذکر مصائب اهل بیت (علیهم السلام)، مجلس را ختم می‌نماید.

ص: ۱۷۲

دوم: وصل مباحث اخلاقی به ذکر مصیبت

مبحث اخلاقی را به کیفیتی انتخاب کند که چندین داستان از زندگی ائمه (علیهم السلام) در آن داشته باشد. بعد از بیان داستان‌ها و بیان آیات و روایات در این زمینه، قضیه و یا کرامتی را از آن امام بزرگواری که قصد ابراز ارادت به آن حضرت را دارد بیان کند، به طوری که آن قضیه از جهتی مرتبط با بحث اخلاقی او باشد و از جهتی دل‌های مردم را به کرامت و بزرگواری ایشان متوجه کند و این کرامت را به واقعه‌ای از وقایع شهادت آن حضرت گره زده و مصیبت را آغاز کند.

مثال: احترام و حقوق متقابل زن و شوهر را مطرح و به قضایایی از بزرگواری و آقایی امام مجتبی و یا امام جواد (علیهم السلام) اشاره می‌کند و بعد مظلومیت ایشان را در داشتن همسری ظالم که قاتل حضرت هم شده است مورد توجه قرار دهد و وارد ذکر مصیبت شود.

برای یافتن نمونه‌های دیگر، به کتاب سیدالشهدا «تألیف شهید دستغیب» که مشتمل بر ۲۰ جلسه سخنرانی ایشان در ایام محرم الحرام است. مراجعه فرمایید.

برای توضیح بیشتر درباره مرثیه‌خوانی و ذکر مصیبت، به بخش سوم همین کتاب مراجعه فرمایید.

ص: ۱۷۳

بخش سوم: مرثیه خوانی

اشاره

ص: ۱۷۵

بخش سوم: مرثیه خوانی

این قسمت از بحث، به علل مختلف، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. سخن از مصائب اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) و زجرها و بلاهایی که قلب هر دوستدار آل محمد (ص) را جریحه‌دار کرده و او را سال‌های متمادی و در طول عمرش در عزای جانسوز آن بزرگان دین نشانده است. بیان آن تاریخ مهم و پرفراز و نشیب در کنار حفظ جایگاه و عظمت معنوی آنان کار بسیار دشواری است.

سخن از جایگاه کسانی است که همه عالم به برکت آنها و به خاطر وجودشان برپاست، آنان که واسطه فیض خداوند به بشریتند، ارزاق الهی به یمن آنها تقسیم می‌شود و عبادات به ولایت ایشان پذیرفته گشته و خلاصه، تبلور صفات الهی و مظهر آیات پروردگار می‌باشند.

درک حقیقت مصائب ایشان و تحلیل صحیح آن برای مردم و تبیین گوشه‌های عمیق آن - که سراسر اسرار الهی در آن نهفته است - کار ساده‌ای نیست و رسیدن به این معرفت و درک از درجات کمال انسان می‌باشد. فضیلت گریه بر مصائب اهل بیت ما را به سوی یادآوری و اشک بر آنان می‌کشاند و از طرفی سخن گفتن درباره اهل بیت و ناتوانی در ادای حق ایشان، زبان را الکن و خاموش می‌سازد. حال وظیفه مبلغ دینی و ذاکر مصیبت بسیار دشوار خواهد بود. هم جایگاه و عظمت اهل بیت (علیهم السلام) حفظ شود و هم مصائب آنان تذکر داده شده و از فیض

ص: ۱۷۶

گریه بر آنان بهره‌مند گردد و هم آن را آمیخته با زوایدخارج از شأن امام و حجت حق نکند، این حقیقتاً کار دشواری است. لذا مبلغ و هر آن که مرثیه خوانی و ذکر مصیبت اهل بیت (علیهم السلام) می‌کند، باید در این زمینه وسواس داشته باشد و دقت بیشتری به خرج دهد. امروزه در بعضی از محافل، این مسئولیت خطیر سبک شمرده شده و هر کس به خود جرأت می‌دهد یا در این میدان گذاشته و حتی بدون کمترین اطلاعات و آگاهی‌های لازم، زبان به مرثیه سرایی گشوده و بدون تأمل در عواقب سوء آن در جامعه و فکر جوانان، فقط در صدد ابراز ارادت و عزاداری باشد، غافل از آنکه ایجاد چنین روش و سنتی در جامعه و ترویج آن، تأثیر منفی ایجاد می‌کند که جبران‌ش مشکل خواهد شد.

کسی که مشغول ذکر مصیبت و مرثیه خوانی است، باید در تمام لحظات، متوجه عظمت آن انوار تابان باشد و بداند درباره چه کسانی سخن می‌گوید، نه این که متوجه مردم و گریه آنان بوده و انوار مقدسه را وسیله خواسته‌های خود و دیگران قرار دهد.

ص: ۱۷۷

فصل اول: نکات لازم و ضروری

۱. مراجعه به کتاب‌های معتبر

ص: ۱۷۹

بیان واقعه تاریخی، نیازمند مطالعه دقیق آن و دقت در زوایای مخفی آن است، مخصوصاً اگر آن واقعه درباره اولیای الهی و بالأخص اگر در مرثی و عزای آن‌ها باشد؛ چرا که هم باید واقعه صحیح بیان شود و هم کیفیت بیان، موجب وهن امام و حجت حق نگردد. لذا باید به کتاب‌های تاریخی موثق و مورد اطمینان در این باره مراجعه کرد. کتب مقاتلی که از بزرگان علم و تقوی به ما رسیده و مطالعه‌اش بر مبلغ لازم است، عبارتند از:

«اللهوف»، «سید بن طاووس»

«منتهی الآمال - نفس المهموم - بیت الاحزان - انوار البهیة «محدث قمی»

ارشاد «شیخ مفید» و کتبی از این قبیل.

نکته: روشن است که صرف مراجعه به این کتاب‌ها کافی نیست، بلکه برای بیان مطالب آن باید ظرفیت جلسه و افراد آن را نیز در نظر داشت.

ص: ۱۸۰

۲. نقل صحیح واقعه تاریخی**اشاره**

از آفات ذکر مصیبت و مرثیه خوانی در جامعه ما، عدم مطالعه کافی از جانب وعاظ محترم و یا دیگران است که به اتکای شنیدن از فردی و یا عالمی، - گاهی هم همراه اضافات- به خاطر می‌سپارند و آن را می‌خوانند. اکثراً وقتی سؤال می‌شود که این نکته از مرثیه و یا مصیبت را از کجا بیان داشتید؟ می‌گویند: فلان عالم و یا فلان مداح چنین خوانده است. متأسفانه باید گفت، حق اهل بیت (علیهم السلام) در این قضایا ادا نشده است.

در مواردی که مطلبی را شنیده‌ایم وقتی به مدرک آن مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم گوینده ناقص بیان کرده و بعضی از مطالب را هم به سلیقه خودش به آن قضیه افزوده است، لذا سفارش مؤکد می‌شود، در خواندن مراثی و مصیبت هرگز به دیگران تکیه نگردد و در صورت نقل آن، مأخذ و یا فردی را که از او شنیده‌ایم نام برده تا شنوندگان بدانند، ما نیز با اتکای به دیگری این قضیه را بیان کردیم.

یک خاطره، یک عبرت:

مداحی در یک مجلس عزاداری چنین می‌گفت: «پیامبر (ص) جنازه مردی یهودی را دیدند، برای تشییع او رفتند، بر او نماز خواندند، در قبر

ص: ۱۸۱

او خوابیدند و برایش دعا کردند.

وقتی حضرت علی (ع) پرسید: یا رسول الله! چرا چنین کردید؟

فرمود: یا علی این یهودی تو را دوست داشت!!»

شنیدن این قضیه و اقامه نماز بر بدن یهودی بر من بسیار گران آمد. از او پرسیدم: مدرک این حدیث کجاست؟

گفت: از آقای ... شنیده‌ام،

به آن عالم شهر مراجعه کردم و حدیث را گفتم

فرمود: این حدیث موجود است ولی فقط دعا کردن رسول خدا (ص) در آن آمده است نه چیز دیگر. در اینجا فهمیدم که چند

مطلب دیگر که با دین سازگاری ندارد از جانب مداحان اضافه گردیده و سینه به سینه منتقل شده است.

۳. تأثیر پذیری از ذکر مصیبت

مبلغ دینی که با زبان خود معارف دینی را به مردم می‌رساند و مرثیه و مصیبت بر اهل بیت (علیهم السلام) را می‌خواند و دیگران را غرق در ماتم و اندوه و اشک و ناله می‌کند و باعث نزول رحمت و برکت بر آن محفل و مجلس می‌گردد، باید خود را نیز یکی از مستمعین فرض کند و قبل از این که برای دیگران بخواند برای خودش بخواند و گریه کند، بسوزد و بسوزاند، همچون شمع آب شود و نور دهد، ولی مع الاسف باید بگوییم که بعضی از مرثیه‌خوان‌ها از روحانی و غیر روحانی، فقط در حد یک ضبط صوت خود را تنزل داده‌اند، باعث بهره‌مندی و درک فیض دیگران می‌شوند ولی خود محروم‌تر از همه، مجلس را ترک می‌کنند. نه سوخته‌اند و نه دوست داشته‌اند که بسوزند و نه احساس نیاز به این سوختن در آن‌ها ایجاد شده است. به همین جهت است که بعضی زیبا می‌خوانند، خوب صدا را می‌لرزاند و حتی خوب به گریه می‌آورند ولی به دل نمی‌نشینند و در دل‌ها جایی ندارند و زود از خاطره‌ها محو می‌شوند.

پس بر مبلغ دین و مرثیه‌خوان است که اول برای خودش بخواند بعد برای دیگران، خودش با کسب معرفت بیشتر نسبت به اهل بیت (علیهم السلام)

ص: ۱۸۳

و درك عظمت ایشان، بر آن خاندان پاک بسوزد و اشك بریزد و بعد از آن دیگران همراه او می‌سوزند و ناله می‌کنند و متأثر می‌شوند، سخن از دل بگوید تا بر دل نشیند و دیگر نیازی به گریاندن اجباری با ابزار و کلمات اضافی و یا ... نیست.

۴. حفظ شأن و جایگاه اهل بیت (علیهم السلام)**اشاره**

همان گونه که قبلاً گذشت عظمت حُجج طاهرین الهی اقتضا می‌کند همیشه در حفظ شأن و جایگاه آنان کوشا بوده و از هر سخن یا رفتاری که آنان را تضعیف کند پرهیز شود. همان گونه که خداوند متعال در قرآن، در سوره حجرات، مجازات بی‌ادبی در گفتار نسبت به پیامبر اکرم (ص) را حبط همه اعمال خوب می‌داند، پس نوع سخن و چینش کلمات و انتخاب واژه‌ها در مورد پیامبر (ص) و اهل بیت او باید همراه با دقت و وسواس بیشتری باشد. در این باره بحث مفصلی است که در «شیوه سخن در کلام خالق سخن» به آن پرداخته ایم لکن در اینجا به مناسبت این نوشتار به چند نکته اشاره می‌کنیم.

انتخاب کلمات در شأن اهل بیت

پرهیز از بکار بردن کلماتی که حاکی از ضعف و یا تحقیر نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) باشد، مثلاً کلماتی مثل بیچاره‌ام یا درمانده‌ام و یا همه درها به رویم بسته شد- ولو در قالب شعر و یا زبان حال باشد- صحیح نیست؛ چرا که این واژه‌ها و مفاهیم آن‌ها در مورد آنان که همه امورشان برخواسته از حکمت و تعقل است معنا ندارد.

ص: ۱۸۵

مقام معظم رهبری، حضرت آیه‌الله خامنه‌ای (مدّ ظلّه العالی) می‌فرمایند:

«بعضی از حرف‌ها، بعضی از شعرها، بعضی از اظهارات واقعاً گمراه کننده است. چیزهایی است که یا دروغ است، حوادث غیر واقعی و غلط که در هیچ نوشته‌ای، در هیچ کتابی یا کتاب معتبری نیست؛ یک نفری دلش خواسته یک چیزی را در آورده، بقیه هم خوانند، نباید خوانده بشود. لهوف ابن طاووس و کتاب‌های دیگری که هست به این‌ها مراجعه بشود، چیزهایی که گمراه کننده است خوانده نشود. بعضی از حرف‌ها هم هست که برای افرادی که با معارف دینی درست آشنا نباشند واقعاً گمراه کننده است. چرا باید جوری حرف زده بشود از حادثه عاشورا که تصور این که حسین بن علی یک قیام مظلومانه کرده، از ذهن‌ها برود. تصور کنند که امام حسین یک آدم مضطرب مستأصلی بود که آمدند به زور کشیدند و در زیر عجز و لابه و اظهار ذلت خودش و اصحابش و زن و بچه اش سر او را از قفا بریدند. خب، چرا چنین حرفی زده بشود که این واقعی نیست؟» (۱)

پرهیز از ذکر مصائب سنگین

ذکر مصائب سخت که آسمان و زمین در آن گریان شده‌اند و فرشتگان آسمان همیشه بر آن مصائب مصیبت زده‌اند و خواندن آن در مجالس و محافل که مناسب نیست و در زمان‌هایی غیر از ایام عاشورا و

ص: ۱۸۶

ی

اشهادت آن بزرگواران، مخصوصاً در محافلی که افراد شرکت کننده هرگز از لحاظ جسمی و روحی آمادگی شنیدن و یا عزاداری را ندارند جز کسر شأن و تحقیر ائمه اطهار ثمر دیگری ندارد.

در مجلسی که مردم برای صرف غذا آمده‌اند و هدفشان میهمانی است و میهمانان جز تماشای مرثیه خوان کار دیگری نمی‌کنند، خواندن مصائب سخت عاشورا، مخصوصاً ظهر عاشورا چه توجیهی می‌تواند داشته باشد؟!!

این قضیه یا برخاسته از کج سلیقه‌گی آن مبلغ است و یا از کم معرفتی او نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) سرچشمه گرفته و یا از مبتدی بودن او و مقلد بودنش در این زمینه پرده برمی‌دارد و هر سه این موارد برای مبلغ دینی نقص به شمار می‌رود. مناسب است در چنین مجالس و محافلی، مبلغ بدون اطاله کلام در این قسمت، با یک سلام و درود بر اهل بیت (علیهم السلام) و یا ذکر یک کرامت از ایشان محفل را ختم نماید.

نقل صحیح کلمات ائمه (علیهم السلام)

کلماتی از اهل بیت (علیهم السلام) نقل شده است که معنا و مفهوم آن را نمی‌فهمیم و یا قدرت توضیح و تبیین صحیح برای مخاطب را نداریم. گاهی به کیفیتی نقل می‌شود که مخاطب، از آن، بی‌ادبی امام را می‌فهمد و برای او سؤال برانگیز است، مثلاً در قضیه حر بن یزید ریاحی بسیار شنیده می‌شود که ذاکرین و مداحان چنین می‌گویند: حر جلو حضرت را گرفت: حضرت فرمود: «ثکلتک اُمک؛ مادرت به عزایت بنشیند.» حرّ در جواب گفت: هر کس اسم مادرم را می‌برد اسم مادرش را می‌برد اما

ص: ۱۸۷

چه کنم که مادر تو فاطمه است. و بعد مرثیه خوان ادامه می‌دهد همین احترام حر به حضرت زهرا او را نجات داد، از این گفت و شنودها چنین وانمود می‌شود که حر مؤدب بود و امام سخنی بی‌ادبانه گفته‌اند و حال آن‌که این نفرین امام (ع) سخنی زشت و بی‌ادبی نیست بلکه شکل گفتن مداحان چنین نشان داده است. پس باید در نوع گفتن و بیان وقایع دقت کافی را داشت.

۵. استفاده از اشعار

شعر در ادبیات مردم ایران زمین، جایگاه خوب و روشنی دارد. بسیاری از مطالب عمیق در قالب شعر، در دل‌ها و جان‌ها رسوخ کرده و ماندگار شده است. مبلغ در ضمن ذکر مصیبت، مناسب است که از ادبیات جانسوز در مصائب اهل بیت (علیهم السلام) استفاده کند ولیکن باید به اموری توجه داشته باشد:

الف: حتی الامکان اشعار از زبان شاعر بوده و زبان حال عاشق اهل بیت (علیهم السلام) باشد تا هم در محفل، تحولی ایجاد شود و هم احترام خاصی نسبت به حریم اهل بیت (علیهم السلام) گذاشته شده باشد.

ب: در خواندن اشعاری که از زبان امام (ع) سروده شده دقت زیادی شود که از قول امام (ع) سخن خلاف و یا مغایر با مقام امامت و جایگاه عظیم او گفته نشده باشد؛ چرا که ما حق نداریم حتی در قالب زبان حال، از قول امام (ع) چیزی بگوییم که در خور شأن و مقام او نیست. گاهی در بعضی از این اشعار به حجت حق نسبت ناحق داده می‌شود، او را مشوق دروغ‌گویی و یا مخالف حکمت‌های الهی و مقدرات او معرفی می‌کند.

ص: ۱۸۹

ج: در خواندن اشعار و مرثیه خوانی و ذکر مصیبت، حدّ اعتدال را رعایت نماید و از افراط و تفریط بپرهیزد. گریه کردن مردم و حال داشتن آنها و یا بیکار بودن شخص مبلغ و خوش آیند او از گریه چند نفر، نمی‌تواند دلیلی قانع کننده بر اطاله ذکر مصیبت شود.

ص: ۱۹۰

ص: ۱۹۱

فصل دوم: سخنی با مداحان عزیز

۱. مدّاحی با مرثیه خوانی تفاوت دارد!

ص: ۱۹۳

با توجه به مطالب گذشته، اهمیت ذکر مصائب بر همگان روشن شد. هر کاری را لوازمی است. معرفت کافی و کامل نسبت به مقام شامخ حجج الهی (علیهم السلام)، تسلط ویژه و خاص بر تاریخ اهل بیت (علیهم السلام) و شناخت کتب مقاتل و ارباب مقاتل و قدرت تشخیص صحیح از سقیم و تطهیر و جداسازی آلودگی‌های این بخش از حقایق عمیق و ژرف آن، از لوازم لاینفک یک ذاکر مصیبت و مرثیه‌خوان می‌باشد.

در گذشته‌ای نه چندان دور، این مسئولیت خطیر فقط بر عهده علمای دین و مراجع بزرگ بود و آنان نیز حق مطلب را به حق ادا می‌کردند. مقتل خوانی کار شیخ عباس قمی و شیخ عباس تربتی و شیخ جعفر شوشتری و دیگر علمای دین به شمار می‌رفت. نه تنها ایشان دارای آن لوازم بودند بلکه اهل دل و معرفت بودند، اگر چه ساده و بی آرایش می‌خواندند ولی در پای سخنان آنان مردم مثل ابر بهاری می‌گریستند. به اندازه می‌گفتند، بجا می‌خواندند و درست و صحیح یاد مصائب اهل بیت (علیهم السلام) می‌کردند. در محافل آنان اشک بود و ناله، نه همه و فریاد. آنجا سوختن بود و آب شدن و غش کردن نه ناله‌ها و گریه‌های ساختگی و مجلس گردانی. آنجا عشق بود و عاشق بود و معشوق حقیقی

ص: ۱۹۴

که بر آن می‌گریستند نه مرید و مرید پروری و آهنگ‌های کذایی. آنجا باطن‌های پاک و مطیع خدا و اهل بیت (علیهم السلام) بود نه ظاهرهای زیبا و اطو کشیده و با اتیکت. آنجا دینی عمیق باور شده بود نه ایمانی بادکنکی و توخالی، پر حجم ولی بی محتوا. دوستان و برادرانی که در وادی مداحی قدم گذاشته‌اید، بدانید مداحی با مرثیه خوانی متفاوت است. مرثیه و مصیبت خوانی علم می‌خواهد، تحقیق لازم دارد و مسئولیت آور است. آن را به اهلش واگذارید و مداحی اهل بیت (علیهم السلام) که یکی از شریف‌ترین اعمال است را در خود بیشتر پرورش دهید.

ص: ۱۹۵

۲. مدح در قالب اشعار

اشعار پر محتوا را حفظ کنید و بخوانید. مداحی، امروز مظلوم واقع شده؛ زیرا از حقیقت خود منحرف گشته است. مداح که باید حافظه او گنجینه اشعار گرانسنگ در مدح و توصیف اهل بیت (علیهم السلام) باشد، با اشعار پر محتوا و با مضامین عالی، بزرگترین معارف دینی را در دل مخاطبین جای دهد، پیام نورانی قرآن و عترت را در ضمن پندیات ارزشمند، با صوت دل‌نشین بازگو کند، وظیفه خود را فراموش کرده است و به کاری که هرگز تخصص آن را نداشته و ندارد دست زده است.

باید بر این قشر و بر مداحی اهل بیت که فضیلتی عظیم به شمار می‌رود گریست، کسانی خود را در این سلک قرار داده‌اند که حتی ۱۰۰ بیت مدح را نمی‌دانند و انواع شعر و شاعری را نمی‌شناسند و جز چند بیت اشعار که زمینه ذکر مصیبت را فراهم می‌کند چیز دیگری حفظ نیستند. اینان لقب مداح گرفته و مرثیه خوانی می‌کنند.

کسانی که استاد ندیده‌اند و در جلسات مداحی اساتید فن و شعرای بزرگ زانو زده‌اند، اشعار را اشتباه خوانده و در جمله‌بندی‌ها و گویش جملات استفهامی و اعجابی و ... ضعیفند و مخاطب را هم در فهم

ص: ۱۹۶

مطالب به خطا می‌اندازند، چگونه می‌خواهند معارف اهل بیت را شناخته و تاریخ زندگی ایشان و ذکر مصائب آن انوار تابان را صحیح و درست برای مردم بازگو کنند؟! شنیدم مداحی را که «با مژه گرد حریمت رُفتم» را «با مژه گرد حریمت رُفتم» می‌خواند!

ص: ۱۹۷

۳. پندیات

از اشعار پندیات که تأثیر ژرف و عمیق در دل‌ها می‌گذارد بیشتر استفاده کنید و قلب‌های تشنه مؤمنین را به این چشمه‌های جوشان حکمت سیراب نمایید. عدم استفاده مداحان از اشعار طویل و قصیده‌های شعرای بزرگ در زمینه پندیات و یا مدح و توصیف اولیای الهی، باعث انزوا و فراموشی این گنجینه‌های گرانقدر شده است. مقام معظم رهبری، حضرت آیه‌الله خامنه‌ای فرمودند:

«وقتی با زبان شعر با مردم حرف بزنید، هر چه شعر پیچیده هم باشد، وقتی مداح با هنر مداحی خود توانست این را کلمه کلمه به مردم القا و مخاطبه کند، در دل مردم اثر می‌گذارد. ما غزلیات زیادی داریم. شما به دیوان صائب نگاه کنید. من یک وقت چند بیت از این اشعار را تصادفی انتخاب کردم و به بعضی از برادرهای مداح گفتم روی این‌ها کار کنید. دیوان صائب غزل‌های بسیار خوب و مفیدی دارد که در دل‌ها اثر می‌گذارد. دیگران هم از اینگونه اشعار دارند. بعضی از شعرا- که امروز هم به حمدالله در شعرها آمده بود- درباره عبادت و خضوع و جهاد و تضرع و انفاق و جهاد ائمه (علیهم السلام) بیانات خیلی خوب و زیبایی داشتند. شعر را از لحاظ هنری، سطح خوب انتخاب کنید؛ چون اثر گذار است.» (۱)

ص: ۱۹۸

۴. سخن در حد معلومات

پاداش در گرو خدمت صحیح است. هر کس به اهل بیت و خاندان پیامبر (ص) به هر اندازه خدمت کند، در نزد پروردگار مأجور است ولی باید دانست که خدمت بهتر در زمانی است که هر کس در محدوده علم و آگاهی خودش قدم بردارد و معلوم نیست این چنین حرکت‌ها و مداحی‌هایی حتی نام خدمت هم به خود بگیرد و چه بسا که تأثیرات منفی آن بیشتر از خدمات باشد. مقام معظم رهبری به مداحان فرمودند:

«اما این تعزیه‌داری شرایطی دارد. اگر آن شرایط را عمل کردید، تعزیه‌داری کردید؛ اگر آن شرایط را عمل نکردید، گاهی تعزیه داری نکردید و ثواب نکردید، گاهی خطا هم کردید. حواستان جمع باشد که آنچه انجام می‌دهید درست انجام بگیرد.» (۱)

۱- اشک باید راز دار باشد، ص ۷۷

۵. دنیا پاداش خادمان اهل بیت (علیهم السلام) نیست**اشاره**

برای مداحی خود قیمت نگذارید، بعضی از این افراد چون هیچ شغل دیگری ندارند و مرثیه خوانی و ذکر مصائب اهل بیت (علیهم السلام) را شغل خود قرار داده و از این طریق امرار معاش می‌کنند برای خواندن خود قیمت تعیین می‌کنند. برای آنان ارزش‌های مادی بیشتر جلوه دارد گرچه خودشان به هیچ معنویتی دست نیابند. این‌گونه افراد، خود و عمل عبادی خود را بسیار ارزان می‌فروشند؛ چرا که دنیا نمی‌تواند پاداش شأن خادمان اهل بیت (علیهم السلام) باشد.

داستانی از حضرت موسی (ع)

حضرت موسی (ع) قبل از نبوت، از فرعونیان گریخت، خود را به مدین شهر شعیب (ع) رساند، در نزدیکی‌های شهر، چاه آبی بود، در کنار شبانان دو دختر را مشاهده کرد که به چاه نزدیک نمی‌شوند، فهمید که آنان برای آب دادن به گوسفندان خود نیاز به کمک دارند، به آنها کمک کرد و گوسفندان سیراب شدند و دختران به همراه گوسفندان بازگشتند. یکی از دختران برگشت و به موسی گفت: پدرم تو را می‌طلبد تا پاداشت دهد.

ص: ۲۰۰

موسی (ع) به همراه او به خانه آنها رفت، وقتی موسی به خانه شعیب وارد شد وقت شام بود. شعیب به جوان تازه وارد گفت: ای جوان بنشین و شام بخور.

موسی در جواب گفت: اعوذ بالله.

شعیب (ع) گفت: مگر گرسنه نیستی؟

گفت: آری گرسنه‌ام، ولی می‌ترسم که این شام در مقابل آب دادن گوسفندان باشد و ما خاندانی هستیم که هیچ عملی را برای آخرت با کره زمین انباشته از طلا نمی‌فروشیم.

شعیب گفت: ای جوان به خدا قسم این نیست مگر مرام من و پدرانم و آن این که میهمان را می‌نوازیم و اطعام می‌کنیم، در این هنگام حضرت موسی (ع) مشغول خوردن شد. (۱)

باز هم متذکر می‌شویم که اگر چه هر خدمتی بی اجر نیست و در بین این عزیزان انسان‌های پاک و مخلص بسیارند ولی باید بین مرثیه خوانی و مقتل شناسی و مداحی تفکیک قایل شد. مداحان در قالب اشعار زیبا و جذاب، مدح اهل بیت (علیهم السلام) کنند و علما و محققین دینی و اهل علم و روحانیت معزز، مقتل خوانی و ذکر مصیبت نمایند.

نکته: لازم به یادآوری است که کوتاهی بعضی از اهل علم و واگذاری ذکر مصیبت در آخر جلسات به مداحان، مزید بر علت شده و دست عده‌ای را برای مقتل خوانی و فرهنگ سازی - ولو به نحو ناصحیح - باز گذاشته است، تا جایی که امروز تاریخ مصیبت بار اهل بیت (علیهم السلام) به دست عده‌ای کم اطلاع بر مصیبتش افزوده گشته است.

ص: ۲۰۱

۶. لزوم اقدام شاعران و ذاکران فرهیخته و پیش‌کسوت

شاعران و مداحان بزرگ که در معرفت نسبت به مقام شامخ حجج طاهرین الهی پله‌های کمال را طی کرده‌اند و تا امروز نیز در این راستا بوده‌اند، باید اقدام کنند و جلوداری مداحی کشور را به دست گرفته و این وضع نا به سامان را سامان بخشیده و از حیثیت مداحی اهل بیت (علیهم السلام) و شرافت آن دفاع کنند.

۷. قابل توجه صاحبان هیئات و جلسات مذهبی

و در آخر، سخنی با صاحبان هیئات و جلسات مذهبی، آنان که در راه مکتب اهل بیت (علیهم السلام) از زندگی و مال و وقت و عمر خود مایه می‌گذارند و با عشق فراوان، مجلس بر پا کرده و علم اهل بیت (علیهم السلام) را برافراشته و زمینه را برای احیای امر آنان مهیا می‌کنند، باید مراقب باشند که شعور دینی، فدای شور، معرفت درونی و فرهنگ سازی نسل جوان، فدای جذب بیشتر مخاطب و مستمع و شلوغی جلسات نشود. از مداحان پاک و کامل استفاده کنید و به کسانی که به هر قیمتی می‌خواهند مجلس را به شور و حال درآورند و حتی با دروغگویی و ساختن سخنان گزاف می‌خواهند حرف جدیدی بزنند، تذکر داده تا این حریم آلوده نگشته و پاک تداوم یابد.

ص: ۲۰۳

منابع و مأخذ

منابع و مأخذ

۱- قرآن کریم

۲- اصول کافی، کلینی رازی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، ترجمه سید جواد مصطفوی، انتشارات قائم

۳- بحار الانوار، الجامعه لدرر اخبار الائمه الأطهار (علیهم السلام)، مجلسی، محمد باقر، دارالکتب الاسلامیه، چاپ مکرر.

۴- تبلیغ بر پایه قرآن و حدیث، محمدی ری‌شهری، محمد، همکاری سیدحمید حسینی، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۲

۵- ش

۵- تحف العقول عن آل الرسول (ص)، حرّانی، ابو محمد حسن بن علی، مؤسسه نشر اسلامی، دوم ۱۳۶۳ هـ. ش

۶- تحلیلی از زندگی امام حسن عسکری (ع)، شریف‌القرشی، باقر، ترجمه محمد رضا عطایی، کنگره جهانی حضرت رضا (ع)،

۱۳۷۱

۷- التفسیرالمعین للواعظین و المتعظین، هویدی، محمد، چاپ اول، ۱۴۱۹ هـ. ق

۸- تفسیر القرآن الکریم، شبر، سید عبدالله، مؤسسه دارالجهجره، چاپ پنجم، ۱۴۲۱ هـ. ق

۹- تنبیه الخواطر و نزهه النواظر، الحمدان، ورام بن ابی فراس، مکتبه فقیه، قم، چاپ اول.

۱۰- الحکم الزاهره عن النبی و عترته الطاهره، صابری یزدی علی رضا، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۱ هـ. ش

ص: ۲۰۴

- ۱۱- خصال، شیخ صدوق، موسسه نشر اسلامی، اول ۱۳۰۲
- ۱۲- ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، مدنی شیرازی، سیدعلی خان، موسسه نشر اسلامی، قم.
- ۱۲- سخن و سخنوری، فلسفی محمد تقی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۹
- ۱۳- صحیفه سجادیه، امام زین العابدین (ع)، مترجم حسین انصاریان، پیام آزادی، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
- ۱۴- غرر الحکم و درر الکم، عبدالواحدین، تمیمی آمدی، دفتر تبلیغات اسلامی قم، چاپ اول، ۱۳۶۶.
- ۱۵- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، طبرسی، فضل بن الحسن، چاپ اول، ۱۴۰۶ هـ. ق
- ۱۶- میزان الحکمه، محمدی ری شهری، محمد، مکتب الأعلام الاسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۰ هـ. ش
- ۱۷- نهج البلاغه، گردآوری، سید رضی، ترجمه مرحوم محمد دشتی، انتشارات آستان قدس رضوی، به نشر، چاپ دوم، ۱۳۸۱
- ۱۸- مجموعه الاخبار، جلالی شاهرودی، حسین، چاپ انتشارات جعفری، ۱۳۹۴ هـ. ق
- ۱ (ص)- حدیث ولایت، مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸ هـ. ش
- ۲۰- اشک باید راز دار باشد، توصیه‌های رهبر معظم انقلاب به مداحان و مبلغان حسینی، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵ هـ. ش.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

